



محبوب شفائی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیمای جهان قبل از ظهور منجی

محبوب شفائی

شفائی، محبوب، ۱۳۴۵ -

سیمای جهان قبل از ظهور منجی / محبوب شفائی.

قم: نشر سنابل، ۱۳۸۹.

۲۰۸ ص.

شابک: ۳۲۰۰۰ ریال: ۹۱-۴-۹۱-۸۸۲۹-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

ص. [۲۰۶] - ۲۱۶: همچنین به صورت زیرنویس.

محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق - فتن و ملاحم - آخر الزمان

۲۹۷/۴۶۲

BP ۲۲۴/۵/ش ۷۴س ۹ ۱۳۸۹

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۲۳۹۲۷



شناسنامه کتاب

نام کتاب..... سیمای جهان قبل از ظهور منجی
نویسنده..... محبوب شفائی
ناشر..... سنابل
چاپخانه..... زلال کوثر
شمارگان..... ۱۰۰۰ نسخه
قیمت..... ۳۲/۰۰۰ ریال
نوبت چاپ..... اول - تابستان ۸۹
تعداد صفحه و قطع..... ۲۱۶ صفحه - رقی

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۲۹-۹۱-۴

مرکز بخش:

تهران - شهرک ولیعصر (عج) - کوچه اسلامی دوم - پلاک ۲۴ - واحد یک

۰۹۱۲۳۱۵۱۷۸۰

فهرست مطالب

مقاله.....	۹
پیش گفتار.....	۳۲
فصل اول:.....	۳۸
پایان تاریخ بشر.....	۳۸
مکاتب بشری.....	۳۹
۱- ماتریالیسم تاریخی.....	۴۰
۲- جنگهای سرد در راستای تمدن ها و سنت ها.....	۴۲
۳- لیبرال دموکراسی.....	۴۵
۴- سه تمدن.....	۴۹
فصل دوم:.....	۵۲
سیمای منجی در یهود.....	۵۲
مکاتب الهی.....	۵۳
۱- برترین نظریه در مکتب الهی.....	۵۳
تفکرات رهایی بخشی در یهود.....	۶۵
۱- اهمیت منجی در اندیشه دینی یهود.....	۶۶
۲- رهایی بخشی جمعی و قوم مدار.....	۷۰
۳- تأثیر انتظار در روحیه انسان.....	۷۲
۴- زمان ظهور در روایات یهود.....	۷۳

- ۷۵ ۵- وعده به نجات و امید روانشناختی
- ۷۷ واژه شناسی منجی
- ۷۷ ۱- ما شیخ درتورات
- ۸۰ ۲- ملک و ملک زاده
- ۸۲ ۳- نهالی از تنه یستی
- ۸۴ ۴- شاخه
- ۸۵ ۵- شیلو
- ۸۷ ۶- واژه های دیگر
- ۸۸ نسب شناسی
- ۸۸ ۱- حضرت داوود علیه السلام
- ۸۹ ۲- حضرت اسحاق علیه السلام
- ۸۹ ۳- حضرت اسماعیل (ع)
- ۹۱ سیمای جهان قبل از ظهور منجی
- ۹۱ ۱- ظهور خاتم الانبیاء (ص)
- ۹۳ ۲- اهمیت اورشلیم و کوه صهیون
- ۹۶ ۳- تنگی و عسرت
- ۹۷ ۴- هرج و مرج و فساد اخلاقی در جامعه
- ۹۹ ۵- روایات و نشانه های هفت سال قبل از ظهور
- ۹۹ ۶- مبارزات متعدد یاجوج و ماجوج
- ۱۰۱ ۷- جنگهای مدرن و اتمی
- ۱۰۲ ۸- فرمان های دینی در تسریع ظهور
- ۱۰۳ سیمای جهان پس از ظهور منجی
- ۱۰۳ ۱- اورشلیم و قوم بنی اسرائیل

- ۲- یهود و حکومت جهانی ۱۰۷
- ۳- برپایی عدل و عدالت ۱۰۸
- ۴- تحول علمی همراه با معرفت خداوند ۱۱۱
- ۵- صلح و امنیت ۱۱۳
- ۶- خداوند وارث زمین ۱۱۵
- ۷- عدل در قضاوت ۱۱۶
- ۸- رجعت در آیین یهود ۱۱۶
- ۹- اصحاب خاص منجی ۱۱۸
- ۱۰- ظهور از مکه معظمه و پیروی مردم از منجی ۱۱۸
- ۱۱- تفسیر ابن میمون از جهان پس از ظهور ۱۱۹
- ۱۲- آفرینش نوین جهان ۱۱۹
- صل سوم: ۱۲۲
- بمای منجی در مسیحیت ۱۲۲
- یشه نجات بخشی در مسیحیت ۱۲۳
- ۱- بازگشت مجدد مسیح ۱۲۳
- ۲- روح القدس ۱۲۶
- ۳- زمان ظهور ۱۳۰
- ۴- امر الهی به انتظار منجی ۱۳۱
- ۵- رهایی از ظلم و ستم ۱۳۳
- مای جهان قبل از ظهور ۱۳۴
- ۱- تبلیغ انجیل در هر مکانی ۱۳۴
- ۲- حوادث قبل از ظهور ۱۳۵
- ۳- خیر و شر در زمان ظهور ۱۳۶

۴. ظهور پیامبران کاذب ۱۳۷
۵. جنگ آرماگدون ۱۳۸
- ۶- اعمال مخصوص جهت تعجیل در ظهور ۱۴۲
- سیمای جهان پس از ظهور منجی ۱۴۳
- ۱- پایان نبرد آرماگدون ۱۴۳
- ۲- حکومت جهانی بر پایه عدالت ۱۴۴
- ۳- دادرسی و پاداش زمان ظهور ۱۴۵
- ۴- سیر و حرکت منجی ۱۴۷
- ۵- گشایش مشکلات مادی و معنوی مردم ۱۴۸
- فصل چهارم: ۱۵۲
- منجی آخرالزمان در اسلام ۱۵۲
- اصالت مهدویت ۱۵۳
- ۱- نگاهی جامع به امامت ۱۵۳
- ۲- اصالت از دیدگاه قرآن ۱۵۵
- ۳- اصالت از دیدگاه روایات ۱۵۷
- امام مهدی (عج) در یک نگاه ۱۵۹
- ۱- تولد حضرت مهدی (عج) ۱۵۹
- ۲- القاب و کنیه امام زمان (عج) ۱۶۰
- ۳- تجسس درباره ی نسب حضرت مهدی (عج) ۱۶۲
- ۴- وصف زیبایی امام زمان (عج) ۱۶۳
- ۵- زمان غیبت امام ۱۶۵
- سیمای جهان قبل از ظهور در روایات ۱۶۶
- ۱- فراگیر شدن ظلم و فساد و تبعیض ۱۶۶

- ۲- قیام های زمان ظهور حضرت مهدی (عج) ۱۶۸
- خروج خراسانی ۱۷۱
- ۳- حوادث ناگوار پیش از ظهور ۱۷۳
- ۶- زمان ظهور ۱۷۸
- دستاوردهای حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۱۷۹
- ۱- تشکیل حکومت جهانی ۱۷۹
- ۲- عدالت فراگیر ۱۸۱
- ۳- امنیت ۱۸۳
- ۴- رشد اقتصادی ۱۸۵
- ۵- عدالت در قضاوت ۱۸۸
- ۶- دین واحد ۱۸۸
- ۷- پیشرفت عظیم علمی ۱۹۰
- ۸- انتظار ظهور حضرت عیسی (ع) ۱۹۲
- ۹- رجعت ۱۹۳
- مل پنجم: ۱۹۴
- نکارها و پیشنهاداتی جهت ۱۹۴
- نقد بین ادیان ۱۹۴
- ایف افراد حقیقی ۱۹۵
- ۱- رهبران ادیان و اندیشمندان ۱۹۵
- وحدت امت اسلامی ۱۹۵
- نقد و گوی امت اسلامی با سایر ادیان ۱۹۶
- ۲- نویسندگان ۱۹۷
- ۱- حوزه و دفتر تبلیغات اسلامی ۱۹۷

- ۲- صدا و سیما..... ۱۹۹
- ۳- آموزش و پرورش و دانشگاه ها..... ۲۰۱
- ۴- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی..... ۲۰۱
- فهرست منابع و مآخذ..... ۲۰۵

مقاله

عقیده به ظهور مصلح جهانی و امید به آینده، یکی از مسائل بسیار مهم و حساسی است که نه تنها در آیین اسلام بلکه در همه ادیان و بسیاری از مکاتب مختلف جهان سابقه دیرین دارد، اما از آنجا که مستکبرین جهان به خصوص، دنیای غرب، جهت نفوذ و تسلط بیشتر و حفظ منافع نامشروع، در تصمیم گیری ها و تعیین سیاستهای خود، عقیده رهایی بخش مهدی باوری را شناسایی نموده و از راههای متعددی از جمله با انتشار تبلیغات مسموم رسانه ای علیه مهدویت و مورد معامله قرار دادن این ایده مقدس توسط برخی از دین فروشان داخلی، به تخریب پایه های فکری مهدویت و نابودسازی این اندیشه مقدس برآمده اند، در همین رابطه برخی از نظریه پردازان مختلف جهان پایان تاریخ بشر را تیره و تاریک معرفی نموده اند. بنابراین لازم می آید که این عقیده در ادیان الهی مورد بررسی قرار گیرد، چرا که اعتقاد صحیح به مهدویت عاملی برای همگرایی و نزدیک شدن ادیان و جلوگیری از نابسامانی ها و جنگ هایی است که امروزه در دنیا اتفاق می افتد و سرانجام روشن بشریت را به عالم و آدم ابلاغ کرد تا موجبات امید و رستگاری جهانیان فراهم شود. با نیمی نگاهی به تاریخ بشریت مشاهده خواهیم کرد که یکی از دغدغه های ذهن انسان در

طول تاریخ چگونگی پایان یافتن جهان و آینده بشریت بوده است که در ذیل به نظریه‌هایی در این زمینه می‌پردازیم.

از نظر «مارکس» تاریخ، جهان کار و زندگی انسان‌های واقعی است. پس بایستی فرآیندهای واقعی زندگی یعنی روابط میان انسان و طبیعت و روابط میان انسانها و گروهها و نیروهای اجتماعی را باز شناخت و تاریخ چیزی جز توالی نسلهای پی در پی نیست که هر یک از میراث و سرمایه‌های نسلهای تولیدی نسل‌های پیش از خود بهره‌برداری می‌کند و از سوی دیگر شرایط گذشته را با فعالیت‌های کاملاً جدید دگرگون می‌کند بدین سان هرگونه حرکت خطی و یا هدف از پیش تعیین شده برای تاریخ نفی می‌شود. برخورد تمدن‌ها، نظریه دیگری است که توسط «ساموئل هانتینگتون» درباره آینده جهان بیان شده است. ایشان به صراحت می‌گویند: بروز درگیری تمدنی، آخرین مرحله تکاملی درگیری در جهان مدرن است. امروزه غرب در مقایسه با دیگر تمدن‌ها به گونه‌ای، استثنایی در اوج قدرت است و کانون درگیری در آینده بسیار نزدیک، بین غرب و چند کشور اسلامی خواهد بود، تمدن غرب مهم‌ترین و قوی‌ترین تمدن‌ها یا در دهه‌های آینده خواهد بود.

یکی دیگر از تئوری‌های پایان تاریخ بشر که پس از جنگ سرد با شکست کمونیسم در تئوری و عمل مطرح شد، نظریه لیبرال دموکراسی است که توسط «فرانسیس فوکویاما» ارائه شده است. ایشان، لیبرال دموکراسی را شکل نهایی حکومت در جوامع بشری می‌داند و می‌گویند: پایان تاریخ بشر پیش روی ماست. آنچه شاهد هستیم صرفاً پایان جنگ سرد نیست. بلکه پایان تاریخ نیز هست چرا که پایان تاریخ زمانی است که انسان به شکلی از جامعه انسانی

دست یابد که در آن عمیق ترین و اساسی ترین نیازهای بشری برآورده شود و بشر امروز به جایی رسیده است که می تواند دنیایی ذاتاً متفاوت از جهان کنونی را تصور کند. زیرا که هیچ نشانه ای از امکان بهبود بنیادی نظم جاری وجود ندارد و تاریخ مدرنیته آخرین تاریخ است.

«آلویس تافلر» یکی دیگر از نظریه پردازان، آنچه در پیش روی بشریت جدید قرار دارد را به موج سوم تعبیر می کند و ایده های خود را از این گونه مطرح می سازد که بشر تاکنون دو موج عظیم تحول را از سر گذرانده است که هر یک به مقیاس وسیعی باعث محو فرهنگ ها یا تمدن های گذشته است که نوعی درگیری عمیق بین تمدن موج سوم که حاصل تمدن صنعتی و موج اول که نتیجه انقلاب کشاورزی است در پیش روی بشریت قرار دارد.

با توجه به اینکه در عصر ارتباطات، هر فکر و اطلاعی که در گوشه ای از جهان مطرح می شود لحظاتی بعد تمام مردم جهان امکان دست یابی به آن را دارند در آستانه جهانی شدن، مطالعات تطبیقی در همه زمینه ها به ویژه در عرصه دین و چگونگی نگرش به فرجام جهان بسیار لازم است و برگ برنده در دست کسی است که بهترین و عقلانی ترین سخن را عرضه می کند. چرا که انسان به مقتضای فطرت خود از بهترین گفتارها استقبال می کند. با اندکی تأمل در اندیشه پیروان ادیان سه گانه یهود، مسیح و اسلام، شاهد باوری مشترک نسبت به آینده نهایی و مسیر زندگی خاکی هستیم که آن پیروزی ایمان بر کفر و حاکمیت حق و علم و عدالت اجتماعی و عبادت خدای متعال، وراثت زمین به صالحان و پایان خرافات و گمراهی و ستم و تمامی گونه های انحراف است.

در این حقیقت تردیدی نیست که انسان در همه شئون زندگی خود مدنی و اجتماعی است. اگر این اجتماع قوانین عادلانه ای نداشته باشد، با هرج و مرج در جامعه انسان به مقاصد آسایش بخش خود نخواهد رسید. بعضی خیال کرده اند قوانین و علمی که ساخته بشر است می تواند جامعه را اصلاح کند و حال آنکه در اشتباهند. زیرا این گونه امور به فرض اینکه تا حدی مؤثر و جلوگیری باشد، دوام و بقاء ندارد و شاهدش این است که برخی با اینکه ادعای عقل و روشنفکری می کنند حقوق بشر را ضایع و پایمال می کنند و با بهانه های بچه گانه حیثیات بشر را دست خود قرار می دهند و یا با اینکه از قوانین بشر خبر دارند از ظلم و فساد و خونریزی و قتل و غارت خودداری نکرده و خود را رسوا و سیاه می گردانند. تنها با تشکیل حکومت جهانی، توسط انسان کامل است که می توان بر این ظلم و فسادها و نیروی باطل پیروز گشت و مردم با کمال آرامش و صلح و صفا زندگی کنند و به سعادت نهایی که قرب الهی است برسند و فرصتی بیابند که خوب بیندیشند، خوب زندگی کنند، حکمت و دانش واقعی بیاموزند، یکدیگر را دوست بدارند، به حق همدیگر تجاوز نکنند، توحید محور و اخلاق گرا باشند، جامعه ای عاری از فساد و تباهی تشکیل دهند.

و نیز هر انسانی در ضمیر ناخودآگاه خود پی به حق و حقیقت می برد و برای رسیدن به آن تلاش می کند، فطرت بشر از ظلم و ستم متنفر است و دوستدار عدالت است و انتظار برقراری آن را دارد. پس چیزی را که همه افراد بشر جویای آن هستند به طور یقین وجود پیدا خواهد کرد و روزی خواهد آمد که حق بر باطل پیروز گردد و بر سر تا سر جهان حکومت نماید چرا که در

نظر هر انسان حقیقت جو، حکومت عدل و قانون واحد و لغو تبعیضات، برداشته شدن مرزها و آزادی انسان ها برچیده شدن نظام های طاغوت پرور مطلوب است، کدام انسان است که با این همه مظالم و ستمگری ها موافق باشد؟ و کدام انسان است که تقسیم ملل دنیا به غالب و مغلوب، سلطه گر و زیرسلطه، پیشرفته و عقب مانده و جداناً قبول داشته باشد؟ چرا باید دسترنج مردم ضعیف و کارگر و کشاورز به مصرف تجملات و نگهداری کاخ سفید و کرمین و هزارها کاخ دیگر برسد در حالی که صدها میلیون بشر از حداقل زندگی و خوراک و مسکن عادی محروم باشند. این توسعه طلبی ها و کشورگشائی ها که نمونه آن توسعه طلبی بی حد و حصر آمریکای جهانخوار است تا کی باید ادامه پیدا کند؟ آسایش روحی بشر هنگامی محقق خواهد شد که دست های جنایتکار و ستم پیشگان از تمام جهان قطع شود و لذا نهضتی را که بخواهد به این نظام ها پایان دهد و زمام امور را به دست بگیرد، تأیید می نماید.

«و قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقاً» و بگو حق فرا رسید و باطل مضمون و نابود شد و باطل نابود شدنی است. در بسیاری از آیات قرآن کریم و کتاب مقدس با قاطعیت تمام نوید تحقق برپایی حکومت حق در سر تا سر جهان و برچیده شدن بساط حکومت باطل و وارث شدن زمین بر صالحان را می دهند. از جمله آیات کتاب مقدس این است که «مسیح می آید، جهان پس از ظهور آن منجی، در صلح و صفای کامل به سر خواهد برد و زمین ایشان از طلا و نقره پر خواهد شد و جنگ و خونریزی از جهان رخت برمی بندد و امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید.

آری، یکی از اجماعی ترین موضوعات، بین همه ادیان الهی بشارت به منجی بشریت است و همه گفته اند که کار نیمه تمام انبیاء در ادیان به دست مردی بزرگ، کامل خواهد شد، گفته اند که بزرگترین تکلیف تاریخ، کار بزرگ مرد تاریخ است همان طور که در حدیث معروف پیامبر اکرم (ص) هست که باقی نمی ماند روزگاری مگر اینکه خداوند مبعوث کند مردی را از اهل بیت من که زمین را از عدل پر کند هنگامی که از ظلم و جور پر شده است.

بنابراین مشخص می شود این وضعی که مکاتب بشری به خصوص لیبرال دموکراسی از آن دفاع می کند و می گویند همه باید باور کنند که مدرنیته آخر خط تاریخ است در اصل دفاع از قدرتی است که در رأس آن زورگویان و سرمایه داران دنیا می باشند در صورتی که ادیان الهی به دنبال مدینه فاضله ای هستند که در آن فاصله طبقاتی از بین برود و بساط ظلم و جور و بی عدالتی و فساد از روی زمین برچیده شود و این همان عقیده ای است که همه ادیان الهی بر وقوع آن به انتظار به سر می برند.

در فرهنگ یهود این مسأله یعنی ظهور منجی آخرالزمان مورد بحث قرار گرفته است، و از نظر آنان با ظهور عیسی (ع) همه وعده های مسیحایی تحقق نیافت و وعده های موجود در کتاب مقدس به فراتر از او یعنی مسیحای آینده اشاره دارد. بنابراین در انتظار نجات دهنده دیگری نشستند.

اهمیت نجات بخشی در دین یهود به اندازه ای است که یکی از اصول سیزده گانه آن ها این است که «من باایمان کامل ایمان دارم که، ناجی موعود ظهور خواهد کرد و هرچند که به تأخیر افتد با وجود همه این ها من منتظر او تا هنگام ظهورش خواهم بود.»

همه پیامبران در کتاب مقدس تورات به طور مکرر به طرح مسأله آخرالزمان و سرنوشت قوم بنی اسرائیل پرداخته اند و اعتقاد عموم یهودیان نسبت به شخص منجی این است که در آغاز خلقت عالم پادشاه ماشیح به دنیا آمده، زیرا لزوم وجود او حتی پیش از آن که جهان آفریده شود به ذهن خداوند خطور کرده است و از دیدگاه آنان مهم ترین نتیجه حاصل از تحولات آخرالزمان تحقق نجات و وحدت بین قوم بنی اسرائیل و صلح پایدار می باشد. چنان چه ارمیاء نبی گفته است: «و در روزگارش یهوداه نجات خواهد یافت و اسرائیل با امنیت ساکن خواهد شد» و نیز آیات متعدد دیگری از انبیاء دیگر از جمله حزقیال نبی و صفینا نبی و غیره که نشان دهنده این است که نجات مختص قوم اسرائیل است.

در هر صورت اصل انتظار در روحیه یهودیان چنان مؤثر بوده است که یهودی قدیم حتی هنگامی که به چارمیخ کشیده می شود و شدیدترین شکنجه و دژخیمان بر او وارد می گردید، با خود می گفت: اکنون من شکنجه می شوم اما این شکنجه ها در قیاس با سعادت و شکوهی که در انتظار من است چیزی به حساب نمی آید من ممکن است از زخم های تنم بمیرم اما هنگامی که مسیحا بیاید من نیز دوباره زنده خواهم شد، آن زمان همه ملت های زمین خدمتکار من خواهند شد و آنان اکنون نمی بینند، اما من می بینم و باور می کنم و به همین دلیل می توانم با آرامش بمیرم.

یهودیان محاسبه های مختلفی در زمینه زمان ظهور، انجام داده اند که اغلب آنان تاریخی در حدود قرن پنجم میلادی را نشان می دهد. «راواشه» یکی از علمای متأخر در این باره گفته است: مقصود دانشمندان از ذکر تاریخ های

مذکور برای ظهور ماشیح این بوده است که تا آن تاریخ نباید منتظر آمدن ماشیح بود، لکن از آن به بعد باید انتظار ظهور او را داشت. و اشعیاء نبی در این زمینه گفته است: «و کوچکی هزار شد. قوم صغیر طائفه عظیم خواهد شد اینرا من که خداوندم در وقتش به تعجیل به انجام خواهم رسانید» که به نظر می رسد این زمان بنابر رفتار و کردار مردم تغییر می کند.

با دقت در اعمال و رفتار یهودیان به یکی دیگر از اندیشه های نجات بخشی آن ها پی می بریم و از جمله آن اعمال دعایی است که در نمازشان می خوانند. که در بند هفتم آن خدا خواسته می شود بنی اسرائیل را به خاطر نام خود نجات دهد و در بندی دیگر از آن دعایی است برای تأسیس حکومتی مستقل برای بنی اسرائیل که این ها به انتظار و امید یهودیان می افزاید.

در ارتباط با نام منجی در کتاب مقدس عهد عتیق واژه های متعددی است که توسط مفسرین و دانشمندان و با تطبیق آن با مکتب خود به منجی یهود تعبیر شده است. که یکی از مهم ترین این اسامی ماشیح می باشد. و نیز پسر انسان، شاخه، امیر عظیم ملک زاده، عمانوئیل، نهالی از تنه یسی، شیلو، ربی بوران، حنیفا، از اسامی دیگر منجی یهود می باشد. که به عنوان مثال به برخی از آن آیات که این اسامی در آن ها ذکر شده است می پردازیم:

(۱) که به جهت ملکش برج نجات است به مسح کرده (ماشیح) خود دارد و ذریه اش ابداً مهربان است.

(۲) ای خدا احکام خود را به ملک و عدالت خود راملک زاده عطا فرما.

(۳) و نهالی از تنه یسی برآمده شاخه ای از ریشه هایش قد خواهد کشید.

۴) خداوند می فرماید که اینک روزها می آید که از برای داود شاخه عیادلی را برمی خیزانیم که ملوکونه سلطنت خواهد نمود.

۵) عصای سلطنت از یهودا دور نخواهد شد تا شیلو، که همه قوم ها او را اطاعت می کنند بیاید.

و با بررسی برخی دیگر از آیات کتاب مقدس همانند بخش آخر حزقیال نبی، دانیال نبی، ارمیاء نبی، سفر تکوین و پالاش لخ لخوا، در مجموع به نظر می رسد که همه به اتفاق نسب منجی آخرالزمان را حضرت داوود (ع) می دانند و پس از آن به فرزند ابراهیم (ع) نسبت داده اند و تنها در اینکه به کدام یک از فرزندان ابراهیم (ع) می رسد اختلافاتی جزئی وجود دارد که اکثریت با شواهد و قرائن اکثریت ایشان را از نسل حضرت اسماعیل (ع) می دانند.

در این دین علائم و شرایطی برای آمدن منجی بیان شده است که برخی از این نشانه ها به وقوع پیوسته است و برخی دیگر تاکنون محقق نشده است. که از جمله علائمی که در کتاب مقدس به آن اشاره شده است یکی آمدن خاتم الانبیاء (ع) است که به طور قطعی به وقوع پیوسته است و در کتاب اشعیا نبی آیات (۲۸:۱۰ الی ۱۴) به آن اشاره شده است.

اهمیت اورشلیم و کوه صهیون، جمع شدن پراکندگان اسرائیل از دیگر تحولات آخرالزمان می باشد. قوم بنی اسرائیل پس از اسارت و فروپاشی حکومت یهودی در اقصی نقاط جهان پراکنده شدند. گروهی از آنان در بابل و گروهی در مصر و گروهی در مناطق دیگر ساکن شدند و سرزمین موعود و به خصوص اورشلیم که کانون سیاسی، دینی یهود بود زیر سلطه بت پرستان قرار گرفته بود. «هیکل» محل حضور و سکونت خدا ویران شده بود. بنابراین در

نجات آخرالزمانی توسط منجی این صدمات باید جبران شود قوم پراکنده گرد هم در سرزمین موعود جمع شوند و اورشلیم دوباره رونق یافته و مرکز توجه همگان گردد. حزقیال نبی در یک پیشگویی می گوید: «به ایشان بگو که خداوند خدا چنین می فرماید که من بنی اسرائیل را از میان طوائفی که با آن ها رفتند گرفته ایشان را از اطراف جمع خواهم کرد و ایشان را به زمین ایشان خواهم آورد و ایشان را در زمین در کوه های بنی اسرائیل یک امت گردانیده از برای همگی ایشان یک ملک سلطنت خواهد نمود.» (۳۷: ۲۱-۲۲)، و نیز عاموس (۹: ۱۴-۱۵)، حزقیال (۳۴: ۱۶-۱۱)، اشعیاء: (۵۱: ۱۱)، اشعیاء: (۲: ۱-۳) (پپ ۳)

یکی دیگر از آن علائم تنگی و عسرت می باشد. «در آن وقت سرور بزرگ میکائیلی که از جانب پسران قومت قائم است خواهد ایستاد و زمان تنگنایی که از بودن طوائف تا به این زمان نبوده است واقع خواهد شد و در آن زمان قوم تو هرکسی که در کتاب مکتوب یافت شده است نجات خواهد یافت.» اشعیاء نبی (۶۶: ۲۰)

با توجه به این اصل که تاریکی و سیاهی شب، قبل از دمیدن سپیده فزونی می یابد، دانشمندان یهود این نکته را به مردم یادآور می شدند که پیش از ظهور ماشیح آشفتگی و فساد در جهان به حد بالایی می رسد و در تلمود آمده است در دوره ای که ماشیح ظهور می کند، جوانان به پیران بی احترامی کرده و آن ها را خجالت خواهند داد و پسران در جلوی جوانان خواهند ایستاد. دختر با مادر خود، عروس با مادر شوهر مخالفت خواهد کرد، روی مردم آن دوره از

بی حیایی چون روی سگ خواهد شد. محل تحصیل و اماکن به فساد مبدل می شود.

یکی دیگر از آن علائم بروز جنگ های سخت بین دولت ها و مردم و اقوام مختلف خواهد بود که جنگ یا جوج و مأجوج یکی از معروف ترین این جنگ ها در نظر یهودیان است که در آیات دوم و سوم فصل ۳۸ کتاب حزقیال نبی و مزامیر حضرت داود از آن نام برده شده است و جنگ اتمی که حضرت زکریا در آیات (۱۴: ۱۲) از آن یاد کرده اند و نزدیک دو هزار سال پیش حضرت مسیح (ع) از آن خبر داده است. علمای یهود جهت تسریع در ظهور ماشیح زمان های دینی مخصوص را توصیه نموده اند که از جمله آن فرمان ها توبه، مطالعات تورات و علوم دینی، صدقه و اتحاد و دوستی افراد جامعه است.

یهودیان به وقایع پس از ظهور منجی نیز پرداخته اند که با رجوع به کتاب مقدس آن ها درمی یابیم که از جمله وقایع پس از ظهور، اشاره به وضعیت اورشلیم و قوم بنی اسرائیل است که در آن زمان شهر اورشلیم به محل سلطنت خداوند مشهور خواهد شد و تمام قومها در آنجا به حضور خداوند خواهند آمد و دیگر سرکشی نخواهند نمود. «از میاء (۷: ۳)، یوئیل نبی (۱۳: ۱۵ و ۱۶).... و نیز عقیده آن ها پیش از همه ملت ها، ملت اسرائیل است که با ظهور ماشیح خوشبخت خواهد شد.

برپایی حکومت جهانی توسط منجی آخرالزمان یکی دیگر از عقاید یهودیان می باشد که به عنوان مثال در مزامیر داوود (ع) (۷۲: ۸) آمده است: «از دریا تا به دریا از نهر تا به اقصای زمین سلطنت خواهد نمود.»

عدالت جهانی در سایه حکومت جهانی و برجیده شدن ظلم و فساد در جهان هم به طور مکرر و با لحن های گوناگون توسط انبیاء بیان شده است که اشعیاء در این زمینه آورده است: «بلکه ذلیلان را به عدالت حکم و برای مسکینان زمین به راستی تنبیه خواهد نمود و ... گرگ با بره سکونت داشته پیر با بزغاله ... و گاو با خرس خواهد چرید و بچه گان آن ها با هم خواهند خوابید.» اشعیاء (۱۱: ۴ تا ۹)

و نیز در دوره با سعادت آن منجی آسمانی تحول عظیم علمی و فرهنگی به وجود می آید و درهای تمام علوم به روی انسان ها گشوده می شود و همه مردم به خدای یگانه ایمان می آورند و انسان ها به کمال و بلوغ عقلی و اخلاقی و انسانی می رسند و از چنان آسایش و امنیتی سخن به میان آمده است که این امنیت شامل حیوانات نیز می شود و نیز جنگ و خونریزی از جهان رخت برخواهد بست. ماشیح با ظهور خود به یاری فقرا و مسکینان می شتابد و با مردم به عدالت رفتار می کند، و قضاوت و حکم او نیازی به دیدن و شنیدن و گواه ندارد بلکه مطابق علم و واقع حکم خواهد کرد. اشرار و ابلیس را از بین می برد و از بدی ها اثری نمی ماند.

با ظهور ایشان صدیقان شکوفه می کنند و در اجتماع بزرگ جهانی مردانی پاک سیرت و راست گفتار و درست کردار نمایان می شوند و سعادت و سلامت که مولود تسلط آن منجی و آن دولت باسعادت است تا انقراض جهان پایدار خواهد بود.

گویا یهودیان به رجعت نیز معتقدند چنان چه دانیال پیامبر گفته است: «در ولت باسعادت وی گروهی زنده گردند، برخی برای تکمیل ایمان و بعضی به منظور تتمیم شقاوت و بی ایمانی.»

کتاب مقدس عهد جدید که شامل اناجیل مسیحیان می باشد از بازگشت جدد مسیح به وفور سخن به میان آورده است. چنانچه حضرت عیسی (ع) نود شخصاً اعلام کرده است که به طور ناگهانی و همراه با فرشتگان و با روزی خواهد آمد، و یا رسولان در این زمینه شهادت داده اند که مسیح خصماً و جسماً و به طور علنی رجعت خواهد کرد. و در جای دیگر سخن از خص دیگری که خود عیسی مسیح وعده آمدنش را می دهد نه شخصی که ت موسی انتظارش را می کشیدند. برخی از مسیحیان وی را همان روح دس می دانند.

در دین مقدس مسیحیت پس از وعده و وعیدهای فراوان به ظهور منجی و د به نجات از ظلم و فساد و پیروزی حق بر باطل، مردم را امر به انتظار ور نموده اند. چنان چه در انجیل لوقا آمده است: «پس بایست که بسته باشد رهای شما و افروخته باشد چراغ های شما و خود باشید آن کسانی که لار می کشند آقای خود را که کی از عروسی باز آید که چون آید و در زند تا در را گشایند.»

حضرت عیسی (ع) نیز تصریح می کند که هوشیار و آگاه باشید چون نمی د آن زمان کی می آید و به این صورت روز موعود را بر همه پنهان و بلوم نموده آید. هرچند که برای ظهور روز و ساعت مشخص نشده است اما متون مقدس از علائمی یاد شده است که در قبل از ظهور اتفاق خواهد افتاد

که آن‌ها نشانه‌هایی برای نزدیک شدن ظهور می‌باشد که از آن علائم تبلیغ انجیل در هر مکان می‌باشد که منظور از این تبلیغ کاری است شبیه به کار حواریون در رسولان که تمام سعی و تلاششان را برای تأسیس کنیسه‌های مسیحی در هر منطقه از جهان و برای پاک‌سازی و تقویت و برکت بخشیدن به تمام ارکان جامعه به کار بردند پس واجب است که مسیحیان روشنایی زمین باشند. و نیز در دوران قبل از ظهور حوادث طبیعی از جمله وقوع زلزله کسوف و خسوف، اتفاق خواهد افتاد و روزگاری مملو از سختی و گرفتاری و فساد خواهد آمد. همان‌طور که پولس رسول می‌نویسد که دوران آخرالزمان دوران دشواری خواهد بود، زیرا مردم خودپسند و مال‌دوست می‌شوند آن‌ها مستکبرین انجیل را بزرگ می‌شمرند از والدینشان تبعیت نمی‌کنند. شکرگزار نیستند، صورتی به ظاهر اصلاح دارند ولی منکر تقوا هستند. و گفته شده است که در آن زمان اشخاص پیدا خواهند شد که به دروغ ادعای نبوت مسیحیت می‌نمایند و از خود مسائلی بروز می‌دهند که باعث اغواء مردم می‌شوند.

وقوع جنگ‌ها و خشونت‌های قبائل مختلف در آخرالزمان یکی دیگر از علائم ظهور است که عهد جدید به انحاء گوناگون به آن‌ها پرداخته است. که نبرد آرماگدون یا حار مجدون یکی از مهم‌ترین آن جنگ‌ها خواهد بود که در مکاشفه یوحنا در این ارتباط آمده است: «و ایشان را در محلی که عبری ارماگدون گویند جمع نمود.»

در مسیحیت هم اعمال و عباداتی جهت تسریع در ظهور مسیح انجام می‌شود که از جمله آن عبادات دعاهاى مخصوصی است مانند دعای ای پروردگار

رحم کن بر جهان و تعجیل کن بر فرستادن پیغمبر خود تا از دشمنیت شیطان توانائیش سلب شود.

پس از جنگ دجال بر ضد مسیح، منجی سوار بر اسب ظهور خواهد کرد، و شمشیر تیزی از دهانش بیرون می آید که همان کلام خداست و با یک کلمه دشمنان را نابود می سازد. مسیحیان معتقدند که منجی آخرالزمان با ظهور خود و با تأیید و نصرت خاص الهی بر دشمنان غالب خواهد آمد و بر تمام ملل حکمرانی خواهد کرد.

در مورد مدت حکومت مجدد مسیح زمان های متفاوتی بر مبنای عهد جدید مشخص شده است که بنابر یک پندار این دوران تنها یک دوران انتقالی میان زندگی این جهانی و رستاخیز است که ظاهراً هزار سال می باشد.

از جمله کارهایی که مسیح با آمدن خود انجام خواهد داد دادرسی کارهای یمان داران و پاداش دادن به آن ها است بنابراین مسیح تمام امت ها را برای اوری نزد خود جمع خواهد کرد تا اگر ممکن باشد در ملکوت هزار ساله بول شوند. و از وقایع مهم دیگری که پس از ظهور اتفاق خواهد افتاد تحول لمی و گشایش مشکلات مادی و معنوی مردم می باشد. مردم از غم و رنج و زد و ماتم فاصله خواهند گرفت و خدای بزرگ هر که را تشنه است از آب یات سرمدی سیراب می سازد و همه نابکاران و دروغ گویان را نابود می د، در آن هنگام محافظت از احکام الهی خواهد شد و بشریت در تحت بطره یک دولت الهی قرار خواهد گرفت و معرفت مردم به خداوند روزافزون راهد شد.

دین مبین اسلام، آخرین و کامل ترین دین از سوی خدای متعال می باشد که در آن به بحث تکمیلی مسأله مهدویت پرداخته شده است و به پرسش ها و ابهامات مطرح شده پیرامون آینده بشر به صراحت پاسخ گفته است و بیان نموده است که بشریت آینده ای روشن خواهد داشت و همه نگرانی ها و سختی ها به راحتی و امنیت تبدیل خواهد شد و تمامی مستکبران و زورگویان و مفسدان جهان، ریشه کن خواهند شد.

مسأله امامت از اصول عقاید مسلمانان می باشد که برای اثبات آن دلایل عقلی و نقلی فراوانی بیان نموده اند که یکی از مصادیق امامت، امامت مهدی موعود (ع) دوازدهمین امام می باشد.

اندیشه مهدویت در اسلام، از بدو تشکیل دین اسلام و در زمان پیامبر اکرم (ص) توسط ایشان مطرح بوده است و نیز از یازده قرن پیش تاکنون رساله های فراوانی در موضوعات مختلف مهدویت نوشته شده است.

و نیز با بررسی کتب اختصاصی مهدی موعود (ع) به این واقعیت پی می بریم حداقل حدود شصت نفر از صحابه به پیامبر اکرم (ص) روایات مربوط به حضرت را بلاواسطه از قول آن بزرگوار نقل کرده اند که از بین آن ها حدود ۴۰ نفر از اهل تسنن می باشد که این محکم ترین دلیل بر صحت و تواتر و قطعی الصدور بودن آن ها از ناحیه رسول خداست.

در قرآن کریم نیز آیات مختلفی از اندیشه مهدویت به چشم می خورد که به نظر می رسد می توان سر منشأ و قرآنی منجی باوری مسلمانان سه آیه انبیاء / ۱۰۵، قصص / ۵ و نور / ۵۵ دانست.

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون

- و نريد ان نمنّ على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم الوارثين.
 - وعد الله الذين امنوا منكم و عملوا الصالحات يستخلفنهم في الارض كما
 استخلف الذين من قبلهم.

و مشهورترين حديث بين فرقه های اسلام حديث «يملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً» می باشد که از پیامبر (ص) نقل شده است.
 بر اساس احاديث معتبری که در دست داريم حضرت مهدي در نيمه شعبان سال (۲۵۵، هج) دیده به جهان گشودند که ولادت ایشان توسط قابله و پدرش امام حسن عسگری (ع) و مورخين و علمای علم انساب و اعتراف نزديکان و ياران ائمه که به دیدار امام مهدي شهادت داده اند و ملاقات هریک از نواب چهارگانه با امام به اثبات رسیده است و تنها گروه انگشت شماری از اهل تسنن منکر ولادت ایشان شده اند و حدود ۱۲۸ نفر از علمای حدیثی و تاریخی اهل تسنن اعتراف به ولادت ایشان نموده اند.

در مورد القاب و اسامی آن حضرت صاحب کتاب نجم الثاقب حدود ۱۲۸ اسم برای حضرت شمرده است که بیشتر آنها از جانب حضرت باری تعالی و انبیاء و اوصیاء است که از جمله آن اسامی: بقیه الله، اباصالح، محمد، مهدي، احمد، صاحب العصر، صاحب الامر، منتظر، بشر معطله، ماء معین، خاتم لاوصیاء، حجه الله و منجی می باشد.

در مورد نسب ایشان در روایات فراوانی نسب حضرت را پیامبر اکرم (ص) بیان نموده اند که ایشان فرزند امام حسن عسگری است و حسینی می باشد که رخی از علمای اهل تسنن نسب حضرت را حسنی دانسته اند. اما اکثریت

خواهد یافت. استخراج منابع و توسعه دام پروری هم از دیگر برنامه های اقتصادی حکومت مهدی (ع) می باشد.

قضاوت و داوری حضرت مهدی یکی دیگر از دستاوردهای حکومت آن حضرت می باشد که امام صادق (ع) در این زمینه می فرمایند: بدانید که به خدا سوگند که موج دادگستری او، بدان گونه که گرما و سرما نفوذ می کند، می باشد.

در آن زمان اختلاف از میان ادیان برداشته می شود و همه بصورت یک آئین درمی آیند و در جهان جز فرمانروایی اسلام وجود نخواهد داشت و به این ترتیب آئین توحید در اسلام در همه خانه ها و در درون زندگی همه انسان ها وارد می شود.

در دین اسلام هم به پیشرفت عظیم علمی در آن زمان سخن به وفور به میان آمده است که در مجموع روایات، جهان را در روزگار امام عصر، جهانی متمدن و در اوج قدرت علمی معرفی می کنند و در آن زمان بشر در عین این که به بالاترین رشد علمی و صنعتی می رسد به همان اندازه به تعالی اخلاقی انسانی نزدیک می گردد. مسلمانان هم مانند مسیحیان به نزول حضرت عیسی (ع) در آن زمان معتقدند با این تفاوت که در روایات اسلام آمده است که حضرت عیسی یکی از همراهان خاص امام عصر می باشد و در روز ظهور حضرت عیسی به امامت مهدی موعود (ع) نماز می گذارد. و یکی دیگر از عقاید مسلمانان رجعت پس از ظهور است که در زمان ظهور جمعی از نیکوکاران بسیار نیک و بدکاران بسیار بد به دنیا برمی گردند که دلایل عقلی و نقلی بسیاری این عقیده را به اثبات می رساند.

در پایان به ارائه راهکارها و پیشنهاداتی جهت تبیین موضوع منجی در ادیان می پردازیم:

پیشنهاد مهمی که می توان به رهبران ادیان و اندیشمندان داد این است که محور بنیادین گفت و گوی ادیان را منجی قرار دهند که از جمله ریز موضوعات پیشنهادی در این گفت و گو پایان تاریخ بشر در ادیان، جهانی شدن، انتظار، پرداختن به مشترکات و افتراقات منجی در ادیان می باشد و برپایی کنگره های جهانی با موضوع منجی در ادیان هم به رهبران ادیان پیشنهاد می شود و نویسندگان داخلی و خارجی ادیان مختلف پیشنهاد می شود که در صدد تدوین کتب و مقاله هایی با این موضوع برآیند.

و نیز به نهادهای حقوقی از جمله حوزه، سازمان و دفتر تبلیغات اسلامی پیشنهاد می شود که با توجه به اینکه کوتاهی نمودن حوزه و حوزویان در امر منجی باوری ادیان الهی، زمینه ساز بروز خرافات و سطحی نگری شدن آن می شود بنابراین جا دارد، حوزه به عنوان متولی این امر، قدم های جدی تری بردارد. دوره های تخصصی مهدویت برای طلاب گذاشته شود. برگزاری جشنواره و گفتمان بین المللی منجی در ادیان توسط حوزویان انجام شود. تهیه آیات و روایات از دین های مختلف در این زمینه و ارائه آن به شکل های مردمی و سازمان ها و اداره ها و غیره.

از جمله پیشنهاداتی که به صدا و سیما می شود این است که با تشکیل ستاد دائمی و فعال به ساخت سرود، تواشیح، آواز با موضوع های نجات، انتظار، امید، عدالت، فریاد رس و ... با زبان های مختلف و پخش آن از شبکه های درون مرزی و برون مرزی، و پخش فیلم هایی که در داخل و خارج از کشور

در این موضوع ساخته می شود، پاسخ گویی به شبهات و پرسش های منجی در ادیان، تهیه گزارش های مختلف در این زمینه، تهیه فیلم های کوتاه و قطعه های نمایشی از ادیان مختلف، نقد فعالیت ها و فیلم های غرب علیه منجی باوری و آینده جهان، اختصاص یافتن یک شبکه در سیما به منجی آخرالزمان و غیره.

و به آموزش و پرورش و دانشگاه ها پیشنهاد می شود به نمونه فعالیت های زیر پردازند: - اختصاص یافتن این موضوع در درس های عمومی دانشگاهها، برگزاری جلسات پرسش و پاسخ - تقدیر از معلمان و دانشجویانی که در این رابطه آثاری از قبیل شعر، داستان، مقاله دارند - دادن موضوعات منجی آخرالزمان برای نوشتن انشاء به دانش آموزان، برگزاری مسابقات و همایش ها و جشنواره های بهترین آثار در دانشگاهها.

از جمله فعالیت هایی که در این رابطه به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیشنهاد می شود این است که از تولید کتاب ها و مجله ها و محصولات فرهنگی ویژه موضوع منجی در ادیان حمایت نمایند. اهداء این محصولات به کتابخانه ها و مراکز فرهنگی، ارائه پوستر، کارت پستال و تراکت و... ویژه این موضوع، حمایت از مطبوعات و روزنامه نگارها جهت ارائه ویژه نامه منجی در ادیان، حمایت از فعالیت های مردمی و نهادها و سازمان ها جهت چاپ بروشور و طرح های منجی در ادیان، حمایت از آثار پژوهشی و هنری ویژه منجی در ادیان.

و بالاخره با توجه به وجوه مشترکی که بین این سه دین بزرگ می باشد می توان با پرداختن به این مسأله یأس و سردرگمی را در بین جوامع بشری کاهش

داد و با محور قرار دادن منجی در گفتگوی ادیان در بین آنها یک نوع وحدت و هم‌گرایی ایجاد نمود و برای بهتر تبیین نمودن آن به راه‌کارهایی که پیشنهاد شد پرداخت موجبات رستگاری و امید انسان‌ها فراهم شود. با این وجود با ظهور آن یگانه منجی بشریت نه تنها تاریخ پایان نمی‌یابد بلکه آغاز تاریخ است.

پیشگفتار

ستایش شایسته پروردگار جهانیان است، که با الطاف خاصه خویش نعمت امامت و ولایت را به همه عالم ارزانی داشت. و ظهور منجی بشریت را باور مشترک همه ادیان، ندای قلبی همه مستضعفان، نوید پایان سبز زمان، آخرین پناه انسان معاصر در برابر همه سیاهی ها و پلیدیها و امید و حیات و زیبایی و عشق و شور و نشاط همه آدمیان نمود.

عقیده به ظهور مصلح جهانی و امید به آینده، یکی از مسائل بسیار مهم و حساسی است که نه تنها در آیین مبین اسلام بلکه در همه ادیان و بسیاری از مکاتب مختلف جهان سابقه دیرین دارد و سرمنشاء این اعتقاد کهن و ریشه دار، علاوه بر اشتیاق درونی و میل باطنی هر انسان، که به طور طبیعی خواهان حکومت حق و عدل، در سرتاسر جهان است، نویدهای پیامبران الهی در طول تاریخ بشریت به مردم مؤمن و آزادی خواه جهان است. اما از آنجا که امروزه دنیای غرب در تصمیم گیری ها و تعیین سیاست های خود با زبان تبلیغ در مقام انکار مهدویت برآمده است و برخی از نظریه پردازان مختلف جهان پایان تاریخ بشر را تیره و تار معرفی نموده اند، لازم می آید که با بررسی این نظریه ها و پرداخت وجوه برتری نظریه مکاتب الهی که در این نوشتار شامل یهودیت، مسیحیت و اسلام می شود به دفاع از این باور مهم برخاست و با محور قرار دادن منجی در گفتگوی تمدن ها، ادیان الهی را به وحدت و

یکپارچگی دعوت نموده و سرانجام روشن بشریت را به عالم و آدم ابلاغ کرد تا موجبات امید و رستگاری فراهم شود.

مستکبرین جهان جهت نفوذ و تسلط بیشتر و حفظ منافع نامشروع خود عقیده‌رهایی بخش مهدی باوری را شناسایی نموده و از راه‌های متعددی، از جمله با انتشار تبلیغات مسموم رسانه‌ای علیه مهدویت و مورد معامله قرار دادن این ایده مقدس توسط برخی از دین‌فروشان داخلی، به تخریب پایه‌های فکری مهدویت و نابودسازی این اندیشه مقدس برآمده‌اند. بنابراین با توجه به اینکه تک‌تک این باورهای منحرف قابل نقد و بررسی است و اندیشه ناب مهدویت قابل دفاع‌ترین باورهای آخرالزمانی است پس لازم است این عقیده در ادیان الهی مورد بررسی قرار گیرد، چرا که اعتقاد صحیح به مهدویت عاملی برای هم‌گرایی و نزدیک شدن ادیان و جلوگیری از نابسامانی‌ها و جنگ‌هایی است که امروزه در دنیا اتفاق می‌افتد و با ارائه راه‌کارهای متناسب جهت نمرجه‌بهر استفاده نمودن از این اعتقاد می‌توان یأس و سرگردانی را که گریبان‌گیر بعضی جوامع بشری شده است برطرف نمود و برای تشکیل حکومت جهانی و اجرای عدالت توسط یگانه منجی بشریت قدمی برداشت.

تفکر منجی آخرالزمان موضوعی است که باید آن را در مبانی فکری و دینی بیان جستجو نمود، بنابراین تاریخچه و پیشینه این موضوع بسیار کهن می‌اشد و به آغاز ادیان برمی‌گردد، آنچه مسلم است این است که این موضوع وارد توجه نویسندگان و اندیشمندان دنیا بوده و کتاب‌ها و مقاله‌های فراوانی ر این باره به نگارش درآمده است. اما با توجه به اهمیت و گسترده بودن آن نویسندگان هرکدام با دیدهای متفاوت به این موضوع پرداخته‌اند، که با بررسی

های انجام شده مشخص شد که در بین آنها آثاری که به موضوع منجی در ادیان الهی به صورت مستقل و مجزا از بحث های دیگر و با اهدافی که مشخص نمودیم پرداخته باشند بسیار نادر است که از آن جمله می توان به کتاب «بشارت عهدین نوشته «محمد صادقی» و کتاب «ادیان و مهدویت» اثر «محمد بهشتی» اشاره نمود.

سؤالاتی که سعی شده است در این مجموعه به آن پردازیم، سؤالات زیر می باشد:

- ۱- آیا در همه ادیان الهی به منجی آخرالزمان بشارت داده شده است؟
 - ۲- پایان تاریخ بشر چگونه است؟ آیا پایانی روشن در انتظار بشر است؟
 - ۳- مواضع سه دین بزرگ یهودیت، مسیحیت و اسلام نسبت به منجی آخرالزمان چگونه است؟
 - ۴- در کدام یک از این ادیان سیمای منجی بهتر و کامل تر از سایر ادیان بیان شده است؟
 - ۵- آیا پرداختن به مسأله منجی باعث کاهش یأس و سردرگمی در بین جوامع بشری است؟
 - ۶- آیا می توان محور بنیادین گفتگوی ادیان را منجی آخرالزمان قرار داد؟
 - ۷- چگونه می توان بین ادیان وحدت ایجاد کرد؟
 - ۸- آیا مهدویت از اصالت برخوردار می باشد؟
 - ۹- چه راه کارها و پیشنهادهای جهت تبیین این موضوع می توان ارائه داد؟
- این مجموعه شامل ۵ فصل می باشد، که هرکدام به بخش های دیگری تقسیم شده است.

فصل اول به بررسی برخی از نظریه های پایان تاریخ بشر که توسط مکاتب غیرالهی بیان شده است که شامل ماتریالیسم تاریخی، برخورد تمدن ها، لیبرال دموکراسی و موج سوم می شود و مکاتب الهی که شامل سه دین بزرگ یهودیت و مسیحیت و اسلام می باشد، پرداخته است که با مقایسه آنها به وجوه برتری نظریه های مکاتب الهی پی می بریم.

فصل دوم به سیمای منجی یهود با استفاده از کتاب مقدس تورات (عهد قدیم) و تفسیرهای دانشمندان گوناگون، اعم از یهودی و غیر یهودی اشاره نموده ایم. که اهم مطالب این بخش نسب شناسی منجی، جهان قبل و بعد از ظهور منجی از دیدگاه یهود و اندیشه نجات بخشی در یهودیت می باشد.

فصل سوم این نوشتار به سیمای منجی در مسیحیت اختصاص یافته است. و با توجه به اینکه در بخش یهود از کتاب مقدس تورات (عهد قدیم) استفاده نمودیم، در این بخش فقط از آیات کتاب مقدس قسمت اناجیل (عهد عتیق) بهره بردیم و به نویدهای منجی آخرالزمان در این دین اشاره کردیم و اندیشه نجات بخشی و جهان قبل و بعد از ظهور منجی را نیز در مسیحیت بررسی نمودیم.

فصل چهارم به منجی آخرالزمان در دین اسلام پرداخته است. دینی که به عنوان آخرین و کامل ترین دین از سوی خدای متعال نازل شده است. که با استفاده از آیات قرآن کریم و روایات اهل سنت و تشیع به این موضوع پرداخته ایم. لازم به ذکر است که به علت گستردگی این بحث در اسلام نمی توان در این مجموعه کوچک به همه مطالب آن پرداخت. بنابراین در این کتاب

سعی شده است به موارد مختلف اشاره ای بشود و علاقمندان به منابع رجوع نمایند .

فصل پنجم شامل ارائه راهکارها و پیشنهاداتی جهت وحدت بین ادیان، و تبیین موضوع منجی در ادیان در بین افراد بشر می باشد. به این امید که توسط افراد حقیقی و حقوقی جوامع، قدم هایی در این راه برداشته شود و امید رستگاری جهانیان را فراهم نماید.

در این کتاب سعی شده است که با دید برون دینی انجام شود و از هرگونه تعصبات دینی خودداری شود و از منابع و اسنادی که در کتابخانههای معتبر موجود می باشد استفاده نمایم.



فصل اول:

پایان تاریخ بشر

کاتب بشری

باینیم نگاهی به تاریخ بشریت مشاهده خواهیم کرد که یکی از دغدغه های من انسان در طول تاریخ پرفراز و نشیب، چگونگی پایان یافتن جهان و آینده بشریت است. آیا آینده ای تاریک و خطرناک در انتظار انسان می باشد؟ یا نده ای روشن و امیدوار کننده خواهد داشت؟ و بالاخره سرنوشت جوامع و ت ها به کجا ختم می شود؟

در پاسخ به این سؤالات برخی از اندیشمندان و سیاستمداران دنیا بر آن شده . تا نظرات و تئوری های خود را در مورد چگونگی پایان یافتن تاریخ بشر ن نمایند و در مقام دفاع برآیند، و از طرفی هم در آموزه های وحیانی وعده نجات بشریت و تشکیل حکومت واحد جهانی توسط منجی آخرالزمان داده ه است.

برخی معتقدند شر و فساد و بدبختی، لازمه لان ینفک حیات بشری است راین زندگی بی ارزش است و عاقلانه ترین کارها خاتمه دادن به حیات و گی است و به خاطر پیشرفت سریع وتولیدات و فناوریها و صنعت سلاح ی مخرب و ویران کننده وسلاح های کشتار جمعی، بشر به مرحله ای یده که گور خود را با دست خود کرده و با نابودی کامل، بیش از یک گام بله ندارد. بنابراین، آینده بشر، بسیار تاریک و خطرناک است. گروهی دیگر ه بشر را روشن می بینند، اندیشه پیروزی نهایی و تشکیل مدینه فاضله و

حکومت جهانی را بر اساس قسط و عدل، آرزوی دیرینه ملت‌ها و فرهنگ‌هاست. تا جایی که هریک از طرفداران ادیان الهی می‌گویند آینده جهان از آن ماست.^۱

در این فصل به طور مختصر به تبیین برخی از این نظریه و آموزه‌های وحیانی می‌پردازیم.

۱- ماتریالیسم تاریخی

«کارل مارکس» نظریه پرداز و اندیشمند سده بیستم می‌باشد که درباره سنت‌ها و مرحله‌های تاریخ، بحث نموده است که از جمله دستاوردهای که مارکسیسم به اندیشه بشری تقدیم کرد، اصل جبر تاریخی و کوشش برای کشف سنت‌ها و مراحل تاریخ و همچنین اهمیت شناخت قوانین آن برای پیش بینی مسیر حرکت تاریخ و پی آمدهای آن بود.^۲

بر این اساس مارکس مراحل تاریخ بشر را به پنج دوره تقسیم می‌کند:

۱- کمون اولیه و دوره اشتراک اولیه

۲- دوره برده داری

۳- دوره فئودالیسم

۴- دوره سرمایه داری

۱- مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی (عج)، (قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه، ۱۳۶۱)، ص ۵۸؛ حبیب الله طاهری، جهانی شدن و مقایسه آن با حکومت واحد جهانی حضرت مهدی، فصلنامه انتظار، ج ۷، ص ۱۸۶

۲- سامی بدری، مهدی منتظر و سیر تاریخی نشانه‌های ظهور، ترجمه عبدالله امینی، فصلنامه انتظار، ج ۱، چ ۳، ص ۱۶۹

۵- دوره سوسیالیسم که از نظر ایشان دوره کمون نهایی (کمونیسم) هنگامی است که انسان با نفی هر طبقه بندی و تغایری و با اشتراک مالکیت در ابزار تولید، تاریخ خود را به پایان برد، و آن مرحله، دوره رهایی از هر تبعیض و ظلم و ستمی خواهد بود و برابری و عدالت یا نفی مالکیت خصوصی و تبدیل «من ها» به «ما» گسترده و فراگیر می شود.^۱

بنابراین اجزاء اساسی مکتب مارکس را می توان به صورت های زیر تقسیم بندی نمود:

- ۱- به صورت یک دیدگاه کلی درباره تاریخ بشر (فلسفه مارکس)
 - ۲- به صورت یک کاربرد خاص این دیدگاه کلی در مورد رژیم سرمایه داری (اقتصاد مارکسی)
 - ۳- به صورت یک پیش بینی در مورد وقوع اجتناب ناپذیر تغییرات اجتماعی با تکیه به تضادهای این نظام (انقلاب مارکس) فلسفه مارکسی که همان فلسفه تاریخ می باشد را به آن ماتریالیسم تاریخی می گویند. یعنی تفسیر تاریخ بر اساس ابزارگویی و جنبه های اقتصادی و مادی و اینکه زیربنای همه حرکات و همه جنبه های زندگی اجتماعی اقتصاد و مادیت است.^۲
- مارکسیست ها آن واقعیت اصیل تاریخ را مادی دانستند و غیر آن را هرچه که معنویت است در هر شکلی چه فرهنگ، چه دین و مذهب، اخلاق، هنر، همه اینها را به منزله یک تابع دانستند که بیشتر باز می گردد به جنبه گرایش های انسانی و گرایش های اصیل جامعه که سایر گرایش ها تابع اوست یا به

^۱ - سید مجید فلسفیان، علی و پایان تاریخ، (بی جا، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۸)، ص ۱۶

^۲ - مرتضی مطهری، فلسفه تاریخ، ج ۲، چ ۲، (تهران و قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۸)، صص ۲۵ و ۲۶ و ۲۷

تعبیر دیگر نیروی اصیل محرک جامعه که سایر حرکات ها تابع آن حرکت اولی و نیروی اولی است.^۱

از نظر مارکس تاریخ، جهان کار و زندگی انسان های واقعی است. پس بایستی فرآیندهای واقعی زندگی یعنی روابط میان انسان و طبیعت و روابط میان انسان ها و گروه ها و نیروهای اجتماعی را بازشناخت و تاریخ چیزی جز توالی نسل های پی در پی نیست که هر یک از میراث و سرمایه ها و نیروهای تولیدی نسل های پیش از خود بهره برداری می کند و از سوی دیگر شرایط گذشته را با فعالیت های کاملاً جدید دگرگون می کند بدین سان هرگونه حرکت خطی و یا هدف از پیش تعیین شده برای تاریخ نفی می شود.^۲

مارکسیسم با انکار وجود خدای متعال و تحریف دین الهی در برخورد با پیامبران گرفتار لغزش شد که پیامد آن، عدم موفقیت در کشف مراحل حرکت تاریخ و شناخت سنت هایی است که مقطع کنونی و گذرا را به مرحله آینده انتقال می دهد و در پایان محتومی نگه می دارد.^۳

۲- جنگهای سرد در راستای تمدن ها و سنت ها

یکی دیگر از تئوری پردازی های پایان تاریخ بشر، ساموئل هانتینگتون استاد علوم سیاسی دانشگاه هاروارد، متولد نیویورک و با اصالتی انگلیسی می باشد.^۴

۱- پیشین، ص ۱۹۲

۲- علیرضا بیابانورد، درآمدی بر اندیشه کارل مارکس، نشریه صدای عدالت، مورخ ۸۱/۸/۵، ص ۵؛ خ - پارسا، ژرف اندیش ترین انسان هزاره دوم کارل مارکس یا سوم، نشریه لوح، ش ۷، ص ۱

۳- ساهی بدری، مهدی منتظر و سیر تاریخی نشانه های ظهور، ص ۱۶۹

۴- هانتینگتون و منتقدانش، نظریه برخورد تمدنها، ترجمه مجتبی امیری، (تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴)، صص ۱۵ و ۴۹

ایشان پس از نفی نظریه های دیگران، درباره آینده جهان می گویند: بشر تاکنون دروه های مختلف درگیریها را به خود دیده است، دوره اول: جنگ پادشاهان و مستبدان جهت گسترش سرزمین تحت حکومت خود، دوره دوم: جنگ میان کشورها - ملت ها که منجر به جنگ جهانی اول گردید. دوره سوم: جنگ میان ایدئولوژی ها یعنی جنگ کمونیست ها با لیبرال دموکراسی موسوم به جنگ سرد و بلوک شرق و غرب که با شکست کمونیسم و فروپاشی شوروی، جنگ سرد پایان یافت و اکنون سیاست جهانی، به مرحله جدیدی وارد شده است و دوره چهارم تاریخ بشر آغاز می شود و فرضیه او این است که منبع اصلی برخورد در جهان نوین اساساً نه ایدئولوژی است و نه اقتصاد، بلکه شکاف های عمیق میان افراد بشر است و برترین منبع برخورد ماهیت فرهنگی خواهد داشت، و درگیری های اصلی در صحنه سیاست جهانی بین ملت ها و گروه ها با تمدن های مختلف رخ خواهد داد، رویارویی تمدن ها سیاست جهانی سایه خواهد افکند و خطوط گسل (مرزهای تلاقی بین تمدن ها) میان تمدن ها در آینده خطوط نبرد خواهد بود. برخورد تمدن ها برین مرحله از سیر تکاملی برخورد در جهان نو را تشکیل خواهد داد.^۱

از نظر وی «تمدن بالاترین گروه بندی فرهنگی و گسترده ترین سطح هویت منگی است که انسان از آن برخوردار است».^۲

و در پاسخ به این سؤال که چرا تمدن ها با هم برخورد خواهد کرد شش را بیان می نماید: نخست آنکه وجوه اختلاف میان تمدن ها نه تنها واقعی

سید مجید فلسفیان، علی و پایان تاریخ، ص ۲۰

مجید امامی، پایان تاریخ جنگ تمدنها، نشریه رسالت، ش ۳، ص ۱

است بلکه اساسی است. دوم آنکه خود آگاهی تمدنی در حال افزایش است. سوم آنکه تجدید حیات مذهبی و بازگشت به اندیشه های اصولی و سنتی، وسیله ای برای پرکردن خلاء هویت در حال رشد است.

ویژگی تمدن غرب که خواهان سیطره بر سایر تمدن هاست، جداسازی هویت دیرینه و بومی آنها است، اما مذهب، به راحتی این عرصه را رها نمی کند و به صورت نهضت های بیدادگری و یا به زعم هانتینگتون «بنیادگرا» خلاء هویت را پر می سازد. چهارمین دلیل، نقش دوگانه غرب و رفتار منافقانه اوست که آگاهی تمدنی را تقویت می کند. پنجمین دلیل نیز ویژگی ها و اختلافات فرهنگی است. در اینجا منظور اصلی هانتینگتون ویژگی های دینی به طور خاص می باشد. ششمین دلیل و شاهد وی بر این باور که تقابل تمدن ها، آخرین مرحله تکامل درگیری های عصر نو را تشکیل می دهد، رشد منطقه گرایی اقتصادی است، که علاوه بر تقویت خودآگاهی تمدنی بر این نکته اشاره می شود که اقتصاد منطقه ای توفیق می یابد که ریشه در یک تمدن مشترک داشته باشد.^۱

هانتینگتون اذعان می دارد که واکنش تلاقی جویانه تمدن ها در دو سطح خرد و کلان، دولت های وابسته به تمدن های مختلف برای کسب قدرت نسبی نظامی و اقتصادی با همه به رقابت برمی خیزند. خطوط گسل میان تمدن ها، به عنوان نقاط بروز بحران و خونریزی جانشین مرزهای سیاسی و ایدئولوژیک دوران جنگ سرد می شود.^۲

۱- مجید امامی، پایان تاریخ جنگ تمدنها، نشریه رسالت، ش ۳، ص ۱

۲- هانتینگتون و منتقدانش، نظریه برخورد تمدن ها، صص ۱۸۲-۱۷۰؛ مجید امامی، پایان تاریخ و

جنگ تمدنها، ص ۲

حال این سؤالات مطرح می شود که آیا این برخوردها آخرین درگیری ها در دنیا می باشد؟ و آینده از آن کدام تمدن است و پیروزی در این برخوردها با کیست؟

ایشان به صراحت می گوید: بروز درگیری تمدنی، آخرین مرحله تکامل درگیری در جهان مدرن است، امروزه غرب در مقایسه با دیگر تمدن ها به گونه ای استثنایی در اوج قدرت است و کانون درگیری در آینده بسیار نزدیک، بین غرب و چند کشور اسلامی - کنفوسیوسی خواهد بود. تمدن غرب مهم ترین و قوی ترین تمدن پایا در دهه های آینده خواهد بود.^۱

۳- لیبرال دموکراسی

از دیگر تئوری های پایان تاریخ بشر که پس از جنگ سرد با شکست کمونیسم در تئوری و عمل مطرح شد،^۲ نظریه لیبرال دموکراسی است که توسط فرانسیس فوکویاما، پژوهشگر و تاریخ نگار ژاپنی الاصل،^۳ اهل آمریکا ارائه شد، ایشان که از دانشمندان علوم سیاسی و مشاور وزرات امور خارجه ایالات متحده آمریکا در طول رئیس جمهوری ریگان بود^۴ عمده نظراتش در کتاب «پایان تاریخ و آخرین انسان» انعکاس یافته است.^۵

۱- هانتینگتون و منتقدانش، نظریه برخورد تمدنها، صص ۱۸۲-۱۷۰

۲- سید مجید فلسفیان، علی و پایان تاریخ، ص ۲۰

۳- ---، سه قلوهای نظریه پرداز، هفته نامه صبح صادق، مورخ ۸۳/۳/۲۴، ص ۹

۴- عزت الله فولادوند، پایان تاریخ فوکویاما، نشریه همبستگی، مورخ ۸۰/۹/۱۸، صص ۲۱

۵- ---، نظام جهانی و پایان تاریخ، نشریه سیاست روز، مورخ ۸۰/۷/۱۹، ص ۲

وی در نوشته خود به دفاع تاریخی از ارزش های سیاسی غربی برخاسته است و می گوید: ^۱ آیا در پایان قرن بیستم و پایان یافتن جنگ سرد که در واقع ستیز میان سران دموکراتیک مدرن بود. ^۲ سخن گفتن دوباره از نوعی تاریخ منسجم و جهت دار بشری که در نهایت بخش اعظم بشریت را به دموکراسی لیبرال رهنمود خواهد ساخت معنایی دارد یا نه؟ در جواب می گوید پاسخی که من به آن رسیده ام به دو دلیل جداگانه پاسخی مثبت است. یکی از این دو دلیل با اقتصاد ارتباط دارد و دیگری با آنچه پیکار برای شناسایی نامیده ام. بشر علاوه بر نیازهای مادی، خواهان شناخته شدن است و میل دارد به عنوان یک انسان با کرامت، شناخته شود. برای ارضای خواسته های مادی به تکنولوژی و اقتصاد بازار آزاد نیاز دارد و برای رسیدن به شناسایی توسط دیگر انسان ها به آزادی نیاز دارد که هر دو در نظام دمکرات لیبرال تبلور یافته و هیچ آرایش دیگری از نهادهای اجتماعی نمی توانند به شکل بهتری این تمنا را پاسخ گویند بنابراین هیچ دگرگونی تاریخی پیش رونده دیگری امکان وقوع ندارد. ^۳

به اعتقاد وی، لیبرال دموکراسی شکل نهایی حکومت در جوامع بشری است وی در تابستان ۱۳۶۸ در «نشنال اینترنت» می نویسد: «پایان تاریخ پیش روی ماست. آنچه شاهد هستیم صرفاً پایان جنگ سرد یا گذرا از دوره ویژه ای از تاریخ پس از جنگ نیست. بلکه پایان تاریخ نیز هست، تاریخ بشریت نیز مجموعه ای منسجم و جهت دار است که بخش اعظمی از جامعه را به سوی لیبرالیسم سوق می دهد، لیبرال دموکراسی ممکن است نقطه پایان تکامل

۱- عزت الله فولادوند، پایان تاریخ فوکویاما، ص ۱

۲- نظام جهانی و پایان تاریخ، ص ۲

۳- سید مجید فلسفیان، علی و پایان تاریخ، ص ۲

ایدئولوژیک بشریت و آخرین شکل حکومت بشری باشد و در این مقام پایان تاریخ را شکل می‌دهد. از نظر ایشان لزومی ندارد در پایان تاریخ کلیه جوامع به صورت جوامع لیبرال موفقی درآیند. فقط کافی است که آنها از ادعای خود مبنی بر ارائه اشکال و الگوهای متفاوت و برتر در زمینه سازماندهی چشم پوشند و بهترین‌ها هستند که پیروز می‌شوند و چون آمریکائی‌ها پیروز شده‌اند، پس بهترین‌ها هستند و اگر لیبرالیسم در پایان در «تحول ایدئولوژیک» پیروز شده است به خاطر آن می‌باشد که بهترین بوده است.^۱

وی در تشریح نظریه خود می‌گوید: پایان تاریخ زمانی است که انسان به شکلی از جامعه انسانی دست یابد که در آن عمیق‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای بشری برآورده شود. بشر امروز به جایی رسیده است که نمی‌تواند دنیایی ذاتاً متفاوت از جهان کنونی را تصور کند چرا که هیچ نشانه‌ای از امکان بهبود بنیادی نظم جاری وجود ندارد.^۲

در مجموع ایشان استدلال می‌کند که رویدادهای اواخر قرن بیستم نشان می‌دهد که اجماعی جهانی به نفع دموکراسی لیبرال به وجود آمده است که این اجماع مساوی است با «پایان تاریخ» به این معنا که «در شکل گرفتن اصول و نهادهایی بنیادی پیشرفت بیشتری وجود نخواهد داشت، البته باز هم رویدادهایی خواهد بود، ولی تاریخ به معنای داستان جهانی رشد و شکوفایی نمی‌خاتمه پیدا خواهد کرد.»^۳

- سه قلوهای نظریه پرداز، ص ۹

- عزت الله فولادوند، پایان تاریخ فوکویاما، ص ۲

- عزت الله فولادوند، پایان تاریخ فوکویاما، ص ۲

با توجه به نقطه نظرات ایشان به نظر می‌رسد که تاریخ مدرنیته آخرین تاریخ است و همین اندیشه مدرن است که به صورت‌های مختلف گسترش خواهد یافت. البته در خصوص این ادعا انتقادات زیادی مطرح شده است که قبل از آن به توضیح بیشتری راجع به این نظریه می‌پردازیم.

همان‌طور که گفته شد به دلیل پیروزی لیبرال دموکراسی در جنگ سرد و فروپاشی مارکسیسم، تئوری حاکمیت لیبرال دموکراسی در سراسر جهان مطرح شد و این نظریه به عنوان ایدئولوژی بی‌منازع در صحنه سیاسی جهان به شمار آمد. اما با رشد اسلام سیاسی و دگرگونی جغرافیائی سیاسی اسلام در سرزمین‌های مختلف جهان، روز به روز این احتمال را افزایش داد که لیبرالیسم در آینده با رقیبی پرتوان‌تر رو به رو خواهد شد.

از این سو نیز جهان اسلام با اندیشه لیبرالیسم در لایه‌های مختلف آن، درگیر شده است و حل این اختلاف در گرو تبیین درستی از نقطه‌های تماس اسلام و لیبرالیسم و نیز پیش‌گرفتن موضع آگاهانه در مورد پرسش‌هایی است که از سوی لیبرالیسم در مورد فرهنگ اسلامی مطرح شده است.^۱

از جمله این درگیری‌ها این است که می‌گویند ما با «مدینه فاضله» سازی مخالفیم و با هر نوع اصول‌گرایی حتی غیردینی آن مبارزه می‌کنند تا در افکار عمومی بشر، حالت تردید در وضع موجود پیش‌نیاید که مدرنیته آخر خط نیست. و باید منتظر بود؟ آنها می‌خواهند بگویند که هیچ چیزی دیگر فراتر از این وضع موجود جهان نیست و آنچه هست، عین علم و عقلانیت و آخر خط و پایان تاریخ است.^۲ و همین مدینه فاضله است.

۱- احمد واعظی، اسلام و لیبرالیسم، نشریه بازتاب اندیشه در مطبوعات روز ایران، ش ۴۶، ص ۲۲
 ۲- حسن رحیم پور ازغدی، مهدی ده انقلاب در یک انقلاب، چ ۳، (بی جا، انتشارات سروش، ۱۳۸۰)،

با اندکی دقت در این اندیشه متوجه همان ادبیات جبرگرا و تحمیل طلب کمونیست‌ها می‌شویم چرا که آخر خط تاریخ را به طور جبری و قهری، جامعه و فرهنگ امریکایی القا می‌کنند و از نظر آنان جامعه‌هایی که عبودیت امریکا و صهیونیسم را نپذیرند، رفتنی اند. نجاتی و آخرالزمانی در کار نیست. اینها با فرهنگ انسان کامل مخالفند.^۱

یکی از جلب توجه‌ترین انتقادهای از فوکویاما، نقد میکسوف فرانسوی «ژاک دریدا» است، که ایشان در کتاب «شبح‌های مارکس» مدعی می‌شود که نظریه پایان تاریخ فوکویاما پر از تناقض‌های اساسی است او نخست دلیل می‌آورد که فوکویاما پایان تاریخ را اعلام می‌کند، ولی این چیزی به جز نوید یا پیشگویی پایان نیست، فوکویاما نمی‌تواند پایان تاریخ را بنمایاند، زیرا همچنان رژیم‌هایی در جهان وجود دارند که هنوز دموکراسی لیبرال را نپذیرفته‌اند.

همچنین وی در فرق گذاشتن بین واقعیت‌ها و آرمان‌های تاریخی ناموفق است با وجود واقعیت‌های هولناک در قرن بیستم باز هم بحث می‌کند در آرمان دموکراسی لیبرال به طور روز افزون مورد قبول واقع می‌شود در صورتی که نمی‌توان پایان تاریخ را با هیچ رویداد تاریخی با شکست تجربی محک زد و سنجید.^۲

۴- سه تمدن

در سال ۱۹۷۸ «آلویس تافلر» یکی دیگر از نظریه پردازان پایان تاریخ بشر، آنچه در پیش روی بشریت جدید قرار دارد را به موج سوم تعبیر می‌کند. و در

۱- حسن رحیم پور ازغدی، مهدی ده انقلاب در یک انقلاب، ج ۳، ص ۱۰۳

۲- عزت الله فولادوند، پایان تاریخ فوکویاما، ص ۲

کتابهای «موج سوم» و «شوک آینده» ایده های خود را این گونه مطرح می سازد که، بشر تاکنون دو موج عظیم تحول را از سر گذرانده است که هر یک به مقیاس وسیعی باعث محو فرهنگ ها یا تمدن ها گذشته شده و شیوه هایی از زندگی را جایگزین آنها کرده که در نظر گذشتگان محال بود.^۱

نظریه تافلر به سه مقطع تاریخی یا سه موج یا سه تمدن جهان شمول استوار است که هر یک دیگری را با جنگ و مناقشات خونین و تغییرات عظیم اجتماعی از میدان به در برده یا در حال مبارزه با آن است.^۲

نوعی درگیری عمیق و گسترده ای بین تمدن موج سوم که حاصل تمدن صنعتی و موج اول که نتیجه انقلاب کشاورزی است در پیش روی بشریت قرار دارد موج سوم خود دارای ویژگی ها و ساختارهایی خاص است و حرکت آن تندتر و پر شتاب تر است، امروز صف آرای تمدن های جهانی شکل دیگری به خود گرفته است جهان دیگر دو نیمه نیست بلکه میان سه تمدن متضاد و رقیب تقسیم بندی شده است که نماد نخستین تمدن هنوز کج بیل است. نماد دومین تمدن خط و مونتاژ است و نماد سومین تمدن کامپیوتر، در این جهان سه پاره، بخش «موج اول» تأمین کننده منابع کشاورزی و معدنی است. بخش «موج دوم» نیروی کار ارزان را تأمین می کند و به تولید انبوه

۱- سه قلوهای نظریه پرداز، ص ۹

۲- مرتضی نعمتی زرگران، پایان تاریخ و جایگاه گفت و گوی تمدنها، [مقاله]، ص ۱

مشغول است و بخش تند رشد «موج سوم» به سیطره ای دست می یابد که بر شیوه های تازه خلق و بهره برداری از دانایی مبتنی است.^۱

۱- سه قلوهای نظریه پرداز؛ جهت اطلاعات بیشتر رک: لیبرال دموکراسی، دکتر باوند دانش پور؛ لیبرالیسم، جان گری؛ نقد دینداری و مدرنیسم، محمد صادق لاریجانی؛ نقد تمدن غرب مدرن، شهریار زرشناس



فصل دوم:

سیمای منجی در یهود

کاتب الهی

- برترین نظریه در مکتب الهی

با توجه به اینکه در عصر ارتباطات، هر فکر و اطلاعی که در گوشه ای از بان مطرح می شود لحظاتی بعد تمام مردم جهان امکان دست یابی به آن را یند. در آستانه جهانی شدن، مطالعات تطبیقی در همه زمینه ها، به ویژه در صه دین و چگونگی نگرش به فرجام جهان و تاریخ بسیار لازم است و برگ ده در دست کسی است که بهترین و عقلانی ترین سخن را عرضه کند چرا انسان به مقتضای فطرت خود از بهترین گفتارها استقبال می کند.^۱

اندکی تأمل در اندیشه پیروان ادیان سه گانه اسلام، یهود و مسیح شاهد ری مشترک نسبت به آینده نهایی و مسیر زندگی خاکی هستیم که آن رزی ایمان بر کفر، و حاکمیت حق و علم و عدالت اجتماعی و عبادت ای متعال، وراثت زمین به صالحان و پایان خرافات و گمراهی و ستم و می گونه های انحراف است.^۲

حسین علی سعدی: نجات شناختی تطبیقی، فصلنامه انتظار، ج ۴، صص ۷۷ و ۷۸

سامی بدری، مهدی منتظر و سیر تاریخی نشانه های ظهور، ص ۱۷۱

۱-۱ انسان مدنی و اجتماعی

در این حقیقت تردیدی نیست که انسان در همه شئون زندگی خود مدنی و اجتماعی است و انسان به حسب آفرینش طوری ساخته شده است که هرچیز را برای خودش می خواهد انسان از نیروی طبیعت و از همه فوائد وجودی و عناصر به نفع خود استفاده می کند. انسان از همه نباتات رفع حاجت کرده و آنها را در راه مقاصد دور دست وسیله قرار می دهد و همچنین از اقسام و انواع حیوانات انتفاع برده و آنها را تربیت کرده و در راه مقاصد حیاتی خودش استخدام می کند. آیا این غریزه فطری را که در همه چیز به کار می برد، در هم نوعان خود به کار نبرد و آنان را از این کلیت استثناء می کند؟ آیا انسان اجتماع مدنی را برای این می خواهد که بهترین وسیله برای تأمین احتیاجات زندگی اوست یا خود را برای مدنیت می خواهد؟ و آیا اگر انسان برای خود هیچ سعادت در اجتماع خانوادگی یا مدنی نبیند باز آن اجتماع را خواهد طلبید؟ البته روشن است که انسان همان غریزه را که در همه موجودات به کار می بندد در هم نوعان خود نیز به کار خواهد بست و اجتماع را برای تکمیل استخدام انتخاب کرده است.^۱

اگر این اجتماع قوانین عادلانه ای نداشته باشد با هرج و مرج در جامعه انسان به مقاصد آسایش بخش خود نخواهد رسید بنابراین برای رسیدن به این اهداف، اسباب چندی از جمله قوانین عادلانه، تعالیم اجتماعی نظامات جزایی، برنامه های وسیع، تعلیم و تربیت صحیح و عمران است که از آلائش اغراض و

۱- سید محمد حسین طباطبائی، بررسی های اسلامی، با تصحیح سید هادی خسروشاهی، (بی جا، مرکز انتشارات دارالتبلیغ، ۱۳۹۶ ه.ق)، ص ۳۳۴

طبقات پاک باشد و از جمله ترقی فکر بشر و توجه به لزوم تشکیل چنان اجتماع و عادل و درخشان در اثر فشار ظلم و طغیان، فراوانی نابکاری، فساد و بجز زمام داران از اصلاح امور است. پس نیاز این اجتماع به یک قانون گذار شخص می شود و رهبری که فقط وابسته به آن قانون گذار (خدای متعال) شد رهبری تعالی مقام روحانی، یک رهبر پاک و منزّه از احساسات حیوانی، شرم، شهوت کبر و غرور و خودخواهی است تا در سایه آن جامعه بشر مانند یک خانواده زندگی می کنند.^۱

بعضی خیال کرده اند قوانین و علمی که ساخته مغز بشر است می تواند جامعه را اصلاح کند و حال آنکه در اشتباهند، زیرا این گونه امور به فرض نکه تا حدی مؤثر و جلوگیری باشد دوام و بقاء ندارد و شاهدش این است که ضعیفی با اینکه ادعای عقل و روشن فکری می کنند حقوق بشر را ضایع و بحال می کنند و با بهانه های بچه گانه حیثیات بشر را دست خود قرار می دهند و یا با اینکه از قوانین بشر خبر دارند از ظلم و فساد و خونریزی و قتل و رت خودداری نکرده، خود را رسوا و سیاه می گردانند.^۲

با تشکیل حکومت جهانی توسط انسان کامل است که می توان بر این ظلم و مآذها و نیروی باطل پیروز گشت و مردم با کمال آرامش و صلح و صفا -گی کنند و به سعادت نهایی که قرب الهی بوده است برسند و در پاسخ به که ویژگی های این حکومت جهانی چیست؟ و عقل انسان چه کسی را بسته برقرار کند بر روی زمین می داند؟ باید گفت که عقل می گوید:

لطف الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ج ۲، چ ۹، (بی جا، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا)،

۳۱۹ و ۳۲۰

مهدی معتمدی، عقائدها، چ ۳، (اصفهان، بی تا، ۱۳۷۰)، ص ۱۶

رهبر عدل جهانی بایستی دارای شرایطی باشد که بتواند بشر را به این هدف عالی برساند.

از جمله این شرایط عبارت است از:

- ۱- در دعوتش راست گو باشد و خواهان ایجاد عدل باشد.
- ۲- برای کوتاه کردن دست قدرتمندان و سودپرستان جامعه و جنایت کاران نقشه صحیح داشته باشد.
- ۳- هیچ گونه نقطه ضعفی نداشته باشد تا در برابر تهدید و منافع شخصی عقب ننشیند.
- ۴- تعادل قوا داشته باشد.
- ۵- جزء پاکیزه ترین افراد بشر باشد.^۱

نظام دین و حکومتی که داعیه دار جهانی بودن و رهبری جهانیان است باید ویژگی هایی داشته باشد که از جمله آن ویژگی های، جهانی شدن فضیلت ها، عدالت ها، نیکی ها، برابری ها و معنویت ها خواهد بود. مردم فرصتی خواهند یافت که خوب بیندیشند، خوب زندگی کنند، حکمت و دانش واقعی بیاموزند، یکدیگر را دوست بدارند، به حق همدیگر تجاوز نکنند، توحید محور و اخلاق گرا باشند، جامعه ای عاری از فساد و تباهی تشکیل دهند. که تحقق چنین چیزی و تشکیل مدینه فاضله با ظهور منجی موعود و مصلح جهانی امکان دارد.^۲

۱- سید رضا صدر، تفسیر سوره حجرات، به اهتمام سید باقر خسروشاهی، ج ۲، (قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹)، صص ۱۲۷-۱۲۴

۲- رحیم کارگر، جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی، فصلنامه انتظار، ج ۶، چ ۲، ص ۱۹۰

۱-۲ فطرت بشر

هر انسانی در ضمیر ناخودآگاه خود پی به حق و حقیقت می برد و برای رسیدن به آن تلاش می کند. به عنوان مثال فطرت بشر از ظلم و ستم متنفر است و او را زشت می شمارد که این حکم تنها ویژه عقلا و خردمندان نیست بلکه دیوانگان نیز از ظلم بیزارند و همین فطرت دوستدار عدالت و خواهان عدل و داد است و انتظار برقراری آن را دارد پس چیزی را که همه افراد بشر جویای آن هستند به طور یقین وجود پیدا خواهد کرد و روزی خواهد آمد که بشر به این خواسته خود برسد^۱ و حق بر باطل پیروز گردد و بر سرتاسر جهان حکومت نماید. چرا که در نظر هر انسان حقیقت جو، حکومت عدل و قانون واحد و لغو تبعیضات، برداشته شدن مرزها و آزادی انسان ها برچیده شدن نظام های طاغوت پرور مطلوب است.

کدام انسان است که با این همه مظالم و ستمگری ها موافق باشد؟ و کدام انسان است که تقسیم ملل دنیا را به غالب و مغلوب، سلطه گر و زیر سلطه، پیشرفته و عقب مانده و جداناً قبول داشته باشد؟ چرا باید دسترنج مردم ضعیف و کارگر و کشاورز به مصرف تجملات و نگهداری کاخ سفید و کرمین و هزارها کاخ دیگر برسد در حالی که صدها میلیون بشر از حداقل زندگی و خوراک و پوشاک و مسکن عادی محروم باشند.^۲

از خواسته های فطری انسان دوست داشتن و آسایش روحی است و بایستی روزی بیاید که تمام افراد بشر به این مقصود طبیعی و مطلوب فطری برسند

۱- سید رضا صدر، تفسیر سوره حجرات، صص ۱۲۰ و ۱۲۱

۲- لطف الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ص ۱۳۹

بشر با وجود ظلم، آسایش روحی نخواهد داشت.^۱ این توسعه طلبی ها و کشورگشایی ها که نمونه آن توسعه طلبی بی حد و حصر آمریکای جهان خوار است تا کی باید ادامه پیدا کند؟ این آوارگان فلسطین و این مسلمانان که در فلسطین و سواحل رود اردن و جنوب لبنان زندگی می کنند طبق چه قانون فطرت پسند باید مورد این همه جنایات وحشیانه حکومت دست نشانده و تحمیلی اسرائیل قرار بگیرند فطرت بشر همه این ها را محکوم می کند.^۲ و آسایش روحی او هنگامی محقق خواهد شد که دست های جنایت کاران و ستم پیشگان از تمام جهان قطع شود^۳ و لذا نهضتی را که بخواهد به این نظام ها پایان دهد و زمام امور را به دست بگیرد تأیید می نماید.^۴

اگر حکومت جهانی و واحد خواست بشر نبود سازمان ملل و اندیشه حکومت و ارتش واحد و قانون واحد به بشر عرضه نمی شد. پایان یافتن سلطه بشر بر بشر و برقرار شدن حکومت عدل و نظام الهی همه مطلوب بشر است. اگر میل فطری بشر به عدل و امنیت و قانون و سازمان های احقاق حقوق نباشد و زورمندان و تجاوزگران و سلطه جویان ناچار می شدند که مقاصد سوء خود را در زیر پوشش عدل و صلح و همزیستی مسالمت آمیز و حسن همجواری و حفظ امنیت غیر آن به مردم عرضه کنند و نیازی به اینکه به ظلم و باطل لباس عدل و حق بپوشانند نداشتند. ولی چون حق و عدل را می خواهد و از ظلم و باطل نفرت دارد، با اسم های بی مسمی مردم را فریب می

۱- سید رضا صدر، تفسیر سوره حجرات، ص ۱۲۳

۲- لطف الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ص ۱۴۰

۳- سید رضا صدر، تفسیر سوره حجرات، ص ۱۲۱

۴- لطف الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ص ۱۴۰

دهند. بنابراین اجماع ملت ها و امت ها بر اینکه پایان جهان سعادت عمومی است و مقاومت در برابر حق سرانجام شکست است و این یک اصل فطری است که با سنت جهان و حرکت عالم و یا بنیاد جهان که بر حق استوار است موافق می باشند.^۱

۳- ۱ نگاهی به آموزه های الهی بشر

در یک تقسیم بندی کلی، می توان دین را به دو دسته وحیانی (الهی) و بشری تقسیم کرد، که ادیان بشری، ادیانی است که ساخته انسان است و او به سبب برخی نیازهای روانی یا اجتماعی به پیروی از باورها و عقاید و رفتارهایی کشانده شده است مانند بت پرستی یا اعتقاد به نیروهای جادویی و مانند آن که همگی ادیانی بشری هستند. ادیان الهی و وحیانی، ریشه در غیب دارد و پایه و اساس آن ها بر وحی و پیام الهی استوار است. انسان سازنده دین الهی نیست، بلکه دریافت کننده پیام الهی است که باید به آن اعتقاد پیدا کند و به محتوای وحی ملتزم شود و سلوک فردی و اجتماعی خود را بر اساس آن تنظیم کند.^۲

در این قسمت به آینده جهان از دیدگاه آموزه های وحیانی که از خلقت آدم تا خاتم از طرف پروردگار متعال به بشر آموخته شده است می پردازیم.

«و قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقاً»^۳

و بگو حق فرا رسید و باطل مضمحل و نابودشد و باطل نابود شدنی است.

۱- لطف الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ص ۱۴۱

۲- عبدالله جوادی آملی، دین شناسی، (پی جا، مرکز نشر اسراء بی تا)، ص ۲۶

۳- قرآن کریم، سوره اسری، آیه ۸

همان طور که گفته شد یکی از آرزوهای بشر که هماهنگ با فطرت انسان می باشد از بین رفتن ظلم و فساد و بیدادگری از جامعه و برپایی حکومت صلح و آرامش و عدالت در سرتاسر جهان است. در بسیاری از آیات قرآن کریم با قاطعیت تمام نوید تحقق پیروزی نهایی و فرارسیدن روزی را می دهد که حق در سرتاسر جهان حکم فرما می شود و بساط حکومت باطل برچیده می شود و صالحان وارث زمین می شوند.^۱

دیدگاه کلی آموزه های وحیانی هم در کتاب مقدس و هم در قرآن کریم درباره سرانجام بشر دیدگاه خوش بینانه و پایانی روشن و سعادت آمیز دانسته شده است.

به عنوان مثال در کتاب مقدس آمده است:

«مسیح می آید، جهان پس از ظهور آن منجی، در صلح و صفای کامل به سر خواهد برد و زمین ایشان از طلا و نقره پر خواهد شد.»^۲ و یا اینکه:

«جنگ و خونریزی، از جهان رخت برمی بندد و امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید.»^۳ انتظار بازگشت عیسی در جامعه مسیحی اولیه آن قدر زنده و پویا بوده است که مسیحیان، دست از زندگی روزمره کشیده و به طور دسته جمعی برای بازگشت او روزشماری می کردند. و بر این باور بودند که وقتی

۱- عبدالرسول هادیان شیرازی، پیروزی نهایی حق بر باطل، مقاله، ص ۱

۲- کتاب مقدس عهد عتیق، ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام گلن، (تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۹)، اشعیا، ۲:۷، ص ۱۲۰۵

۳- پیشین، اشعیا، ۲:۴، ص ۱۲۰۵

که مسیح بیاید، ملکوت خدا و پادشاهی پسر انسان و غلبه خیر بر شر خواهد بود و جهان در صلح و آرامش به سر خواهد برد.^۱

در آیه ۸۱ سوره الإسراء به یک اصل کلی و اساسی و یک سنت جاودان الهی برخورد می کنیم که مایه دل گرمی همه پیروان حق است و آن اینکه سرانجام پیروز است و باطل به طور قطع نابود شدنی است.^۲

خداوند برای روشن کردن چگونگی تحقق این وعده، باطل را به کف هایی تشبیه می کند که بر روی آب غوطه ورنند و از بین می روند و حق را به آبی تشبیه می کند که مایه حیات است و در زمین باقی می ماند.^۳

دلیل این موضوع، در باطن کلمه باطل نهفته است، زیرا چیزی است که با قوانین عالم آفرینش هماهنگ نیست و سهمی از واقعیت و حقیقت ندارد. ساختگی و بی ریشه است. و مسلماً چیزی که دارای این صفات است نمی تواند برای مدتی طولانی باقی بماند. اما حق عین واقعیت است توأم با راستی و درستی و دارای عمق و ریشه و هماهنگ با قوانین خلقت است و چنین چیزی باید باقی بماند، پیروان حق متکی به سلاح ایمان، منطق وفای به عهد، صدق حدیث، فداکاری و گذشت و آمادگی برای جانبازی تا سر حد شهادتند، و آگاهی قلب شان را روشن کرده از هیچ چیز جز خدا نمی ترسند، و به غیر و متکی نیستند، و همین رمز پیروزی آنهاست.^۴

۱ - حسین علی سعدی، نجات شناختی تطبیقی، ص ۸۴

۲ - گروه نویسندگان زیر نظر ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ج ۴، (تهران، بی نا، ۱۳۶۳)، ص

۳ - عبدالرسول هادیان شیرازی، پیروزی نهایی حق بر باطل، ص ۱

۴ - گروه نویسندگان زیر نظر ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۲۳۴

در بعضی از روایات، آیه فوق به قیام حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه شریف) تفسیر شده است. همچنان که روایت شده که وقتی حضرت قائم (ع) تولد یافت بر روی بازوی راست ایشان، این آیه نوشته شده است.^۱

یکی از اجماعی ترین موضوعات، بین همه ادیان الهی بشارت موعود و وعده منجی است و همه گفته اند که کار نیمه تمام انبیاء و ادیان به دست مردی بزرگ، کامل خواهد شد. گفته اند که بزرگترین تکلیف تاریخ، کار بزرگ مرد تاریخ است.^۲

و در حدیثی دیگر در صحیح ابی داود، از پیامبر اکرم (ص) آمده است که «لو لم یبق من الدهر إلا یوم یبعث الله رجلاً من اهل بیتی یملاها عدلاً کما ملئت جوراً»^۳

باقی نمی ماند روزگاری مگر اینکه خداوند مبعوث کند مردی را از اهل بیت من که پر کند زمین را از عدل هنگامیکه پر شده است از ظلم و جور.

در آیه ای دیگر از آیات قرآن کریم که بر پیامبر (ص) وحی شده است خداوند مستضعفین را پیشوایان و وارثین روی زمین معرفی نموده است و فرموده است:

«و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا^۱ فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین»^۲

۱- عبدالرسول هادیان شیرازی، پیروزی نهایی حق بر باطل، ص ۱

۲- حسن رحیم پورازغدی، مهدی ده انقلاب در یک انقلاب، ص ۸۱

۳- لطف الله الصافی الکلیپاگانی، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر (علیه السلام)، (قم، موسسه السیده المعصومه (سلام الله علیها)، ۱۴۱۹ ه.ق)، ص ۱۹۱

امیرالمؤمنین علی (ع) (در حکمت ۲۰۹ نهج البلاغه) پس از نوید به صبحی که انسان ها به آغوش ولی و امام خود برمی گردند، به وعده قطعی خداوند در قرآن اشاره می کند و همین آیه را تلاوت می نماید و می فرماید: سنت و مشیت خداوند بر این است که کسانی را که بر آنها جفا شده و حق آنها به یغما رفته و سرمایه های آنها غارت شده، به حکومت برساند، و وارث زمین شوند همین جماعتی که دنیا بر آنها چموش کرد و خود را زیر چتر نااهلان برد، و بر آنها طغیان کرد و آنها را مضطرب و خائف و منتظر گرداند. خداوند بر این گروه نعمت بزرگی ارزانی داشت و آنها را از اولیاء و پیشوایان زمین گرداند. آنها وارثان حق هستند که دیگر کسی سرمایه آنها را به ستم نخواهد گرفت.^۳

آری این آیه اشاره به حکومت جهانی مستضعفان دارد و این بشارتی است در زمینه پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر، و این بشارتی است برای همه انسان های آزاده و خواهان حکومت عدل و داد و پیرو قرآن کریم و برجیده شدن بساط ظلم و جور.^۴

در این قسمت با توجه به آیات و روایات فوق مواردی که می تواند از مصادیق حق بر باطل باشد به سه مورد خاص اشاره می نمایم.

- ۱- حق توحیدات و پرستش خدا، باطل شرک است و پرستش شیطان است.
- ۲- حق قسط و عدل است و باطل ظلم و ستم و کینه.

۱- واژه استضعفوا از ماده ضعف است، اما چون به باب استفعال برده شده به معنی کسی است که او را ضعف کشانده اند و در بند و زنجیر کرده اند، نه اینکه ضعیف و ناتوان باشد.

- سوره قصص، آیه ۵

- سید مجید فلسفیان، علی و پایان تاریخ، ص ۲۵۴

- گروه نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۲۳۵

۳- حق فضائل اخلاقی و کسب کمالات است. باطل رذایل اخلاقی و دوری از کمالات انسانی.^۱

و در همین زمینه شهید مطهری می فرماید: «از مجموع آیات و روایات استنباط می شود که قیام مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، آخرین حلقه از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است. مهدی موعود تحقق بخش ایده آل همه انبیاء و اولیاء و مردان مبارزه راه حق است.»^۲

نتیجه ای که از این بخش می توان گرفت این است که: با توجه به تقسیم بندی که راجع به ادیان انجام شد به نظر می رسد که ادیان بشری با یک جهان بینی مادی، جهان هستی را بی مبدأ و انتها می دانند و فرجام روشنی را برای آفرینش جهان نمی بینند بنابراین برای انسان نیز مقصدی در این دنیای تاریک وجود نخواهد داشت و به دنبال تنها نقطه روشن که خواسته ها و غرایز انسانی است می روند. که باید با تدبیر و تلاش مضاعف بشری به آنها پاسخ بگویند. اما در اندیشه الهی جهان دارای مبدأ و انتهایی است و هیچ موجودی بی حساب و کتاب خلق نشده و همین اصل است که راه ما را از غالب مکاتب بشری جدا می سازد.

آدمی موجودی است که برای غایتی حکیمانه یعنی عبودیت به حق تعالی آفریده شده است.^۳ و همین نکته است که برخی از نظریه پردازان که آدمی را

۱- عبدالرسول هادیان شیرازی، پیروزی نهایی حق بر باطل، ص ۴

۲- مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی، ص ۲۶؛ عبدالرسول هادیان شیرازی، پیروزی نهایی حق بر باطل، ص ۴

۳- رک: عبدالله جوادی آملی، دین شناسی

محدود به این جهان تفسیر می کنند پایان تاریخ را همین وضع موجود می دانند و می خواهند به منافع و خواسته خود برسند و می گویند همه باید باور کنند که مدرنیته آخر خط تاریخ است و هیچ مدینه فاضله ای بهتر از وضع کنونی نیست. و این وضعی که آنها از آن دفاع می نمایند در اصل دفاع از قدرتی است که در رأس آن سرمایه داران هستند در صورتی که ادیان الهی به دنبال مدینه فاضله ای هستند که در آن فاصله طبقاتی از بین برود و بساط ظلم و جور و بی عدالتی و فساد از روی زمین برچیده شود و این همان عقیده ای است که همه ادیان الهی بر وقوع آن به انتظار به سر می برند.

تفکرات رهایی بخشی در یهود

مسأله ظهور منجی در آخرالزمان و از بین بردن ظلم ها و ستم ها و بی عدالتی هایی که در طول تاریخ به بشر وارد شده است و برپا نمودن نظامی که منطبق با قوانین الهی باشد یکی از مهم ترین مبانی دینی مشترک بین ادیان الهی است که در فرهنگ یهود نیز مورد بحث قرار گرفته است.

پس از ظهور حضرت عیسی (ع) در قوم بنی اسرائیل، یهودیان وی را به عنوان موعودی که خداوند به آن وعده داده پذیرفتند و در انتظار نجات دهنده دیگری نشستند، زیرا که از نظر آنان بسیاری از وعده های مسیحایی در عیسی (ع) تحقق نیافت. بنابراین هنوز منتظر آغاز عصر مسیحایی اند و به همین دلیل مسیحیان و یهودیان کتاب مقدس را به نحو متفاوت تفسیر

می نمایند و از نظر یهودیان وعده های موجود در کتاب مقدس اصلاً به عیسی (ع) اشاره ندارد بلکه به فراتر از او یعنی مسیحای آینده اشاره دارد.^۱

۱- اهمیت منجی در اندیشه دینی یهود

اندیشه آخرالزمان از یک سو ریشه در عقاید بنیادینی دارد که اساس دین یهودیت می باشد و از سوی دیگر وقایع تاریخی، عامل پیدایش و ریشه این اندیشه شده است. این دو عامل یعنی مفاهیم بنیادین دینی و تحولات تاریخی هم موجب رشد این اندیشه و هم عامل اهمیت یافتن آن گشته است.^۲

پیامبران متعددی در تورات از این اندیشه سخن به میان آورده اند و به طرح مسأله آخرالزمان و سرنوشت قوم بنی اسرائیل پرداخته اند.

اولین پیامبری که به بنای این اندیشه می پردازد «عاموس نبی» می باشد ام طرح مسأله منجی آخرالزمان از بیانات «اشعیا نبی» آغاز می شود،^۳ چنان که گفته است:

«زیرا که از برای ما ولدی زائیده و برای ما پسری عطا کرده شده است که سلطنت در دوش او خواهد بود و اسم او عجیب و واعظ و خدایی کبیر و والد جاوید و سرور سلامت خوانده خواهد شد. از یاد سلطنت و سلامتیش را بر تخت داوود و در مملکتش آنقدر میمانی تا که آن را بعدالت و صداقت از حال

۱- مری جوویو، درآمدی به مسیحیت، ترجمه حسن قنبری، (قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱ص ۷۸

۲- حمید هادوی مقدم، آخرالزمان از دیدگاه یهودیت، به راهنمایی حسین توفیقی، مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم، ۱۳۸۰، ص ۵

۳- حمید هادوی مقدم، آخرالزمان از دیدگاه یهودیت، صص ۱۸۲ و ۱۸۴

تا به ابد ثابت و برقرار نماید و غیرت خداوند لشکرها این را به جا خواهد آورد.^۱

اهمیت نجات بخشی در دین یهود به اندازه ای است که در زمانی که ملل روزگار باستان دوران طلائی تاریخ خود را در گذشته های تاریک و بسیار دور قرار می دادند، یهودیان آن را به آینده محول می کردند، انبیاء اسرائیل به صورت های مختلف و متعدد به «روزهای آخر» که هنوز فرا نرسیده است به عنوان دورانی که در آن عظمت های یهود به آخرین حد اعتلای خود خواهد رسید اشاره کرده است. این امید به آینده نورانی در دل مردم سخت جایگزین شد و با گذشت زمان شدت گرفت و رؤیاهای شگفت انگیزی که در جهان آینده تحقق خواهد یافت را دربرگرفت. این آینده درخشان و با شکوه، در اطراف شخصیت «ماشیح» که از جانب خداوند مأموریت خواهد داشت تا این دوران تازه و پر از شگفتگی ها را آغاز کند، تمرکز خواهد یافت.^۲

یکی از اصول سیزده گانه دین یهود این است که:

«من با ایمان کامل ایمان دارم که، ناجی موعود ظهور خواهد کرد و هرچند که به تأخیر افتد با وجود همه اینها من منتظر او تا هنگام ظهورش خواهم بود.»^۳

۱- کتاب مقدس عهد عتیق، اشعیا، (۹: ۶-۷)، ص ۱۲۱۶

۲- ابراهام کهن، گنجینه ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، (تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲)، ص ۳۵۱

۳- عبدالعظیم رضایی، اصل و نسب و دین های ایرانیان باستان، ج ۳، (بی جا، انتشارات نویسنده، بی تا)، ص ۴۱۵

در طول تاریخ یهود این امید مسیحایی و آینده درخشان به دو نوع مسیحا باوری تقسیم شده است که بین آن ها تنش وجود داشته است. نوع مکاشفه ای، با عناصر معجزه آسا و خارق العاده، و نوع عقل گرا، مهم نیست که عقاید و امیدهای مسیحایی مکاشفه ای بودند یا معقول تر، و مربوط به آشوب پرهیجان بودند یا تعصب خداشناسانه، به هر حال به بخش اساسی دین یهود و تجربه حیات و تاریخ یهود تبدیل شده بودند ممکن است برخی فنون مکاشفه ای را بسیار خیالی دانسته و رد کنند اما میراث پیشگونی مسیحایی مورد قبول همگان بود.^۱

در دوران قبل از ظهور عیسی (ع) این اندیشه به حدی بود که به هنگام ظهور عیسی، وی به عنوان همان مسیحای موعود معرفی شد. هرچند بسیاری از یهودیان پذیرای آن نگشتند و به مقابله آن برخاستند.^۲

اما در مورد هدف از خلقت ماشیح، اعتقاد عموم یهودیان نسبت به شخص ماشیح این است که ظهور او و فعالیت هایش در راه بهبود وضع جهان و تأمین سعادت بشر قسمتی از نقشه خداوند در آغاز آفرینش جهان بوده است و در این زمینه می گویند: پیش از آن که عالم هستی به وجود آید هفت چیز آفریده شد تورات، توبه، باغ عدن، جهنم، اورنگ، جلال الهی، بیت همیقداش و نام ماشیح، و حتی در باره ماشیح بیان نموده اند که در آغاز خلقت عالم پادشاه ماشیح به دنیا آمده، زیرا لزوم وجود او حتی پیش از آن که جهان آفریده شود

۱- میرچادالیاده، مهدویت از دیدگاه دین پژوهان و اسلام شناسان غربی، ترجمه بهروز جندقی، فصلنامه انتظار، ج ۷، صص ۱۱۹-۱۲۰

۲- حمید هادوی مقدم، آخرالزمان از دیدگاه یهودیت، صص ۱۸۵ و ۱۸۶

دهن خداوند خطور کرده است.^۱ به هر حال اعتقاد به نجات از سوی یهوه یعنی خدایی که قوم بنی اسرائیل را برگزید، به آن وعده ها داده یکی از عوامل کل گیری اندیشه آخرالزمان و ظهور منجی بود چرا که بر اساس اندیشه دینی یهودیت یهوه قوم خود را رها نکرده و حتماً آن ها را نجات می دهد و قومش را بعد از پراکندگی غربت و آوارگی به سرزمین موعودشان باز خواهد گرداند.^۲ بر خلاف بیان فکر ماشیح و مأموریت های او در تلمود دانشمندی را می اییم که در این باره سخنی شکاک دارد ایشان «ربی هیلل» از دانشمندان یهودی رن چهارم میلادی اظهار داشته است که ملت اسرائیل دیگر ماشیحی نخواهد اشت تا ظهور کند. زیرا در زمان «حیزقیا» بهره خود را از او برده اند «ربی ییلل» پس از اظهار این سخن سخت مورد مواخذه قرار گرفت و عقیده ایشان اصریحاً رد کرده است.^۳

جورج برانتل نویسنده کتاب «آئین کاتولیک» هم از منجی آخرالزمان سخن میان آورده است و گفته است که انسان باید سال های زیادی سرگردان شد، اما منجی و مسیحا می آید و تنها اوست که می تواند انسان را از گناه جات دهد و او را به سرنوشت خویش بازگرداند.^۴

۱ - ابراهام کهن، گنجینه ای از تلمود، ص ۳۵۲

۲ - حمید هادوی مقدم، آخرالزمان از دیدگاه یهودیت، صص ۵۹ و ۶۰

۳ - ابراهام کهن، گنجینه ای از تلمود، ص ۳۵۱

۴ - جورج برانتل، آئین کاتولیک، ترجمه حسن قنبری، (قم، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان

۲- رهایی بخشی جمعی و قوم مدار

یکی از اعتقادات پابرجای یهود این است که ماشیح اسباط اسرائیل را جمع آوری خواهد کرد هرچند که در کتاب مقدس آمده است که ده سبط اسرائیل سهمی از جهان آینده ندارند اما تلمود نظری مخالف با آن دارد و با توجه به مطالبی که اشعیا: (۱۳:۳۷) و ارمیاء: (۱۲:۱۳) در کتب خود آورده اند بار دیگر ده سبط گم شده اسرائیل به سرزمین اسرائیل مراجعت خواهند کرد و صریحاً این طور اظهار داشته اند که عظیم خواهد بود روز جمع آوری پراکندگان اسرائیل مانند روزی که آسمان و زمین در آن روز آفریده شد حتی یکی از قوانین طبیعت به طور معجزه آسا تغییر خواهد کرد به این صورت که در جهان آینده برای جمع آوری پراکندگان اسرائیل، طوفانی به جهان خواهد آمد که از هر دو جهت شمال و جنوب می وزد، همان طور که گفته شده است به شمال خواهم گفت که بده، و به جنوب که ممانعت مکن، پسران مرا از جاهای دور و دخترانم را زاکرانه های زمین بیاور. اشعیا: (۴۳:۶)^۱

مهم ترین نتیجه حاصل از تحولات آخرالزمان تحقق نجات و وحدت بین قوم بنی اسرائیل و صلح پایدار می باشد لذا آخرالزمان تصویر شده توسط انبیاء حاوی این عناصر می باشد ولی باید دید که این برکات، مختص به قوم برگزیده است یا جهان شمول بوده است و همه اقوام از آن بهره مند می باشند.^۲

۱- ابراهام کهن، گنجینه ای از تلمود، ص ۳۶۰

۲- حمیدهادوی مقدم، آخرالزمان از دیدگاه یهودیت، ص ۲۰۵

نجات بنی اسرائیل در آخرالزمان به گونه ای مختلفی تعبیر شده است. به بنوان مثال ارمیاء نبی گفته است:

«و در روزگارش یهوداه نجات خواهد یافت و اسرائیل با امنیت ساکن خواهد شد و سمی که با آن بامیده می شود این است که: یهوداه صدقینو.»^۱ و فصل (۷:۳۱) هم این مضمون آمده است.

با توجه به بیان ارمیاء خداوند قوم بنی اسرائیل را با فرستادن منجی آخرالزمان نجات می دهد و آن ها را به سرزمینشان باز می گرداند. اسرائیل امید آملی دارد که با دخالت نجات خواهد یافت (میکائیل ۷:۷۰) و لذا لقب نجات دهنده محور بیانات انبیاء از آخرالزمان می باشد. هم چنین آیات متعدد دیگری جمله ضفینا (۳:۱۷) اشعیاء (۳۳:۲۲)، (۴۳:۳)، (۴۵: ۱۵) حزقیال (۳۴: ۲۲-۲۳) که نشان دهنده این است که نجات مختص قوم اسرائیل است و حیوانات و ذی (دشمنان) توسط خدا نابود می شوند. البته در این آیات نجات از جهان ممول به میان نیامده است.^۲

بنابر باور یهود آن گاه که ماشیح بیاید «پادشاهی خدا» به زمین مستقر می شود و همه ملت ها به اورشلیم باز خواهند گشت و بدین ترتیب یهودیان نظار قدیمی و تأثیر گذار را تجربه خواهند کرد که تأثیر آن هم در دین ورزی ردی و هم در بعد اجتماعی آشکار است و در رده بندی موعود یاوری یهود ایسته است که آن را از گونه اندیشه موعود نجات بخشی جمعی و قوم مدار رو به آینده ای دانست که پیش تر دغدغه بازگردانی سرور و رونق دنیای

- کتاب مقدس عهد عتیق، ارمیاء، (۲۳:۶)، ص ۱۳۵۱

- حمید هادوی مقدم، آخرالزمان از دیدگاه یهودیت، ص ۲۰۶

مردمانش را دارد و کم تر به نجات و رستگاری معنوی به ویژه از سنخ عرفانیش می اندیشد.^۱

۳- تأثیر انتظار در روحیه انسان

تصاویر شکوهمند منجی آینده، موقعیت عالی بنی اسرائیل در آن، انتقام مسیحا از دشمنان بنی اسرائیل و رؤیاهای اورشلیم همواره اسرائیلیان ستم دیده و سیلی خورده را تسلی می دهد، یهودیان قدیم در مورد آزار دهندگان خود بیش از آن که حس نفرت و انتقام داشته باشند احساس دل سوزی و تمسخر می کردند، یهودی قدیم حتی هنگامی که به چارمیخ کشیده می شد و شدیدترین شکنجه دژخیمان بر او وارد می گردید، با خود می گفت، اکنون من شکنجه می شوم اما این شکنجه ها در قیاس با سعادت و شکوهی که در انتظار من است چیزی به حساب نمی آید من ممکن است از زخم های تنم بمیرم اما هنگامی که مسیحا بیاید من نیز دوباره زنده خواهم شد. آن زمان همه ملت های زمین خدمتکار من خواهند شد و آنان اکنون نمی بینند، اما من می بینم و باور می کنم و به همین دلیل می توانم با آرامش بمیرم.^۲

انسان در فراز و نشیب دنیای مادی همیشه در پی نجاتی بوده و به دین به طور کلی به عنوان نجات دهنده نظر می کرده است اما آدمی زمانی که با سختی ها و مشکلات فراوان مواجه می شود اشتیاق به نجات دهنده ای که او

۱- علی موحدیان عطار، گونه شناسی اندیشه موعود در ادیان مختلف، فصلنامه هفت آسمان، ش ۱۳، ص ۱۱۱

۲- جولوس کرینستون، انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه حسین توفیقی، (قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷)، ص ۷۶

را از این سختی‌ها برهاند پیدا می‌کند و افسانه کهن دربارهٔ اسطوره‌ها که به نجات مردم می‌آمدند نشانه این نیاز روحی انسان است.^۱

۴- زمان ظهور در روایات یهود

در روایتی دانشمندی یهودی آورده است که «ربی حانان برنحلیفا» پیامبر را برای «راویوسف» فرستاد که در آن پیام آمده است من به مردی برخورد کردم که طوماری به خط مقدس عبری در دست داشت. از او پرسیدم این را از کجا به دست آورده‌ای؟ به من گفت: من یک سرباز چریک در ارتش رومی‌ها بودم، و این طومار را در بایگانی آن دولت یافتم، در آن طومار نوشته شده بود، در سال چهار هزار و دویست و نود و یک از آفرینش، (۵۳ میلادی) جهان ویران خواهد شد، بخشی به واسطهٔ جنگ بین نهنگ‌های عظیم دریایی، و بخشی به واسطهٔ جنگ‌های گوگ و ماگوگ، و در آن زمان ایام ماشیح پیش خواهد آمد.

و محاسبهٔ دیگری که در تلمود یافت می‌شود این است که اغلب آنان تاریخی در حدود پایان قرن پنجم میلادی را نشان می‌دهند. ایلپاء در این مورد به یکی از دانشمندان گفته است که دنیا دست کم هشتاد و پنج یوول دوام خواهد داشت (۴۲۵۰ سال) و در یوول آخرین فرزند داود خواهد آمد. «راواشه» یکی از علمای متأخر تلمود گفته است: مقصود دانشمندان از ذکر تاریخ‌های مذکور برای ظهور ماشیح این بوده که تا آن تاریخ نباید منتظر آمدن ماشیح بود، لکن از آن به بعد باید انتظار ظهور او را داشت.^۲

۱- حمید هادوی مقدم، آخرالزمانم از دیدگاه یهودیت، ص ۵۴

۲- ابراهام کهن، گنجینه‌ای از تلمود، ص ۳۵۶

اندیشه و امیدهای مسیحایی می توانند بر اساس نگرش های عقلانی باشند، درست همان طور که منجی گرایان مسیحی آخرالزمان را از روی تعداد چهارپایان که در کتاب وحی (باب ۱۸: ۱۳) ذکر شده محاسبه می کردند اما چون که امیدهای فراوان ناشی از این محاسبات اغلب منجر به فاجعه می شد خاخام های تلمود عبارات تنیدی در خصوص کسانی که آخرالزمان را محاسبه می کنند داشتند.^۱

و به صورت اخطار شدید بیان کردند که «لعنت بر کسانی که تاریخ پایان ذلت اسرائیل و ظهور ماشیح را محاسبه می کنند زیرا ایشان چنین استدلال می نمایند که اگر تاریخ پایان ذلت فرا رسید و ماشیح نیامد، هرگز دیگر نخواهد آمد... لکن همواره منتظر او باش چنان که گفته شده است اگر چه تأخیر نماید معذک در انتظارش باش.»^۲

اشعیاء نبی در این زمینه گفته است:

«و کوچکی هزار شد. قوم صغیر طائفه عظیم خواهد شد اینرا من که خداوندم در وقتش به تعجیل به انجام خواهم رسانید.»^۳

به نظر می رسد که این زمان بنا بر رفتار و کردار مردم تغییر می کند و از قبل تعیین نشده است همان طور که تلمود گفته است که اگر ملت اسرائیل استحقاق آن را داشته باشد ظهور منجی را تسریع خواهم کرد در غیر این صورت در وقت خودش آن ها را نجات خواهم داد و این که توبه کار عظیمی

۱- میرچاد الیاده، مهدویت از دیدگاه دین پژوهان و اسلام شناسان غربی، ص ۱۱۵

۲- ابراهام کهن، گنجینه ای از تلمود، ص ۳۵۶

۳- کتاب مقدس عهد عتیق، اشعیاء (۶۰: ۲۲)، ص ۱۲۹۶

است، زیرا که نجات را نزدیک می کند و اگر ملت اسرائیل فقط یک روز توبه کند، بلافاصله فرزند داوود خواهد آمد.

۵- وعده به نجات و امید روا نشناختی

نویدهای فراوان به آمدن منجی در کتاب مقدس آسمانی به یهودیان امید و نشاط به زندگی نمود، در زبور حضرت داوود از مزامیر ۱۵۰ گانه بیش از ۳۵ بخش آن نوید به ظهور آن نجات بخش داده است.^۱

آیات متعدد دیگری از اشعیا نبی را می بینیم که هنوز مصداق آن تا به امروز ظاهر نشده است و بدون تردید بشارت به ظهور آن یگانه منجی دارد، از نمونه آیات آن در فصل ۶۶، آیات ۱۰ الی ۲۴ می باشد که در آیه ۱۴ آن آمده است:

«(۱۴) و خواهید دید و قلب شما شاد خواهد شد و استخوان های شما مثل گیاه خرم گردد و معلوم میشود که دست خداوند با بندگانش حینی که غضبش با دشمنانش می باشد هست.»^۲

یعنی دست خدا غیر از امام و محبت کسی نیست و این که گفته است معروف خواهد شد اشاره به ظهور آن منجی دارد و در آیه (۱۶) این فصل آمده است که، زیرا خداوند با آتش و شمشیر خود بر تمامی بشر داوری می کند که جای تردیدی وجود ندارد که احدی از انبیاء و اوصیاء تا به حال بر تمام بشر داوری و حکومت نکرد. آن دو مأمور به شمشیر زدن به طوری که همه بشر

۱- علی اکبر مهدی پور، او خواهد آمد، چ ۹، (قم، موسسه انتشارات رسالت، بی تا)، ص ۹۵

۲- کتاب مقدس عهد عتیق، اشعیا، (۶۶: ۱۴)، ص ۱۳۰۴

سر تسلیم فرود آورند و زمین را پر از عدل و داد شود مخصوص به امام عصر شیعیان حضرت حجه بن الحسن العسکری (ع) می باشد.^۱

با دقت در اعمال و رفتار یهودیان به خصوص نمازهای آن ها می بینیم که یکی از برجسته ترین بخش های نماز یهود دعا است که در این نماز اشاره و نشانه هایی از امید به منجی دیده می شود که در بند اول آن دعا، خداوند به عنوان کسی که برای بنی اسرائیل یک منجی می فرستد معرفی شده است و در بند دوم به گونه ای امید به رستاخیز مردگان تأکید شده و بند هفتم دعایی است که در آن از خدا خواسته می شود بنی اسرائیل را به خاطر نام خود نجات دهد، گرچه آنان گناه کار باشند و بند دهم که در تلمود به عنوان دعا برای گرد آمدن از تبعیدگاه ها توصیف شده با دعا برای نفخ صور و برافراشتن یک پرچم به نشانه آزادی تبعیدیانی که از چهارگوشه زمین گرد می آیند، آغاز می شود و بند یازدهم دعایی است برای تأسیس حکومتی مستقل برای بنی اسرائیل، و بند چهاردهم دعا برای نوسازی اورشلیم و استوارشدن دوباره تخت داوود در آن و بند پانزدهم دعای مکرری است برای برافراشتن خاندان سلطنتی داود و بند هفدهم هم دعا برای احیای پرستش در معبد و آیین قربانی است و با این امید ختم می شود که چشمان ما ببیند که تو از در رحمت به صهیون باز می گردی، بنابراین هفت بند مستقیماً در ارتباط با ماشیح می باشد و سایر بندها نیز به ماشیح اشاره دارند.^۲

۱- سید حسین میرجهانی طباطبائی، نواب الدهور فی علائم الظهور، ج ۴، (تهران، انتشارات کتابخانه صدر، بی تا)، ص ۱۰۵

۲- جولیس کرینستون، انتظار مسیحا در آیین یهود، صص ۱۷۵ و ۱۷۶

ملاکی نبی در آخرین سخنان خود از داوری عظیم و مهیب خداوند سخن می گوید و وعده می دهد که خداوند مانند ایام سال های پیشین، قربانی های یهود و اورشلیم را دوباره بپذیرد و این وعیدها است که به امید یهود می افزاید.^۱

لقب نجات دهنده محور بحث از آخرالزمان و وقایع آن در کلام انبیاء بود، انبیاء در تصویری که از آخرالزمان ارائه می کردند، آخرالزمان را دوران نجات قوم معرفی می کردند چرا که خداوند نجات دهنده قوم خود خواهد بود. که این نجات به واسطه فرستادن مسیحای منجی به عنوان پادشاه برای قوم تحقق می یابد.^۲

واژه شناسی منجی

در این قسمت به برخی از واژه هایی که به منجی یهودیان تعبیر شده است می پردازیم.

۱- ما شیخ در تورات

«(۵۰) که به جهت ملکش برج نجات است به مسح کرد. ماشیح خود داوود و ذریه اش ابداً مهربان است.»^۳

ماشیح از واژه هایی است که در تورات به عنوان منجی آخرالزمان از آن یاد شده است که این واژه کلمه ای است عبری به معنای مسح شده، مسح مخلص

۱- پیشین، ص ۳۷

۲- حمیدهادوی مقدم، آخرالزمان و یهودیت، ص ۵۷ و ۵۸، به نقل از کتاب مقدس عهد عتیق، اشعیاء، (۲۲: ۲۲)، ارمیا (۲۳: ۷-۸)

۳- کتاب مقدس عهد عتیق، فرامیرداود، (۱۸: ۵۰)، ص ۱۰۱۳

(نجات بخش) که از مشتقات آن عبارت است از شیحویت به معنای مشیحانیسیم (مسیحیت) که عبارت است از اعتقاد به آمدن ماشیح و هم چنین مشتق از کلمه عبرانی مسح، به معنای تدهین روغن می باشد که یهودیان بر اساس یک عادت ملی قدیمی و ملت های گذشته سرپادشاهان و کاهنان را قبل از رسیدن آن ها به این مناصب به وسیله این روغن می مالیدند به نشانه این که این نصب خاص و جدیدی است و نشانه ای است از روح خدایی که در این افراد جریان پیدا کرده است.^۱

ناگفته نماند که این اصطلاح به معنای فرد مشخصی نیست بلکه منظور از آن هر کسی است که، مانند شاه یا کاهن اعظم برای تصدی منصبی عالی با روغن مقدس تدهین شده است. این کلمه به تدریج وسعت معنایی یافت مدلولات زیادی را در بر گرفت، نتیجه کلمه ماشیح به هریک از پادشاهان و انبیاء آن ها اطلاق گردید و حتی به پادشاه فارس (کورش) هم گفته شد تا جایی که به هر فردی که کار مهمی را به عهده می گرفت و از طرف خدا به او واگذار شده بود ماشیح می گفتند.^۲

در بین دانشمندان یهود راجع به این که ماشیح چه کسی خواهد بود به تحقیقات فراوانی انجام شده است که همگی آن ها درباره یک نکته متفق الرأی بوده اند و آن این است که ماشیح یک انسان خواهد بود که از طرف خداوند مأمور به انجام وظیفه خاصی خواهد شد. در هیچ جای تلمود به این اعتقاد که ماشیح ممکن است یک ناجی فوق انسانی باشد اشاره نمی کند. برخی از این

۱- عبدالوهاب محمد المسیری، موسوعه اليهود و الیهودیه و الصهیونیه، ج ۵، (القاهره، دارالشروق، ۱۹۹۹)، ص ۲۹۴؛ مسترهاکس، قاموس کتاب مقدس، (تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷)، ص ۸۰۲
 ۲- عبدالوهاب محمدالمسیری، موسوعه اليهود و الیهودیه و الصهیونیه، ص ۲۹۴

صاحب نظران وی را با داوود پادشاه اسرائیل یکی می دانند و آیه (هوشع ۵:۳۰): «بعد از آن بنی اسرائیل برگشته و خداوند خدای خود داوود پادشاه خویش را خواهد طلبید.» را این طور تفسیر کرده اند که این پادشاه ماشیح است و اگر او جزء زندگان است نامش داوود است و اگر هم جزء مردگان باشد که در آینده زنده خواهد شد نامش داوود است.^۱

بر اساس تفسیر علمای یهود، آیاتی از کتاب مقدس که اشاره به ماشیح دارد، نام های گوناگونی را که به آن خوانده خواهد شد مشخص می سازد، برخی از شاگردان دانشمندان کوشش کرده اند که برای ماشیح نامی مشابه با اسم استاد خود از متن آیات کتاب مقدس بیابند. از شاگردان مکتب «ربی شیلو» می گویند: نامش «شیلو» خواهد بود، شاگردان مکتب «ربی ینای» می گویند: اسمش «یینون» خواهد بود شاگردان مکتب «ربی حنینا» می گویند: اسمش «حنینا» خواهد بود، «راو یهودا» از قول راو گفته است: ذات قدوس متبارک، در آینده داود دیگری را برای ملت اسرائیل برپا خواهد ساخت. «ربی یهوشوع» گفته است: اسم او صبح است (نهال) و «ربی بوران» گفته است: نام او «منحم» است.^۲

این نام ها را با توجه به عبارت هایی که در کتاب های مختلف پیامبران در تورات آمده است و تطبیق آن با مکتب خود نام گذاری نموده اند

۱- ابراهام کهن، گنجینه ای از تلمود، ص ۳۵۲

۲- ابراهام کهن، گنجینه ای از تلمود، ص ۳۵۲

۲- ملک و ملک زاده

«(۱) ای خدا احکام خود را به ملک و عدالت خود را به ملک زاده عطا فرما
 (۲) تا آن که قوم تو را به عدالت و فقرای تو را به انصاف حکم نماید (۳) به
 قوم کوهها سلامت و گریوه ها عدالت برسانند (۴) فقیران قوم را حکم نماید و
 پسران مسکینان را نجات دهد و ظالم را بشکند.»^۱

به نظر می رسد وعده هایی که در این فراز از مزمور داوود به ملک زاده
 نسبت داده شده است هنوز تحقق نیافته است بنابراین مفسرین مختلف ملک
 زاده را به موعود آخرالزمان تفسیر نموده اند.

صاحب کتاب «بشارات عهدین» در کتاب خود آورده است منظور از ملک
 خاتم النبیین حضرت محمد (ص) است و ملک زاده حضرت محمدبن الحسن
 علیه السلام است، و دلیلی که ایشان می آورد این است که تمامی آیات مزمور
 ۷۲ چنان چه از آیه ۲۰ آن مستفاد می شود، دعا بر زبان حضرت داوود (ع)
 رانده شده و شایسته و لازمه مقام نبوت که از بالاترین مدارج عبودیت است آن
 هم در مقام دعا و استدعای از آفریدگار این است که به زبان عجز و تذلل
 حوائج خود را از خدای جهان طلب کند نه آن که خود را پادشاه و فرزندش را
 شاه زاده بخواند و به جای اظهار عجز در برابر سلطان حقیقی خود را سلطان
 بنامد.

اگر کلام فوق از داوود باشد بنابر آن چه گذشت درخواست عدالت و شرع
 و احکام، که بر زبان حضرت داوود (ع) جاری شده است برای دو شخصیت

۱- کتاب مقدس عهد عتیق، فرامیر داود، (۷۲: ۱ و ۲)، ص ۱۰۶۰؛ تهیلیم (فرامیر حضرت داوود)،
 (تهران، انجمن کلیمیان تهران، ۱۳۷۹)، ص ۱۱۶

عظیم آسمانی است که یکی دارای مقام سلطنت بر پیامبران و صاحب شرع و احکام نوین و دیگری مظهر اتم عدالت آنان و صاحب ولایت مطلقه و منتظر عموم ملل است.

و چنان چه در حرف لام و عین و راء در کتاب «وحی کودک» آمده است (۱) کعبه با آمدن پادشاه آباد گردد (۲) سلطنت کند آسمان را (۳) و تاج بر سر اوست.

مقام شامخ سلطنت در بین پیامبران حضرت محمد بن عبدالله (ص) و ملک زاده که مظهر تام عدل الهی خوانده شده است دوازدهمین جانشین و فرزند وی حضرت محمد بن الحسن العسکری (ع) است که آیه ۲ الی ۱۰ بشارت آن یگانه منجی بشریت را داده است.^۱

هم چنین علمای اسلام در تفسیر این آیات بیان کرده اند که این دعا شامل حضرت سلیمان علیه السلام نمی شود زیرا که دعا به صورت صیغه غائب بیان شده در صورتی که اگر منظور حضرت داوود (ع) سلیمان بود به صورت صیغه متکلم بیان می شد و آن که در دعا از خداوند درخواست احکام و شرع و عدالت را دارد که در آن زمان محقق نشده است و این ادعا باطل است زیرا که داوود علیه السلام صاحب شرع و احکام نبود. بنابراین منظور از ملک پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله می باشد و منظور از ملک زاده مهدی منتظر محمد بن

۱- محمد صادقی، بشارت عهدین، ج ۴، (تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۶۲)، ص ۲۵؛ سید علی اکبر شفیعی، بشارت صحف سماویه، ج ۲، ج ۲، (اصفهان، بی نا، بی تا)، ص ۸۵ الی ۹۰

الحسن العسکری (ع) می باشد که خداوند متعال او را از دعای سلیمان به م عطا خواهد کرد.^۱

بنابراین اگر مصداق کاملی برای ملک زاده پیدا شود همان حضرت بقیه الله الاعظم (ع) می باشد زیرا هیچ ملک زاده ای با این خصوصیات که در مزمور آمده است تا به حال نیامده است بنابراین آن شخص مهدی موعود (ع) است که همه ادیان بدان اشاره دارند.^۲

۳- نهالی از تنه یستی

«و نهالی از تنه یسی برآمده شاخه ای از ریشه هایش قد خواهد کشید»^۳
این فراز در کتاب اشعیای پیامبر که هفت صد سال پیش از مسیح مری زیست^۴ آمده است که در توضیح این آیه داریم که مورد بشارت آیه فوق ممکن است یکی از چهار نفر شخصیت های عظیم روحانی و رهبران عالی قدر بشر، حضرت داوود (ع)، حضرت سلیمان (ع)، حضرت عیسی (ع) و حضرت حجه بن الحسن العسکری (ع) باشد، ولی با دقت و بررسی کامل آیات این فصل از کتاب اشعیاء نشان می دهد که منظور از این نهال هیچ یک از پیامبران نیست زیرا داوود (ع) و سلیمان (ع) فرزندان پسری یستی و حضرت

۱- شیخ یوسف محمد عمرو، المسیح الموعود و المهدی المنتظر، البنان، دارالمورخ العربی، بی تا، ص ۶۵؛ محمدصادق فخرالاسلام، انیس الاعلام فی نصره الاسلام، ج ۷، (تهران، کتابفروشی مرتضوی ۱۳۵۸)، ص ۳۸۸؛ سید حسن میرجهانی طباطبائی، نوائب الدهور فی علائم الظهور، ج ۴ ص ۱۶۵

۲- محمد فقیه نیا، حضرت مهدی و بشارتهای آسمانی، (قم، بنیاد فرهنگی پژوهشهای علمی فرهنگی نورالاصفیاء، ۱۳۷۹)، ص ۶۵

۳- کتاب مقدس عهد عتیق، (اشعیاء (۱۱: ۱)، ص ۱۲۲۰

۴- ترجمه تفسیری کتاب مقدس، (انجمن بین المللی کتاب مقدس، ۱۹۹۵)، ص ۶۴۱

عیسی بن مریم (ع) نواده دختری وی و حضرت حجه ابن الحسن (ع) از جانب مادرش نرجس خاتون که دختر پادشاه روم و از نسل حضرت داوود (ع) است و نسب شریفش به شمعون صفا، وصی حضرت عیسی (ع) می رسد، نواده دختری عیسی (ع) می باشد پس همه این بشارت ها ویژه قائم آل محمد (ص) می باشد.^۱

از تعبیر دیگر این کلام این است که پس از ابطال قول یهود و نصاری که مورد بشارت را حضرت سلیمان (ع) می دانستند گفته شده که این شرح صریحاً بر حضرت مهدی (ع) دلالت دارد زیرا که مسلمین اجماع کردند که از آیاتی که در ادامه این آیه آمده است مشخص می شود مورد بشارت هنوز اتفاق نیفتاده است.^۲

«(۳) او را در خشیت خداوند تیزهوش گردانیده موافق منظور نظرش حکم و مطابق مسموع گوشه‌هایش تنبیه نخواهد فرمود.

(۴) بلکه ذلیلان را به عدالت حکم و برای مسکینان زمین به راستی تنبیه خواهد نمود و زمین را به عصای دهانش زده به روح لبهایش شریر را خواهد کشت.»^۳

از دلایل دیگری که می توان بر این مدعا آورد این است که واژه یسی در لغت به معنای قوی می باشد پس این فرد از خاندان بزرگ و منحصر به فرد در دنیا است و آن منحصر در امام زمان (ع) می شود. البته استعمال این لفظ در مورد پدر حضرت داوود (ع) هم بوده است ایشان به حدی قوی بوده است که

۱- محمد صادقی، بشارت عهدین، ص ۲۵۴؛ سید علی اکبر شفعی، بشارت صحف سماویه، ص ۱۱۱

۲- پیشین، ص ۱۱۰

۳- کتاب مقدس عهد عتیق، اشعیا، (۱۱: ۴۳)، ص ۱۲۲۰

حضرت داوود (ع) را با آن که شهرت و شخصیتی عظیم داشته است به ایشان نسبت می دادند. اما به دلیل این که درآیه آمده است نهالی از تنه یسی برآمده و از ریشه آن شاخه قدمی کشد بدنه و اصل یسی به حضرت ابراهیم (ع) برمی گردد، و چون این شاخه از بدنه جدا می شود اشاره به این نکته دارد که اکثر پیامبران از فرزندان حضرت اسحاق (ع) بوده اند و از فرزندان حضرت اسماعیل (ع) فقط پیامبر اسلام می باشد لذا تعبیر به نهالی شده است که از تنه بیرون آمده است و از ریشه آن قد کشیده می باشد. بنابراین مصداق آن امام زمان (ع) است. اوست که از نسل اسحاق و آخرین وحی پیامبر می باشد و این فرد موعود باید تمام صفات کمالیه الهی را دارا باشد.^۱

۴- شاخه

ارمیای نبی در کتاب خود به شرح زندگی خود وقایعی که بین سال های ۵۸۰ و ۶۲۵ قبل از میلاد مسیح (ع) در تاریخ سرزمین یهود رخ داده می پردازد و در آن آثاری از آینده امیدبخش اورشلیم نیز مشاهده می شود که از جمله در باب ۳۲ می خوانیم:

«خداوند می فرماید که اینک روزها می آید که از برای داوود (ع) شاخه عادللی را برمی خیزانیم که ملوکانه سلطنت خواهد نمود. بکام رسیده در زمین انصاف و راستی را به جا خواهد آورد.»^۲

که در این آیات را منجی آخرالزمان به شاخه تعبیر شده است. این تعبیر در آینده علم برای مسیحای آخرالزمانی می شود.^۱

۱- محمد فقیه نیا، حضرت مهدی و بشارتهای آسمانی، ص ۸۰

۲- کتاب مقدس عهد عتیق، ارمیا، (۲۳: ۵)، ص ۱۲۵۱

- شیلو

«عصای سلطنت از یهودا دور نخواهد شد تا شیلو، که همه قومها او را از اعت می کنند بیاید.»^۲

موضوع اصلی سفر پیدایش که در سراسر آن محسوس می شود این است که چند آن چه را که خدا خوب و زیبا آفریده بود گناه انسان آن را خراب کرد خدا از فعالیت خود دست نکشیده است بلکه به دنبال بشر گم گشته است او را نجات دهد و رستگار سازد، خدا بر عالم هستی مسلط است و تاریخ را در مسیر منافع و نجات عزیزان خود به پیش می برد.^۳

برخی از فرقه های اهل کتاب می گویند حضرت یعقوب (ع) تعیین نکرده است که این شیلو چه کسی است؟ و از کدام سبط از اسباط اسرائیل است نان چه برخی از مفسرین یهود گفته اند مراد از شیلو حضرت موسی (ع) باشد بود و برخی هم چنین توجیه کرده اند که عدد لفظ شیلو به حساب روف ابجد با نام عبری موسی یکی است و بر این تقدیر شیلو موسی می مد. و برخی هم گفته اند مراد موسی نبوده و منظور از آن ماشیح است که اد مسیح بن داوود (ع) است و این مسیح هنوز نیامده و می گویند ما در نظر آمدن او می باشیم و او پیغمبر آخرالزمان می باشد.^۴

بنابراین در بین اهل کتاب در تعبیر لفظ شیلو، اختلاف است اما در هر حال را یک منجی می دانند و عده ای هم در انتظار او به سر می برند.

حمید هادوی مقدم، آخرالزمان از دیدگاه یهودیت، ص ۵۸

ترجمه تفسیری کتاب مقدس، ص ۵۱

کتاب مقدس عهد عتیق، سفر پیدایش، ص ۱

سید حسن میرجهانی طباطبائی، نواب الدهور علائم الظهور، ج ۴، ص ۱۳۴

فخر الاسلام در انیس الاعلام ذیل این آیه آورده است، این آیه دلالتی است بر بعثت خاتم الانبیاء بعد از اتمام حکم موسی و عیسی (ع) زیرا که مراد از حاکم، موسی (ع) و مراد از راسم عیسی (ع) است زیرا که بعد از موسی (ع) تا زمان عیسی (ع) صاحب شرع نیامده است مگر حضرت محمد (ص) و مراد از این که امت ها با او جمع خواهند شد هم حضرت محمد (ص) می باشد زیرا که این اتفاق افتاده و یعقوب (ع) آمدن آن بزرگوار را بشارت داده است.^۱

صاحب کتاب «اقامه الشهود» محمد رضای جدید الاسلام گفته است، ماشیح که یهود انتظارش را می کشد شیلو نیست بلکه شیلو حضرت عیسی (ع) می باشد زیرا علامت آن این است که در رسیدن او از سبط یهودا سلطنت را خارج خواهد نمود و ما می بینیم که تا حضرت عیسی (ع) نیامده سلطنت در میان یهودا بود و در آمدن حضرت عیسی (ع) سلطنت از سبط یهودا دور شد و هنوز هم کسی نیست در میان یهودا و بنی اسرائیل که قابل این معنا باشد.^۲

نویسنده «نوائب الدهور» مصداق این را از فرزندان یعقوب (ع) می داند که هنوز نیامده و با آمدن او سلطنت از اولاد یهودا منقرض خواهد شد.^۳

۱- پیشین، ص ۱۳۷ الی ۱۴۰؛ به نقل از انیس الاعلام

۲- سید حسن میرجهانی طباطبائی، نوائب الدهور فی علائم الظهور، ج ۴، ص ۱۲۶، به نقل از اقامه الشهود

۳- سید حسن میرجهانی طباطبائی، نوائب الدهور فی علائم الظهور، ج ۴، ص ۱۲۴، به نقل از اقامه الشهود

در مجموع مشخص می شود که برخی از اندیشمندان شیلو را به حضرت مسی (ع) و برخی به خاتم الانبیاء تعبیر نموده اند و برخی هم در انتظار ظهور به سر می برند.

واژه های دیگر

واژه «پسر انسان» که در عهد عتیق بیشتر جهت اشاره به انسان به کار رفته است (مزامیر داوود (ع) : ۵:۸) و در کتاب مکاشفات، پسر انسان شخصیتی عادی، کمابیش الهی و ازلی است که در حال حاضر در بهشت پنهان است و آخرالزمان ظاهر می شود در این کتاب اغلب از او به عنوان شخص زیده یاد کرده اند و تنها گاهی شخص تدهین شده یعنی ماشیح نامیده می

شود. «عمانوئیل» اشعیای نبی از تولد نوزادی خبر می دهد که منجی یهود می باشد م او عمانوئیل است یعنی خدا با ماست (اشعیاء ۷:۱۴)

«میرعظیمی»، در کتاب دانیال نبی آمده است امیرعظیمی که برای پسران قوم بستانده است خواهد برخاست و خیال زمان تنگی خواهد شد که شخص بشارت که به عنوان ایستاده از او تعبیر شده قائم آل محمد (ص) است زرگترین نماینده انبیای الهی است.^۲

برچاد الیاد، مهدویت از دیدگاه دین پژوهان و اسلام شناسان غربی، ص ۲۶۷
 حمد مهدی باباپور، اعتقاد به مهدویت در ادیان الهی، مقاله ۱، ص ۱

نسب شناسی

۱- حضرت داوود علیه السلام

حزقیال نبی یکی از انبیاء اسرائیل بود و همراه مردم یهودا در بابل در تبعید به سر می برد و در این کتاب پیشگویی می کند که یهود به زودی به وطن خود برخواهند گشت و اورشلیم را دوباره بنا خواهند کرد. در بخش آخر کتاب خداوند از طریق رؤیا به حزقیال نشان می دهد که اسرائیل و یهودا دوباره با یکدیگر متحد خواهند شد و یک پادشاه از نسل داوود (ع) بر آن ها حکومت خواهد کرد.^۱

جولیوس کرینستون یکی از نویسندگان یهودی پیرامون اصل و نسب مسیحا تصور تلمود را در کتاب خود آورده است که مسیحا نهالی از خاندان سلطنتی داوود (ع) است.^۲

دانیال نبی (ع) هم در صحیفه خود پس از مژده به ظهور منجی می گوید او فرزند منتخب داوود (ع) است.^۳ در تلمود هم آمده است یعقوب (ع) جد ما پیش بینی کرد که نسل عیسی (ع) فقط به دست نسل یوسف (ع) تسلیم خواهد شد که اشاره به شخصی می کند که نسب آن به یوسف فرزند یعقوب (ع) و داوود (ع) پادشاه اسرائیل می رسد.^۴

۱- ترجمه تفسیری کتاب مقدس، ص ۸۶۲

۲- جولیوس کرینستون، انتظار مسیحا در آیین یهود، ص ۶۵؛ عبدالوهاب محمد المسیری، موسوعه الیهود و الیهودیه و الصهیونیه، ص ۲۹۴؛ علی موحدیان عطار، گونه شناسی اندیشه موعود در ادیان مختلف، ص ۱۱۰

۳- حسین علی سعدی، نجات شناختی تطبیقی، ص ۸۰

۴- ابراهام کهن، گنجینه ای از تلمود، ص ۳۵۴

۲- حضرت اسحاق علیه السلام

«ولی تا وقتی قوانین روز و شب، و نظام زمین و آسمان برقرار است، دیگر قوم خود و فرزندان داوود (ع) را ترک نخواهم نمود، بلکه کسی را از نسل داوود (ع)، بر فرزندان ابراهیم (ع)، اسحاق (ع) و یعقوب (ع) فرمانروا خواهم ساخت و بر ایشان رحمت خواهم کرد و سعادت از دست رفته را به ایشان باز خواهم گرداند.»^۱

در این آیه ارمیای نبی نام اسماعیل را نیاورده و این طور به نظر می رسد که ایشان منجی آخرالزمان را از نسل اسحاق (ع) می داند.

«و اما در خصوص اسماعیل تو را اجابت فرمودم اینک او را برکت داده بارور گردانم و او را بسیار کثیر گردانم دوازده رئیس از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی به وجود آورم (تکوین ۱۷: ۲۰)

۳- حضرت اسماعیل (ع)

در فرازی دیگر از کتاب مقدس آمده است:

«اکنون تو چشمان خود را بر افراز و از مکانی که در آن هستی به سوی شمال و جنوب و شرق و مغرب بنگر زیرا تمام این زمین را که می بینی، به تو و ذریت تو تا به ابد خواهم بخشید و ذریت تو را مانند غبار زمین گردانم چنان که اگر کسی غبار زمین را تواند شمرد ذریت تو نیز شمرده شود برخیز و در طول و عرض زمین گردش کن زیرا که آن را به تو خواهم داد.»^۲

۱- کتاب مقدس عهد عتیق، ارمیاء، (۳۳: ۲۵ و ۲۶)؛ ترجمه تفسیری کتاب مقدس، ص ۷۳۴

۲- سید علی اکبر شفعی، بشارات صحف سماویه، ج ۳، ص ۶۱ به نقل از کتاب مقدس عهد عتیق، پاداش لخ لخوا، (۱۳: ۱۵ و ۱۷)

در تحلیل این آیه آمده است که دوست داران حق و حقیقت قضاوت خواهند کرد که این وعده الهی تاکنون محقق نشده است به طوری که تمام زمین به فرمان یک فرد باشد و این وعده کاملاً مطابق با عقیده مسلمانان به خصوص شیعیان می باشد که به اتفاق اهل اسلام ظهور این بشارت بزرگ فقط در زمان ظهور حضرت مهدی (ع) که از سلالة نسل اسماعیل است محقق خواهد شد.^۱

مرحوم صادق فخرالاسلام که از مبرزین علماء مسیحی و جدید الاسلام بوده است در تفسیر این عبارت نوشته است: آیه راجع به وعده است که خدا به اسماعیل (ع) داده که نسل و ذریه او را به سبب حضرت محمد (ص) و دوازده امام که پس از آن حضرت می باشد را بسیار زیاد کند.^۲

هم چنین صاحب اقامه شهود هم بیان داشته است که مراد از دوازده سرور و امام از ذریه حضرت اسماعیل (ع) دوازده شیعیان اثنی عشر می باشد.^۳ این آیه از آیاتی است که صریحاً نسب منجی آخرالزمان را حضرت اسماعیل (ع) دانسته و از پیامبر خاتم و دوازده امام پس از او صحبت به میان آورده است که می تواند گفتار برخی از یهودیان را در خصوص منحصر دانستن منجی به اولاد اسحاق (ع) رد نماید.^۴

۱- سید حسن میرجهانی طباطبائی، نوائب الدهور فی علائم الظهور، ج ۴، ص ۱۰۹؛ سید علی اکبر شفیعی، بشارات صحف سماویه، ج ۳، ص ۶۲

۲- محمد صادق فخرالاسلام، انیس الاعلام فی نصره الاسلام، ج ۷، ص ۳۸۵

۳- سید حسن میرجهانی طباطبائی، نوائب الدهور فی علائم الظهور، ج ۴، صص ۱۱۱ و ۱۱۲

۴- سید علی اکبر شفیعی، بشارات صحف سماویه، ج ۳، ص ۵۹ به نقل از سمعات والنور

پس با توجه به کتاب مقدس و تفاسیر مختلف در مجموع مشخص میشود که همه به اتفاق نسب منجی آخرالزمان را حضرت داوود (ع) می دانند و پس از آن به فرزند ابراهیم (ع) نسبت دادند اما در این که به کدام یک از فرزندان حضرت ابراهیم (ع) می رسد، اختلافاتی وجود دارد که در این اختلاف هم اکثریت با شواهد و قرائن ایشان را از نسل حضرت اسماعیل (ع) می دانند.

سیمای جهان قبل از ظهور منجی

۱- ظهور خاتم الانبیاء (ص)

در هر کدام از ادیان الهی نشانه های بسیار زیادی همراه با شرایط آمدن منجی بیان شده است که در مجموع می توان این علائم را به دو قسمت تقسیم نمود که یک قسمت آن از نشانه ها نگران کننده و اضطراب آمیز می باشد و قسمت دیگر آن از علائم امیدوار کننده و نشاط آور می باشد که در ذیل به ونه هایی از این علائم در دین یهود می پردازیم.

«ایمانوئل شوخط» یکی از خاخام های یهودیان در این زمینه می نویسد:

پیشرفت و خوشبختی نسبتاً زیاد مردم دنیا به تجدید حیات در مطالعه تورات علوم دینی، بازشدن دروازه های عقلانی در بالا که با ظهور پیشرفت تعالیم زی و عرفانی در تورات و کتب آسمانی، بسیار مشهود است و چشمه های کمت در پایین که اشاره به پیشرفت ها و اکتشاف های علمی و تکنولوژی و از است از علائم مسرت بخش و امیدوار کننده قبل از ظهور ماشیح ، باشد.^۱

و از وقایع نگران کننده می توان وقوع جنگ هایی که به آن وعده داده شده است و فراگیر شدن ظلم و فساد و بی عدالتی در سراسر جهان که در همه ادیان الهی به آن اشاره شده است را نام برد.

نکته ای که در بین علائم ظهور قابل تأمل و دقت می باشد این است که علائمی که در کتب مقدس از آن به نشانه های ظهور منجی آخرالزمان تعبیر شده است برخی از آن ها تحقق پیدا کرده است و برخی در شرف وقوع است و بعضی در آینده اتفاق خواهد افتاد. یکی از وقایعی که به طور قطعی به وقوع پیوسته است آمدن خاتم الانبیاء قبل از ظهور منجی می باشد که در کتاب اشعیای نبی آمده است:

«(۱۰) زیرا که فرمان بالای فرمان فرمان بالای فرمان، قانون فوق قانون قانون فوق قانون است اینجا اندک و آنجا اندکی

(۱۱) پس با لبهای مستهزی و زبان بیگانه به این قوم خواهم گفت .

(۱۲) هنگامی که به ایشان می گفت که آرامگاه این است خسته شدگان را

آرام بدهید و مرجع نیز این است از این که از شنیدن ابا نمودند.

(۱۳) پس کلام خداوند به ایشان فرمان بالای فرمان خواهد بود تا آن که

روانه شده به قفا بیفتند و منکسر شوند و به دام افتاده گرفتار گردند.

(۱۴) پس ای مردمان مستهزی که بر این قومی که بر اورشلیم اند مسلط اید

کلام خداوند را بشنوید.^۱

این فراز از کتاب تورات خبر از ظهور خاتم الانبیاء و عظمت بزرگواری و جهان گیر شدن شریعت اوست و باقی بودن سلطنت در ذریه او و اولاد اوست تا روز قیامت و خبر از نزول قرآن کریم داده است.^۱

۲- اهمیت اورشلیم و کوه صهیون

«خداوند اورشلیم را بنا می کند و پراکنده شده گان اسرائیل را جمع می نماید.»^۲

«هنگامی که خداوند صیون را بنا می نماید در جلال خود ظهور خواهد نمود.»^۳

صهیون کوهی است در بیت المقدس که در آن هیکل بنا شده به نام یکی از خدایان شان و نام مرکز آن و ساکنین آن را اشوری گویند و از شهرها و مرکزی آن نینوا و بابل بوده است.^۴

این آیات در تلمود این طور تفسیر داده شده است که، پیش از گرد آمدن مجدد اسباط پراکنده اسرائیل، واقعه عجیب دیگری رخ خواهد داد و آن تجدید نای شهر مقدس اورشلیم است، اگر کسی بگوید که پراکنده گان ملت اسرائیل برد آمده اند، و هنوز اورشلیم آباد نگشته است، سخنش را باور مکن زیرا که ر ابتدا خداوند اورشلیم را بنا می کند و سپس پراکنده گان اسرائیل را جمع رری می نماید. در آن وقت فرزندان اسرائیل به حضور ذات قدوس متبارک نین عرض کردند: ای پروردگار عالم مگر نه این که اورشلیم قبلاً آباد بود و

- سید حسن میرجهانی طباطبائی، نوائب الدهور فی علائم الظهور، ج ۴، ص ۷۴

- کتاب مقدس عهد عتیق، فرامیر داود، (۱۴۷: ۲)، ص ۱۱۳۰

- پیشین، (۱۰۲: ۱۶)، ص ۱۰۸۸

- سید حسن میرجهانی طباطبائی، نوائب الدهور فی علائم الظهور، ج ۴، ص ۷۳

سپس ویران گشت؟ فرمود: به خاطر گناهان شما بود که اورشلیم خراب شد و از آن پراکنده گشتید و به غربت رفتید ولی در جهان آینده آن را از نو آباد می کنیم و دیگر هرگز ویرانش نخواهم کرد. چنان چه آمده است زیرا خداوند صهیون را بنا نموده و در جلال خود ظهور فرموده است.^۱

قوم بنی اسرائیل پس از اسارت و فروپاشی حکومت های یهودی در اقصی نقاط پراکنده شدند، گروهی از آنان در شمال ایران در شهر بابل و گروهی در مصر و گروهی در مناطق دیگر ساکن شدند و سرزمین موعود و به خصوص اورشلیم که کانون سیاسی، دینی یهود بود زیر سلطه بت پرستان قرار گرفته بود. «هیکل» محل حضور و سکونت خدا ویران شده بود. بنابراین در نجات آخرالزمانی توسط منجی این صدمات باید جبران شود قوم پراکنده گرد هم در سرزمین موعود جمع شوند و اورشلیم دوباره رونق یافته و مرکز توجه همگان گردد^۲، حزقیال نبی در یک پیشگویی می گوید:

«(۲۱) و به ایشان بگو که خداوند خدا چنین می فرماید که اینک من بنی اسرائیل را از میان طوائفی که با آن ها رفتند گرفته ایشان را از اطراف جمع خواهم کرد و ایشان را به زمین ایشان خواهم آورد (۲۲) و ایشان را در زمین در کوه های بنی اسرائیل یک امت گردانیده از برای همگی ایشان یک ملک سلطنت خواهد نمود.»^۳

از این آیات چنین به دست می آید که خداوند قوم پراکنده خود را در سرزمینی که به ابراهیم و یعقوب وعده داده بود باز گرداننده و امتی واحد و

۱- ابراهام کهن، گنجینه ای از تلمود، ص ۳۶۰

۲- حمید هادوی مقدم، آخرالزمان از دیدگاه یهودیت، ص ۲۰۳

۳- کتاب مقدس عهد عتیق، حزقیال نبی، (۳۷: ۲۱-۲۲)، ص ۱۵۱۰

حکومتی واحد همچون حکومت تلمود تشکیل می دهد و خود نیز در بین آنان ساکن شده و این قوم و سرزمین شان در بین جمیع اقوام و سرزمین های برتری می یابد. در مواضع دیگر عهد عتیق شبیه به این آیات را می توان یافت^۱ (عاموس ۹: ۱۴-۱۵، حزقیال ۳۴: ۱۶-۱۱، اشعیا ۵۱: ۱۱)

اشعیا نبی هم در کتاب خود اهمیت اورشلیم و کوه صهیون را در تحولات آخرالزمان به خوبی نشان می دهد.

«(۱) کلامی که به اشعیا پسر آموص درباره یهود اورشلیم نازل شد این است (۲) که در ایام آخرین واقع می شود که کوه خانه خداوند به سرکوهها برقرار و بر قلها رفیع تر خواهد شد و تمامی طوائف به سوی آن روان خواهند شد (۳) و قومهای بی شمار روانه شده خواهند گفت که بیائید تا به کوه خداوند به خانه خدای یعقوب (ع) برآئیم که او راههایش را به ما نمود. در طرائق او گردش نمائیم زیرا که شریعت از صیون و کلام خداوند از اورشلیم بیرون خواهد آمد.»^۲

بنابر ظاهر این آیات همه امت ها به سوی این کوه روان می شوند پس اورشلیم و کوه صهیون کانون توجه جهانی و مرکز امید همگانی می گردد.^۳

«(۲۰) و خداوند می فرماید که ایشان تمامی برادران شما را از همگی قبائل بر اسبها و عراده ها و کجاوه ها و بر حماران و جمازه ها به خداوند به کوه

۱- حمید هادوی مقدم، آخرالزمان از دیدگاه مهدویت، ص ۲۰۴

۲- کتاب مقدس عهد عتیق، اشعیا، (۲: ۱ تا ۳)، ص ۱۲-۵

۳- حمید هادوی مقدم، آخرالزمان از دیدگاه یهودیت، صص ۲۵ و ۲۶

مقدس من اورشلیم از راه هدیه خواهند آورد چنانی که بنی اسرائیل هدیه را در ظروف پاک به خانه خداوند می آورند.»^۱

۳- تنگی و عسرت

«(۱) در آن وقت سرور بزرگ میکائیلی (ع) که از جانب پسران قومت قائم است خواهد ایستاد و زمان تنگنایی که از بودن طوائف تا به این زمان نبوده است واقع خواهد شد و در آن زمان قوم تو هر کسی که در کتاب مکتوب یافت شده است نجات خواهد یافت.»^۲

زمان تنگنایی که در این فراز از کتاب دانیال پیامبر بیان شده است توسط ربانیون به دوران محنت های مسیحایی تعبیر شده است که آن ها همانند انبیاء و نویسندگان متأخر کتاب های مکاشفه تعلیم می دانند که پیش از فرا رسیدن عصر مسیحاء رنج ها و محنت های بسیاری، نه تنها برای بنی اسرائیل، بلکه برای همه ملت های زمین پدید خواهد آمد که این محنت ها و شکل های گوناگون اجتماعی و سیاسی خواهد بود.

ربی یوحانان می گوید: هنگامی که دیدید نسل ها، کاهش می یابند و مشکلات بسیاری بر بنی اسرائیل فرو می ریزد، منتظر آمدنش باشید قاضیان و کارگزاران شریعت اعتباری نخواهند داشت، مردم بسیار مورد تهمت واقع خواهند شد و هرج و مرج بر همه چیز مسلط خواهد گردید، حتی میان خود حکیمان جنگ و ستیز پیوسته ای پدید خواهد آمد از آن پس کسی شریعت را

۱- کتاب مقدس عهد عتیق، اشعیا، (۶۶: ۲۰)، ص ۱۳۰۵

۲- پیشین، دانیال نبی، (۱۲: ۱)، ص ۱۵۶۷

مطالعه نخواهد کرد. و کسانی که از گناه می پرهیزند، خوار خواهند شد و محل اجتماعات مردم به خانه فواحش تبدیل خواهد گردید!^۱

در این آیه مراد از سرور میکائیلی رئیس فرشتگان است زیرا که در انجیل یوحنا (آیات ۷-۹) تصریح شده است، اما در کتاب یهودا فصل ۹ شخص مورد بشارت را یگانه منجی بشریت در تنگی و عسرت خوانده است.

با توجه به این که در عبارت داریم، از جانب پسران قومت قائم است پس می توان گفت که در این بشارت مراد از بزرگ میکائیلی همان یگانه منجی بشریت است چرا که خود قرینه ای به این معنی می باشد که از علائم این منجی در این آیه این است که ایشان وقتی می آیند که تنگی و عسرتی که تا آن زمان نبوده بیاید و آن هایی که بر دین خود ثابت قدم می مانند و جزء نجات یافتگان هستند فقط مؤمنانی می باشند که اسامی آن ها مکتوب است که مراد نتخاب شدگان هستند و یا این که مکتوب در لوح محفوظ است.^۲

۴- هرج و مرج و فساد اخلاقی در جامعه

با توجه به این اصل که تاریکی و سیاهی شب، قبل از دمیدن سپیده فزونی می یابد و یا به نقل از شاعر پایان شب سیه سپیدست .

دانشمندان یهود این نکته را به مردم یادآور می شدند که پیش از ظهور اشیح آشفته گی و فساد در جهان به حد بالایی خواهد رسید، که سختی های زندگی تقریباً غیرقابل تحمل خواهند شد که در این باره در تلمود آمده است،

۱- جولوس کرینستون، انتظار مسیحا در آیین یهود، ص ۶۰ تا ۶۲

۲- سید علی اکبر شفعی، بشارات صحف سماویه، ج ۳، ص ۷۵؛ محمد فقیه نیا، حضرت مهدی و

شارت های آسمانی، صص ۹۷ و ۹۸

در دوره ای که ماشیح فرزند داوود (ع) ظهور می کند هرج و مرج و فساد اخلاقی همه جا را فرا میگیرد که جوانان به پیران بی احترامی کرده و آن ها را خجالت خواهند داد و پسران در جلوی جوانان خواهند ایستاد، دختر با مادر خود و عروس با مادر شوهر مخالفت خواهد کرد به طوری که دیگر احترام بزرگ و کوچک در جامعه معنادار و روی مردم آن دوره از بی حیائی چون روی سگ خواهد بود و فرزند از پدر خود خجالت نخواهد کشید.

محل تحصیل و مطالعه اماکن به فساد مبدل می شود دانش دبیران فاسد خواهد گشت و کسانی که از خطا کردن بترسند منفور خواهند بود. و به صورت کلی آمده است که ماشیح فرزند داوود و فقط در دوره ای ظهور خواهد کرد که همه مردم آن یا معصوم باشند یا مجرم، چنان چه اشعیای نبی گفته است که قوم تو همگی عادل و نیکوکار خواهند بود و برای همیشه زمین را به میراث خواهند برد.^۱

در «سفر پیدایش لئخ لئا» (۵: ۱۷) کتابی دیگر از کتاب مقدس، آمده است: واقع شد که چون آفتاب غروب کرده بود و تاریک شد تنوری پر دود و چراغی مشتعل از میان آن پاره ها گذر نمود، که در تفسیر این آیه چنین آورده اند که مراد از غروب آفتاب غروب شمس حقیقت یعنی غیبت یگانه منجی بشریت است و تنور دود اشاره است به پر شدن دنیا در زمان غیبت آن

۱- جولیس کرینستون، انتظار مسیحا در آیین یهود، ص ۶۰ تا ۶۲؛ ابراهام کهن، گنجینه ای از تلمود،

حضرت از ظلمات ظلم و کفر و شرک مانند تنور پر از دود که با آن چه در اخبار متواتره اسلام وارد شده است مطابقت دارد.^۱

۵- روایات و نشانه های هفت سال قبل از ظهور

روایتی در تلمود یهودیان این چنین نقل می کند که در طی دوران هفت ساله ای که ماشیح فرزند داوود در آن ظهور خواهد کرد، در سال اول مفاد این آیه از عاموس پیامبر که گفته است بر یک شهر بارانیدم و بر شهر دیگر نبارانیدم (عاموس ۷:۴) به وقوع خواهد پیوست، و در سال دوم تیرهای قحطی رها خواهند شد، و در سال سوم قحطی شدیدی حکم فرما خواهد شد، مردم و زنان و کودکان و اشخاص متقی و پارسا می میرند و معلمان تورات، آن را فراموش خواهند کرد. در سال چهارم نعمت فراوان یافت می شود ولی نه به طور کامل، در سال پنجم فراوانی نعمت عظیم خواهد شد، به طوری که همه مردم خواهند مرد و خواهند نوشید و شاد خواهند بود و معلمان به سوی کتاب تورات باز خواهند گشت، در سال ششم، صداهایی از آسمان به گوش خواهد رسید و در سال هفتم جنگ هایی به وقوع خواهد پیوست و در پایان این دوران هفت ساله فرزند داوود (ع) ظهور خواهد کرد.^۲

۶- مبارزات متعدد یا جوج و مأجوج

از جمله علائم آخرالزمان بروز جنگ های سخت بین دولت ها و مردم و قوام مختلف خواهد بود که می توان زمان ظهور ماشیح را به واسطه این جنگ

۱- سید علی اکبر شفعی، بشارات صحف سماویه، ص ۶۷؛ محمد مهدی باباپور، اعتقاد به مهدویت در دیان الهی، ص ۱

۱- ابراهام کهن، گنجینه ای از تلمود، ص ۳۵۵

های سخت که با بروز ناراحتی های سیاسی رخ خواهد داد، تشخیص داد. هر موقع که دولت ها با هم به جنگ پرداختند می توان منتظر قدم ماشیح بود و در دوره ابراهیم نیز این چنین بود یعنی وقتی که دولت ها با هم به جنگ پرداختند برای ابراهیم نجات حاصل گردید، یکی از معروف ترین این جنگ ها در نظر یهودیان جنگ یاجوج و ماجوج نام دارد که از این جنگ در کتاب حزقیال نبی به گوگ و ماگوگ نام برده شده است.

در آیات دوم و سوم فصل سی و هشت آمده است: «(۲) که ای فرزند آدم روی خود را به گوگ و ماگوگ بسرور روش و مشیک و توبل گردانید. بر ضدش نبوت نما»^۱

و نیز در آیاتی از مزامیر داوود (ع) پیش بینی شده است که این جنگ با قدرتی عظیم علیه اسرائیل خواهد بود، از این رو حضرت داوود (ع) به حضور ذات قدوس متبارک چنین عرض کردند، برخیز ای خداوند، ای پروردگار دستت را بلند کن قدرتت را نشان بده، زیرا ما حامی و فرمانروایی جز تو نداریم که با وی مجادله و مبارزه کند.^۲

گفته می شود که یاجوج و ماجوج پس از ۱۲ ماه حمله بر اورشلیم شکست سختی را متحمل خواهند شد و در این جنگ مسیحا بن یوسف آن چهره مبهم «آگادا» ی تلمود کشته خواهد شد الیاس که نقش مهمی در عصر مسیحا خواهد داشت او را زنده خواهد کرد.^۳

۱- کتاب مقدس عهد عتیق، حزقیال نبی، (۲: ۳۸)، ص ۱۵۱۱

۲- ابراهام کهن، گنجینه ای از تلمود، ص ۳۵۵

۳- جولیس کرینستون، انتظار مسیحا در آیین یهود، ص ۲۰۱

الیاس یا الیاهو از پیامبرانی است که طی وقایعی به گونه ای معجزه آسا به آسمان می رود و از نظرها پنهان می گردد. در عهد عتیق بعد از ذکر صعود الیاس به آسمان دیگر اسمی از او نمی بینیم آخرین کتاب عهد عتیق یعنی کتاب ملاکی آخرین پیامبر یهود (ملاکی ۴: ۵-۶) تنها آیه عهد عتیق است که الیاهو را با ظهور منجی و آخرالزمان مرتبط می کند.^۱

حزقیال نبی در ادامه جنگ یاجوج و ماجوج خبر می دهد که وادی عابریم را برای دفن یاجوج و ماجوج اختصاص خواهد داد و مدت هفت ماه دفن اجسادشان طول خواهد کشید تا بدین سان روی زمین از مفسدان پاک گردد.^۲ در پایان این نکته قابل توجه است که هرچند جنگ همیشه در ذهن بشر امری ناخوشایند جلوه کرده است اما جنگ های یاجوج و ماجوج در واقع طلیعه صلح و سعادت است که ماشیح بر جهان حاکم می کند و از این جنبه خوشایند است که بعد از جنگی سخت، صلح و وحدتی همیشگی بر ملت ها حکم فرما شود و مردم در آسایش و آرامش زندگی میکنند.

۷- جنگهای مدرن و اتمی

«و صدمه که خداوند تمامی اقوامی که بر ضد اورشلیم جنگ می نمایند به آن خواهد زد این است که گوشت ایشان در حدقه گذاخته خواهد شد.»^۳ این ذوب شدن یا گذاخته شدن که حضرت زکریا (ع) گفته اند یا یک امر عنوی است و یا به وسیله جنگ اتمی و به کاربردن مواد شیمیایی است که

۱- حمید هادوی مقدم، آخرالزمان از دیدگاه یهودیت، ص ۱۹۹

۲- کامل سلیمان، روزگار رهایی، ترجمه علی اکبر مهدی پور، ج ۲، ج ۱۴، (تهران، مرکز پخش دفتر نشر فاق، ۱۳۸۱)، ص ۹۸۰

۳- کتاب مقدس عهد عتیق، زکریا، (۱۴: ۱۲)، ص ۱۶۵۱

نزدیک دو هزار سال پیش حضرت مسیح از آن خبر داده است و ۱۴ قرن پیش نیز پیامبر اسلام (ص) از آن سخن گفته است.^۱

۸- فرمان های دینی در تسریع ظهور

علمای یهود، جهت تسریع در ظهور ماشیح و نجات نهایی، فرمان های دینی مخصوصی را توصیه نموده اند که به برخی از آن ها اشاره می نماییم.

از جمله فرمان های دینی که با توجه به تعبیر کلام اشعیای نبی (۲۱: ۱۱ و ۱۲) بیان نموده اند، توبه می باشد توبه ساده ترین و بهترین روش برای آمدن ماشیح می باشد که عبارت است از پشیمانی ساده و خالصانه و تأثر به خاطر خلاف های گذشته و تصمیمی قاطع برای بهبود در رفتار آینده است.^۲

مطالعه در کتاب تورات و علوم دینی یکی دیگر از اعمال جهت تسریع در ظهور منجی است و جمله معروف یهودیان در تلمود این است که، مطالعه و فراگیری تورات و شریعت الهی، هم ارزش اجرای تمام فرایض دینی است. بنابراین اهمیت دادن به علوم الهی موجبات تسریع ظهور را فراهم می سازد. گفته شده است که دادن صدقه که ترحم انسان ها بر فقرا و مستمندان است باعث برانگیخته شدن ترحم آسمانی و در نتیجه آمدن ماشیح و فرا رسیدن ایام نجات را تسریع می کند.

فرمان بعدی، اتحاد و دوستی افراد جامعه است که حضرت یعقوب قبل از وفات به فرزندان خود سفارش نموده است، گرچه معلوم نیست که روز نهایی

۱- کامل سلیمان، روزگار رهایی، ص ۹۷۹

۲- ایمانوئل شوخط، ماشیح موعود یهود، ص ۲؛ عبدالوهاب محمد المسیری، موسوعه الیهود و الیهودیه و الصهیونیه، ص ۲۹۵

صاوت الهی چه موقع خواهد بود ولی من به شما می گویم که هرگاه گرد هم
 ده با هم متحکم و یک دل شوید نجات خواهید یافت.^۱

بیمای جهان پس از ظهور منجی

- اورشلیم و قوم بنی اسرائیل

با رجوع به آیات کتاب مقدس می بینیم که از جمله وقایع پس از ظهور
 ااره به وضعیت اورشلیم و قوم بنی اسرائیل است که در این قسمت به طور
 مختصر به آن می پردازیم.

ارمیا نبی در این زمینه گفته است: «در آن زمان شهر اورشلیم به محل
 طنت خداوند مشهور خواهد شد و تمام قومها در آنجا به حضور خداوند
 یاهند آمد و دیگر سرکشی نخواهند نمود و به دنبال خواستهای ناپاکشان
 واهند رفت.»^۲

خداوند از اورشلیم آب روان جاری خواهد ساخت، و هرکسی را که بیماری
 ته باشد به واسطه آن شفا خواهد داد، خداوند اورشلیم را با سنگ های
 بت کبود از نو بنا خواهد کرد و آن سنگ ها همچون خورشید نور خواهند
 و بت پرستان آمده و عزت و جلال اسرائیل را خواهند دید و ملت به سوی
 سنائی تو خواهند آمد.^۳

ایمانوئل شوخط، ماشیح موعود یهود، ص ۲

رجمه تفسیری کتاب مقدس ارمیا، (۳: ۱۷)، ص ۶۹۹

براهام کهن، گنجینه ای از تلمود، ص ۳۵۸؛ به نقل از کتاب مقدس عهد عتیق، خرقیال نبی (۴۷):

شعیاء (۵۴: ۱۱) ۱۵۸۹

یوئیل نبی هم در کتاب خود آورده است: «(۱۵) آفتاب و ماه تار می گردند و ستاره ها ضیای خود را باز پس می کشند(۶) و خداوند از صیون خروش خواهد نمود و آواز خود را از اورشلیم بلند خواهد کرد و آسمان ها و زمین مرتعش خواهند گردید اما خداوند از برای قوم خود ملجأ و برای بنی اسرائیل پناه خواهد بود.»^۱

اورشلیم در آن دوران مرکز توجه و فخر همه نسل ها خواهد گردید.^۲
«در آن هنگام اهالی یهودا و اسرائیل با هم از تبعید شمال باز گشته به سرزمینی خواهند آمد که من به اجدادشان به ارث دادم.»^۳
و در جایی دیگر خداوند به قوم خود وعده می دهد که «(۲) هر آن چه به تو گفته ام در طوماری بنویس (۳) چون زمانی فرا خواهد رسید که بر قوم خود اسرائیل و یهودا نظر لطف خواهم انداخت و ایشان را به این سرزمین که به پدرانشان داده ام باز خواهم آورد تا دوباره مالک آن شوند و در آن زندگی کنند.»^۴

صفنای نبی در آخرین مبحث کتاب خود پیشگویی می کند که خداوند مجدداً شکوه و قدرت بنی اسرائیل را نصیب این قوم خواهد ساخت در

۱- کتاب مقدس عهد عتیق، یوئیل نبی، (۱۳: ۱۵ و ۱۶)، ص

۲- حمید هادوی مقدم، آخرالزمان از دیدگاه یهودیت، ص ۲۰۸

۳- ترجمه تفسیری کتاب مقدس، ارمیا، (۳: ۱۸)، ص ۶۹۹

۴- پیشین، ص ۷۲۹

هنگامی که آنان را از دست دشمنان شان نجات دهد.^۱ و تنها مزیتی که دوران ماشیح خواهد داشت نجات ملت اسرائیل از ستمگران است.^۲

برخی از علماء یهود و مفسرین در تفسیر فرازی از آیات دانیال نبی نوشته اند که مراد از سنگ که صورت تمثال را شکست و مضمحل شد سلطنت ماشیح می باشد که قریب به قیامت در آخرالزمان خواهد بود و بنی اسرائیل را از این ذلت عظمی خلاص خواهد نمود و مردم را کنیز و غلام ایشان خواهد نمود و ایشان را مالک روی زمین خواهد کرد.^۳

«(۱) اینک بنده من او را تکیه می دهم و برگزیده من که جانم از او راضی است روح خود را بر او می افکنم تا از برای طوائف حکم را صادر سازد. (۶) من که خداوند ترا به صدق خواندم دست ترا گرفته ترا نگاه خواهم داشت و ترا به جای عهد قوم و نور طوائف خواهم داد.»^۴

در این آیات محوریت قوم بنی اسرائیل در برنامه نجات آخرالزمانی مفروض گشته است اما به امت های دیگر هم نظر دارد. و خلاصه سخن این که محور پیشگویی های آخرالزمان بر قوم بنی اسرائیل می چرخد و قوم بنی اسرائیل در آن زمان از جایگاه خاصی برخوردار است اما سخنان انبیاء خالی از جرقه های جهان شمولی نجات آخرالزمانی نیست و آن ها نیز از نجات و صلح و امنیت بهره مند خواهند شد.^۵

۱- پیشین، ص ۸۷۰

۲- ابراهام کهن، گنجینه ای از تلمود، ص ۳۶۱

۳- سید حسن میرجهانی طباطبائی، نواب الدهور فی علانم الظهور، ج ۴، ص ۱۸۰ تا ۲۰۰

۴- کتاب مقدس عهد عتیق، اشعیا، (۴۲: ۱ و ۶)، ص ۱۲۶۶

۵- حمید هادوی مقدم، آخرالزمان از دیدگاه یهودیت، صص ۲۰۸ و ۲۰۹

همانند پیشگوئی های صنفیا که از پیشگوئی های اشعیا هم جهان شمول ترند، از دید وی دوران ماشیح زمان اصلاح کل جهان است زیرا که در آن زمان زبان پاک به امتهای خواهم داد تا جمیع ایشان اسم یهوه را بخوانند و به یک دل اورا عبادت نمایند.

وی تصویر وحشتناکی را از روز خدا ترسیم می کند و می گوید: آن روز، روز غضب و روز ننگی و اضطراب است و در آن روز یهودا هلاک خواهد شد، زیرا او مجازاتی که خدا برای دشمنان خود آماده کرده، پروا ننمودند و از بلایی که بر سر امت های خطاکار فرود آمد، عبرت نگرفتند ولی در این میان درستکاران باقی خواهند ماند.^۱

ماشیح با ظهور خود عذاب قوم یهود را پایان می دهد و فرقه های پراکنده آن ها را جمع می کند و آن ها را به سرزمین صهیون برمی گرداند و دشمنان اجتماع اسرائیل را نابود می کنند و اورشلیم را پایتخت خود قرار می دهند و ساختمان هایکلی را اعاده می کنند و تمام مؤسسات یهودی قدیمی مثل سنهدرین را بازسازی می کنند و نهایتاً بهشت زمینی که هزار سال دوام دارد را ایجاد می نمایند.^۲

سلیمان هم گفته است که اورشلیم در زمان ماشیح از گناهانش پاک خواهد شد و پس از داوری قبائل بنی اسرائیل، آن سرزمین را میان آن ها تقسیم خواهد نمود بدون آن که به بیگانگان اجازه دهد که میان آن ها ساکن شوند.^۳

۱- جولوس کرینستون، انتظار مسیحا در آیین یهود، ص ۲۹ به نقل از کتاب مقدس عهد عتیق، صنفیا، (۳: ۹)، (۱: ۱۵)، (۲: ۱۰)، (۳: ۱۷)

۲- عبدالوهاب محمد المسیری، موسوعه الیهود و الیهودیه و الصهیونیه، ص ۲۹۴

۳- جولوس کرینستون، انتظار مسیحا در آیین یهود، ص ۴۸

به عقیده یهودیان بیش از همه ملت ها، ملت اسرائیل است که با ظهور ماشیح خوشبخت خواهد شد. ظلم و جوری که از جهانیان تحمل کرده است پایان خواهد یافت، و به مقام عالی که خداوند برایش مقدر کرده است خواهد رسید، دگرگونی بخت ملت اسرائیل از بدی به خوبی خواهد رسید و ترقی و سعادت ایشان به حدی قابل توجه و شگفت انگیز خواهد بود که بسیاری از غیر یهودیان کوشش خواهند کرد تا به جامعه ایشان پیوندند.^۱

۲- یهود و حکومت جهانی

یهودیان بر این عقیده اند که پس از ظهور منجی بشریت حکومت جهانی تشکیل خواهد شد که این حکومت دارای ویژگی های خاصی است و تفاوت هایی با جهان قبل از ظهور دارد، بنابراین به سراغ کتاب مقدس می رویم تا بینیم سیمای این حکومت جهانی پس از ظهور به چه شکل خواهد بود. در کتاب مزامیر داوود (ع) آمده است:

«(۸) از دریا تا به دریا از نهر تا به اقصای زمین سلطنت خواهد نمود (۹) بحرانشینان در حضورش خم خواهند شد و دشمنانش خاک را خواهند رسید (۱۰) ملوک ترشیش و جزیره ها هدیه ها را خواهند آورد و پادشاهان لبنا و سبا پیشکش ها تقریب خواهند نمود (۱۱) بلکه تمامی ملوک به او کرنش خواهند نمود و تمامی امم او را بندگی خواهند کرد.»^۲

- ابراهام کهن، گنجینه ای از تلمود، ص ۳۵۹

- کتاب مقدس عهد عتیق، فرامیر داود، (۷۲: ۸ تا ۱۱)، ص ۱۰۶۰؛ تهیلیم، (فرامیر حضرت داود)، ص

در این آیات حکومت آن منجی بشریت عمومی و جهانی خوانده شده است و سراسر کره زمین را قلمرو و دولت حقه وی خوانده است.^۱ حکمی نبی هم در این زمینه گفته است:

«(۶) زیرا خداوند لشکرها چنین می فرماید که هنوز وقت خیلی است که من آسمان ها و زمین و بحر و خشکی را به هیجان می آورم (۷) بلکه تمامی طوائف را به هیجان می آورم و مرغوب تمامی طوائف خواهد آمد و خداوند لشکرها می فرماید که این خانه را مملو از جلال خواهم کرد.»^۲

ایشان بشارت داده است به ظهور پرچم داری بی سابقه ای که تمامی ملل جهان را به هیجان می آورد و مرغوب و مورد انتظار جهانیان می باشد و گفت است که وی خانه خدا را پر از جلال می کند و آئین خدا را در سراسر جهان منتشر می سازد. که نویسنده بشارات عهدین وی را به حضرت محمد بن الحسن العسکری (ص) نسبت داده است.^۳

۳- برپایی عدل و عدالت

در کتاب مقدس به برپایی عدالت جهانی در سایه حکومت جهانی و برچیده شدن ظلم و فساد در جهان به طور مکرر و با لحن های گوناگون توسط انبیا بیان شده است که به عنوان شاهد به برخی از این آیات می پردازیم.

۱- محمد صادقی، بشارات عهدین، ص ۲۵۱

۲- کتاب مقدس عهد عتیق، حکمی، (۲: ۷۶)، ص ۱۶۳۲

۳- محمد صادقی، بشارات عهدین، ص ۲۳۹

«(۴) بلکه ذلیلان را به عدالت حکم و برای مسکینان زمین به راستی تنبیه خواهد نمود و زمین را به عصای دهانش زده به روح لبهایش شریر را خواهد کشت

(۵) و گریه با بره سکونت داشته ببر با بزغاله و هم گوساله و پرواریها با شیر جوان هم خوابه خواهند شد و طفل کوچک راهی ایشان خواهد بود
(۷) او گاو با فرس خواهد چرید و بیچه گان آن ها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو و گاه بن را خواهد خورد

(۸) و شیر خواره به سوراخ صاغر مار بازی خواهد کرد و کودک از شیر بازداشته شده دست خود را به مغازه افعی دراز خواهد نمود

(۹) در آن روز واقع می شود که ریشه سیمی به جای علم قومها خواهد ایستاد و طوائف آن را تجسس خواهند نمود و آرامگاهش با جاه خواهد بود.^۱
در این پیشگویی که توسط اشعیا نبی بیان شده است آمده است که سیمای آرامش آفرین و تسلی بخش قوم یهود حکومت آرمانی عادلانه ای را برخواهد کرد که به نور عدالت منور خواهد شد.^۲ و محور دوره آینده شخص مسیحا همان نهال یستی است که پس از گسترش دین بنی اسرائیل در سراسر گیتی همچون پرچم قوم ها برپا خواهد شد. و امت ها آن را خواهند طلبید.^۳ وی بسط عدالت شخص مورد بشارات را به اندازه ای قوی و وسیع معرفی کرده است که در پرتو آن عدالت جهانی جانوران و درندگان هم با همدیگر صلح

۱- کتاب مقدس عهد عتیق، اشعیا، (۱۱: ۹ تا ۴)، ص ۱۲۲۰ و اشعیا، (۱۷: ۶ الی ۸)، ص ۱۲۲۸

۲- محمد تقی راشد محصل، نجات بخشی در ادیان، (بی جا، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۹)، ص ۱۲۹

۳- جولیس کریستون، انتظار مسیحا در آیین یهود، ص ۲۶

خواهند کرد و خوی درندگی خون خواری خود را از دست می دهند که این نوع عدالت نه تنها در زمان نبوت داوود و سلیمان و عیسی پیدا نشده است بلکه از آغاز بعثت پیامبر اکرم (ص) تاکنون نیز به مرحله ظهور نرسیده است و پرچمدار عدل عمومی همان منجی و موعود کل ملل خواهد بود که بشریت را به بالاترین مدارج کمال و انسانیت می رساند.^۱

از این عدالت جهانی که توسط یگانه منجی بشریت پس از ظهور به تصویر کشیده خواهد شد حضرت داوود (ع) هم سخن گفته است چنان چه در فرموده او آمده است که خداوند نمونه عدالت خویش را به او عنایت خواهد کرد و ایشان در میان بندگان خدا به عدالت داوری خواهد نمود و دیگر ظلم و فساد در جهان نخواهد بود و بین تمام مردم به تساوی حکم می شود و به یاری فقرا و مسکینان می شتابند که برخی از دانشمندان این بشارت را در حق حضرت ولیعصر حجه بن الحسن العسکری (ع) دانسته اند.^۲

ملاکی نبی که حدود صد سال پس از زکریا می زیسته است پس از این که از کاهنان می خواهد تا وظایف خود را در قبال خانه خدا با صداقت و جدیت انجام دهند، از آمدن مسیح موعود خبر می دهد و به مردم یادآور می شود که خداوند به فکر آنان هست و وعده موعود را این گونه بیان می کند برای شما که ترس مرا به دل دارید، آفتاب عدالت با پرتو شفابخش خود طلوع خواهد

۱- سید علی اکبر شفعی، بشارات صحف سماویه، ج ۳، ص ۱۱۵؛ محمد صادقی، بشارات عهدین، ص ۲۵۲ تا ۲۵۴

۲- کتاب مقدس عهد عتیق، فرامیر داود، (۷۲: ۱ تا ۳)، ص ۱۰۶۰؛ محمد صادق فخرالاسلام، انیس الاعلام فی نصره الاسلام، ج ۷، ص ۳۹۱ تا ۳۹۸؛ محمد فقیه نیا، حضرت مهدی و بشارتهای آسمانی، ص

کرد و شما شاد و سبک بال مثل گوساله هایی که به چراگاه می روند جست و خیز خواهید نمود.^۱

۴- تحول علمی همراه با معرفت خداوند

در عهد با سعادت آن منجی آسمانی چنان تحول عظیم علمی و فرهنگی به وجود می آید که همه مردم به خدای یگانه ایمان می آورند و درهای تمام علوم به روی انسان ها گشوده می شود سطح معلومات بشری بسیار بالا می رود و راهی که بشریت در طول تاریخ در هزاران سال پیش به دنبال آن بوده، در زمان کوتاهی می پیماید عقل ها کامل و اندیشه ها شکوفا می گردد، و کوتاه بینی ها و تنگ نظری ها از بین می رود، و انسان ها به کمال و بلوغ عقلی و اخلاقی و انسانی می رسند و به تمام ناکامی ها، شکست ها، ستم ها، نادانی ها و بدبختی ها پایان می دهند، و زندگی شرافتمندانه تازه ای را آغاز می نمایند.^۲

همان طور که اشعیاء نبی فرمود، جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود مثل آب هایی که دریا را می پوشاند زبان ها گشوده و گویا، چشم ها بینا، پای ها دوان خواهد شد بندگان همه یک دل و یک جهت در راه معرفت خداوند و شناخت نعمت های او گام برخواهند داشت و بالاخره در آن زمان مردم با زبان پاک و قلب روشن خدا را خواهند ستود ستایشی واحد و یگانه خواهند داشت.^۳

۱- ترجمه تفسیری کتاب مقدس، ملاکی، ص ۸۸۷

۲- ---، عقیده به ظهور حضرت مهدی از نظر اقوام و ادیان، [مقاله]، ص ۱۵

۳- محمد تقی راشد محصل، نجات بخشی در ادیان، ص ۱۲۹ و ۱۳۰

«(۲۲) ای همگی کرآن های زمین به من بنگرید و نجات یابید، زیرا که خدا منم و غیر من نیست»

(۲۳) با خودم سوگند خوردم کلام از دهانم به حق بیرون آمده است و بر نمی گردد که هر زانو به من خم شده هر زبان با من سوگند خواهد خورد
(۲۴) و خواهد گفت: به درستی که از برای من عدالت و قوت از جانب خداوند است نزد وی خواهند آمد و تمامی کسانی که از او غضبناک اند شرمنده خواهند شد.^۱

در این آیات پس از بشارت به منجی آورده است که تمام اهل عالم به خدای متعال روی نیاز آورده و کل بنی آدم برای قرب به حضرت ذوالجلال نماز می گذارند، آئین زشت بت پرستی و کفر و شرک از صفحه عالم برمی اندازند و اطراف جهان از توحید و عبودیت به خدای متعال پر می شود.^۲

وی اشعه فروزان علم آن بزرگ منجی بشریت را شامل عموم جهانیان گرفته است و بیان کرده است که زمین از خداشناسی و علم و دانش همچون آب دریا که موجودات دریایی را احاطه کرده همه مردم را فرا می گیرد و بشریت در اقیانوس مواج علم آن حضرت غوطه ور خواهد شد که چنان موقعیتی را تاریخ در هیچ عصری نشان نمی دهد.^۳

ذات مقدس خدای متعال فرموده است که در این جهان، بندگان من به واسطه انگیزه بد و شرارت هایشان با یکدیگر اختلاف پیدا کرده اند و به هفتاد ملت تقسیم شدند اما در زمان ظهور ماشیح همگی همدوش و متحد خواهند

۱- کتاب مقدس عهد عتیق، اشعیا، (۴۵: ۲۲ تا ۲۴)، ص ۱۲۷۴

۲- سید علی اکبر شفعی، بشارات صحف سماویه، ص ۱۲۰

۳- محمد صادقی، بشارات عهدین، ص ۲۵۴ و ۲۵۵

شد تا نام مرا بخوانند و مرا پرستش کنند زیرا که در آن زمان به ملت ها زبان پاک و روشنی خواهم داد تا جمیع ایشان اسم خدا را بخوانند، و یک دل و یک دوش او را عبادت نمایند.^۱

۵- صلح و امنیت

در کتب مقدسه آسمانی از آسایش و امنیتی سخن به میان آمده است که این امنیت شامل حال حیوانات هم می شود^۲، در صورتی که تاکنون زمانی نیامده است که در یک مزرعه گاو و میش با هم و شیر و گاو و پلنگ چون حیوانات اهلی باهم زندگی کنند و این زمان فقط مخصوص زمان یک مصلح حقیقی عالم انسانیت است^۳ که با ظهور خود و تشکیل حکومت عادلانه امنیت و آسایش را برای همگان به ارمغان آورد و در سراسر جهان صلح را برپا کند.

«(۱۵) تا زمانی که روح از بالا بر ما ریخته شود و بیابان مبدل به مزرعه بارور

گردد و مزرعه بارور هم به جنگل محسوب شود

(۱۶) آن وقت حکم به بیابان ساکن و عدالت در مزرعه بارور متمکن گردیده

(۱۷) ثمر صداقت سلامتی و نتیجه عدالت ابداً امنیت و اطمینان خواهد بود

(۱۸) و قوم من در مکان سالم و مسکن های مطمئن و به منزل های آرام

ساکن خواهند شد.^۴»

۱- ابراهام کهن، گنجینه ای از تلمود، ص ۳۵۹

۲- حمید هادوی مقدم، آخرالزمان از دیدگاه یهودیت، ص ۲۰۷

۳- سید علی اکبر شفعی، بشارتهای صحف سماویه، ج ۳، صص ۱۲۲ و ۱۲۳

۴- کتاب مقدس عهد عتیق، اشعیا (۳۲: ۱۵-۱۸)، ص ۱۲۵۰

این آیات بیان می نماید که در آخرالزمان برای قوم بنی اسرائیل امنیت و آرامش خواهد بود.^۱ و صلح جاویدان در سراسر طبیعت حکم فرما خواهد شد. و خداوند تمامی حیوانات و خزندگان را فرا خوانده و با آن ها و با تمام اسرائیل عهد خواهد بست^۲ چنان که گفته شده است: «و تاکنون هایش و درختان انجیرش را که درباره آن ها گفته بود که اینها بخششهایم میباشند که عاشقانم به من داده اند ویران خواهم کرد و آن ها را مبدل به جنگل خواهم ساخت که حیوانات صحرا آن ها را خواهند خورد.»^۳

گریه و شیون و زاری در جهان نخواهد بود و آواز گریه و فغان صدای ناله و فریاد دیگر در آن شنیده نخواهد شد بلکه همه شادمان و خوشحال خواهند بود.^۴

جهان پس از ظهور جهانی است با قانون های جدید و دنیایی که در آن آسایش همگان فراهم شده و نیروی رشد و بالندگی جامعه به اوج خویش رسیده است زمین پر از گنجینه های گرانبهاست و بیشه هایش از حیوانات وحشی تهی است. جنگ و خونریزی از جهان رخت برخواهد بست و قومی بر قوم دیگر تیغ نخواهد کشید و این همان دنیای مطلوب همگان است دنیایی بی اندوه و دور از درد و مردمانی با لبخند امید، بر لب.^۵

۱- حمیدهادوی مقدم، آخرالزمان از دیدگاه یهودیت، صص ۲۰۷ و ۲۰۸

۲- ابراهام کهن، گنجینه ای از تلمود، ص ۳۵۹

۳- کتاب مقدس عهد عتیق، هوشع، (۲: ۲۰۲۰)، ص ۱۵۷۰

۴- ابراهام کهن، گنجینه ای از تلمود، ص ۳۵۹

۵- محمد تقی راشد محصل، نجات بخشی در ادیان، ص ۱۲۸ تا ۱۲۹

۶- خداوند وارث زمین

ماشیح با ظهور خود به یاری فقرا و مسکینان می شتابد و با مردم به عدالت رفتار می کند^۱ «او به شما مراتع سرسبز برای چریدن گله هایتان خواهد داد و خود نیز غذای کافی خواهید داشت که بخورید و سیر شوید.»^۲ زراعات در آن زمان فراوان است و در همه جا کاشته می شود و محصولات فراوانی خواهد داد.^۳

حضرت داوود (ع) در جایی دیگر از کتاب خود اشاره به از بین رفتن فقر نموده است چنان که گفته است:

«(۹) زیرا که شریران منقطع می شوند اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد

(۱۰) و حال اندک است که شریر نیست می شود که هر چند مکانش را استفسار نمائی ناپیدا خواهد بود

(۱۱) اما متواضعان وارث زمین شده از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد .

(۱۸) خداوند روزهای صالحانرا میداند و میراث ایشان ابدی خواهد شد

(۱۹) در زمان بلا خجل نخواهند شد و در ایام قحطی سیر خواهند بود.»^۴

مشخص می شود که در آن زمان صالحان وارث زمین خواهند شد و فقر از بین خواهد رفت و مردم را به صبر و انتظار فرج دعوت می کنند.^۱

۱- محمد فقیه نیا، حضرت مهدی در بشارتهای آسمانی، ص ۶۶

۲- ابراهام کهن، گنجینه ای از تلمود، ص ۳۶۱؛ ترجمه تفسیری کتاب مقدس، سفر تثنیه، (۱۱:۱۵)، ص ۱۸۴

۳- محمد فقیه نیا، حضرت مهدی در بشارتهای آسمانی، ص ۶۶

۴- کتاب مقدس عهد عتیق، فرامیر داود، (۳۷: ۹ تا ۳۸)، ص ۱۰۳۰

۷- عدل در قضاوت

در آیات متعددی از کتب آسمانی از نوع قضاوت و داوری منجی بشریت در جهان آینده سخن به میان آمده است که برخی از انبیاء قضاوت او را همانند قضاوت حضرت داوود (ع) دانسته اند و برخی اشاره به علم و قدرت او کرده اند. حکم احکام او را به علم او نسبت داده اند چنان چه گفته اند:

«(۲) و روح خداوند که روح حکمت و فطانت و روح مشورت و جبروت و روح علم و خشیت از خداوند است بر آن خواهد آرامید

(۳) و او را در خشیت خداوند تیزهوش گردانیده موافق منظور نظرش حکم و مطابق مسموع گوشهایش تنبیه نخواهد فرمود.»^۲

در این آیات پس از اشاره به حکومت آن منجی مشخص نموده است که حکم او نیازی به دیدن و شنیدن و گواه ندارد بلکه مطابق علم و واقع حکم خواهد کرد،^۳ هم چنین احکام او بر اساس هوای نفس با حرف دیگران نمی باشد و عادلانه حکم می کند، اشرار و ابلیس را از بین می برد و از بدیها اثری نمی ماند.^۴

۸- رجعت در آیین یهود

یهودیان بر این عقیده نیز هستند که در زمان ظهور ماشیح رجعت صورت می گیرد و چنان که دانیال پیامبر گفته است:

۱- محمد فقیه نیا، حضرت مهدی و بشارتهای آسمانی، ص ۷۴

۲- کتاب مقدس عهد عتیق، اشعیا، (۱۱: ۳و۲)، ص ۱۲۲۰

۳- محمد صادقی، بشارات عهدین، ص ۲۵۵؛ سید علی اکبر شفعی، بشارتهای صحف سماویه، ص ۱۱۷

۴- محمد فقیه نیا، حضرت مهدی و بشارتهای آسمانی، ص ۸۱

«(۲) در دولت با سعادت وی گروهی زنده می گردند، برخی برای تکمیل ایمان و بعضی به منظور تهیم شقاوت و بی ایمانی و از خوابنده گان در خاک زمین بسیاری بیدار خواهند شد بعضی جهت حیات ابدی و بعضی از برای نرمساری و حقارت ابدی.»^۱

در پایان به دانیال بشارت داده که وی نیز در آن عصر درخشان رجعت خواهی کرد و بر منصب خود خواهد ایستاد و انکار و تردید در وجود و غیبت قیام، آن حضرت را مولود شرارت و جهالت گروهی از نادانان دانسته و فهم ایمان به آن را مخصوص دانشمندان و اهل ایمان معرفی کرده است^۲ و زنده بدن برخی از مؤمنین برای خدمت به منجی و به سعادت رسیدن ابدی و رسیدن به حقارت و نرمساری ابدی برخی دیگر، از این آیات مشخص می شود.^۳

ملاکی نبی هم اشاره ای به رجعت داشته و گفته است: اینک من ایلای نبی قبل از رسیدن روز عظیم خداوند نزد شما خواهم فرستاد و دل پسران را به وی پدران خواهد برگردانید مبادا بیایم و زمین را به لعنت بزنم. که محل اهد در این آیات خبر دادن از پیامبر و آمدن ایام بزرگ خداست که مراد روز م قائم و روز رجعت آل محمد (ص) می باشد.^۴

کتاب مقدس عهد عتیق، دانیال نبی، (۱۲:۲)، ص ۱۵۶۷

محمد صادقی، بشارات عهدین، ص ۲۷۱

محمد فقیه نیا، حضرت مهدی و بشارتهای آسمانی، ص ۹۸

سید حسن میرجهانی طباطبائی، نواب الدهور فی علائم الظهور، ج ۴، ص ۲۹۰

۹- اصحاب خاص منجی

در کتاب مقدس آسمانی اشاره به اصحاب خاص منجی نموده است که با ظهور ایشان صدیقان شکوفه کنند و در اجتماع بزرگ جهانی مردانی پاک سیرت و راست گفتار و درست کردار نمایان شود و سعادت و سلامت که مولود تسلط آن منجی و آن دولت با سعادت است تا انقراض جهان پایدار خواهد بود.^۱

۱۰- ظهور از مکه معظمه و پیروی مردم از منجی

«خداوند از تیمان و قدوس از کوه پاران آمد، سلاه، جلالش آسمان ها را مستور کرد و زمین از حمدش پر شد.»^۲

تیمان به معنای جنوب است بنابراین ظهور رحمت الهیه از جهت جنوب می باشد که مراد از جنوب مکه معظمه است که از جنوب بیت المقدس که محل وحی حقیق نبی بوده واقع است و کوه پاران هم به اتفاق جمهور مفسرین یهود مکه معظمه می باشد. چنان چه در پاداش هم اشاره به زمزم و مسکن حضرت اسماعیل (ع) شده است البته این قسمت از آیه را می توان خبر از ظهور خاتم الانبیاء (ص) دانست و بنابراین این آیه به وقوع پیوسته است اما قسمت آخر آیه را که می گوید ستایش او زمین را پر می کند مخصوص ظهور منجی آخرالزمان است زیرا که تا به امروز واقع نشده است.^۳

-۱

-۲ کتاب مقدس عهد عتیق، حقیق نبی، (۳:۳)، ص ۱۶۲۴

-۳ سید علی اکبر شفعی، بشارتهای صحف سماویه، ج ۳، ص ۱۰۵

۱- تفسیر ابن میمون از جهان پس از ظهور

عصر مسیحا روزگاری است که بنی اسرائیل در آن حاکمیت خود را دوباره دست خواهند آورد و تحت رهبری مسیحا به فلسطین باز خواهند گشت. مسیحا پادشاه بزرگی خواهد بود که نامش زبان زد امت‌ها می‌شود و بی‌شک سلیمان شهرت خواهد یافت تمام امت‌هایی که مسخر او شوند به او احترام خواهند گذاشت و در آرامش خواهند زیست با این حال در روند طبیعت هیچ بیبری رخ نخواهد داد. گرچه در آن دوران تحصیل معاش آسان تر خواهد بود و مانند این زمان فقیر و غنی، ضعیف و قوی وجود خواهد داشت تمام بده‌های ربانیون پیرامون لباس‌های دوخته و نان‌های پخته‌ای که زمین لید خواهد کرد. تعبیرهای کاملاً مجازی هستند که بر آسان شدن تحصیلش در حکومت مسیحا دلالت دارند و علم و حکمت و حقیقت از ویژگی‌های آن دوران شکوهمند است.^۱

۱- آفرینش نوین جهان

یکی دیگر از تفاوت‌هایی که جهان آینده با جهان کنونی دارد این است که دولت با عظمت منجی تنگی‌ها و تقیه‌ها برطرف می‌شود در اظهار حق و به قانون خدا هیچ‌گونه خوف و هراس برای اهل ایمان باقی نمی‌ماند و ای جهان یگانه مرجع و ملجأ عالمیان می‌گردد. و هرچه بخواهند از او بامی‌کنند و سوگند به ذات مقدس او می‌خورند بدون آن که از خداوند بی‌طلب‌کنند. برکات الهی بر آنان ریزش می‌کند، عمر مردم به قدری دراز که خانه‌ها و درخت‌های دست‌نشانده آنان برای بازماندگانشان به میراث

۱. جولیس کریستون، انتظار مسیحا در آیین یهود، صص ۹۶ و ۹۷

نرسد بلکه به اندازه عمر خانه ها و درختان زندگی کنند، در آن زمان مرگ ناگهانی از کودکان و جوانان برطرف و مردم پس از پایان عمر طبیعی از دنیا بروند. ۱

چنان که اشعیا نبی گفته است:

«(۱۶) آن که خویشتن را در روی زمین دعای خیر می نماید به خدای حقیقی دعای خیر خواهد نمود و کسی که سوگند در زمین می خورد به خدای حق سوگند خواهد خورد زیرا تنگی های اولین فراموش شده از نظر مستور خواهند گردید، ...»

(۲۰) بعد از این دیگر کودک کم روزی و پیری که روزهایش را به اتمام نرسانده است نخواهد بود زیرا که کودک این صد ساله وفات نموده و به گناه کار صدساله لعنت کرده خواهد شد (۲۱) و در خان هایی که بنا کرده اند در آن ها ساکن و اثمار باغاتی که غرس کرده اند خواهند خورد.» ۲

در مجموع می توان نتیجه گرفت که دین یهود به عنوان یکی از ادیان بزرگ آسمانی از روزهای آغازین وحی، در آن سخن از نجات بشر و ظهور منجی در پایان تاریخ بشر شده است. معمولاً انبیاء آن زمان ها به هنگام سختی ها و تأملات در قوم، به مردم بشارت به ظهور منجی آخرالزمان می داده اند و به این ترتیب امید به زندگی و نشاط را در آن ها زنده می کردند و از نکته های قابل توجه این است که نه تنها بشارت به ظهور منجی شده است، بلکه به ویژگی های مختلف این ظهور در قبل و پس از ظهور پرداخته اند، که در موارد

۱- محمد صادقی، بشارات عهدین، صص ۲۵۶ و ۲۵۸

۲- کتاب مقدس عهد عتیق، اشعیا، (۶۵: ۱۶-۲۱)، صص ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳

متعددی این ویژگی‌ها شباهت‌هایی با ادیان دیگر از جمله اسلام دارد و به ظلم و فساد و تنگی و عسرت و وقوع جنگ‌ها، قبل از ظهور و تشکیل حکومت جهانی و برچیده شدن ظلم و برپایی عدالت و اقتصاد و صلح و امنیت جهانی، پس از آن پرداخته‌اند و در زمینه محاسبه ظهور هم حساسیت نشان داده‌اند.



فصل سوم:

سیمای منجی در مسیحیت

اندیشه نجات بخشی در مسیحیت

۱- بازگشت مجدد مسیح

در کتب اناجیل مختلف مسیحیان، به طور مکرر بشارت به ظهور منجی آخرالزمان، شده است که این نجات دهنده را بازگشت مجدد مسیح معرفی نموده اند، در این فصل سعی بر آن شده است که از منظر کتاب مقدس، مفسران و اندیشمندان دین مسیح به عقاید مسیح در زمینه نجات بخشی بپردازیم.

از بازگشت مجدد مسیح در کتاب مقدس عهد جدید به وفور سخن به میان آمده است، چنان چه حضرت عیسی (ع) خود شخصاً اعلام کرده است که به طور ناگهانی و همراه با فرشتگان و با پیروزی خواهد آمد، و یا رسولان در این زمینه شهادت داده اند که مسیح شخصاً و جسماً و به طور علنی و ناگهانی رجعت خواهد کرد.^۱

در جای دیگر آمده است که اگر رفته و از برای شما مکانی حاضر کنم، باز می آیم و شما را برداشته با خود می برم تا جایی که من می باشم شما نیز باشید.

۱- هنری متیسن، الهیات مسیحی، ترجمه ط. میکائیلیان، (بی جا، انتشارات حیات ابدی، بی تا)، ص ۳۱۰ به نقل از انجیل یوحنا، قهی، لوقا و مکاشفه

این آیه دو مرحله ای بودن ظهور مسیح را نشان می دهد که در مرحله اول خاصان را همراه خود برده است و در مرحله دوم به همراه خاصان برای حکومت کردن می آید.^۱

به دلیل این که ایشان یک بار قربانی شده است تا گناهان بسیاری را دفع کند، بار دیگر، بدون گناه برای کسانی که منتظر او هستند ظاهر خواهد شد تا همه عالم را نجات دهد.^۲

در انجیل لوقا هم آمده است: «و آن وقت خواهند دید فرزند انسان را که برابر نشسته با قوت و جلال عظیم می آید.»^۳

این فراز از انجیل لوقا هم به برانگیخته شدن دوباره مسیح اشاره دارد که درباره ی این موضوع افکار و آراء مختلفی است که چه موقع حاصل می شود و در چه قالب و شکلی می باشد.^۴

در تفسیر انجیل متی (۲۴: ۲۷) هم آمده است که این گونه بازگشت مجدد مسیح را در اینجا متذکر شده است.^۵

«زیرا که چون برق که از مشرق بیرون می آید و تا مغرب ظاهر گردد آمدن فرزندانسان نیز چنین خواهد بود»^۱

-
- ۱- دائرة المعارف کتاب مقدس، ترجمه بهرام محمدیان، (تهران، انتشارات سرخدار، ۱۳۸۱)، ص ۵۲۰
 - ۲- حسین علی سعدی، نجات شناختی تطبیقی، ص ۸۴، به نقل از انجیل یوحنا (۴:۴۲)؛ کتاب مقدس عهد جدید، ترجمه هنری قرین، (تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۹)، رساله عبرانیان، (۹:۲۸)، ص ۴۵۸
 - ۳- کتاب مقدس عهد جدید، ترجمه هنری مرکن، انجیل یوحنا، (۲۱:۲۷)، ص ۱۷۶
 - ۴- ولیم بارکلی، التفسیر العهد الجديد، انجیل یوقا، ج ۲، (القاهره، دارالثقافه المیحیر، ص ب، ۱۳۰۴)، ص ۳۸۰
 - ۵- گروه نویسندگان، التفسیر الحديث الكتاب المقدس العهد انجیل متی (القاهره، دارالثقافه، ص ب، ۱۲۹۸)، ص ۳۸۰

«برتراند راسل» نیز معتقد است تعلیمات عیسی حاکی از ظهور قریب الوقوع او در آخرالزمان می باشد که وی به زودی در ابرها با جلال و شکوه ظاهر خواهد شد این نظریه در بسیاری از گفته های انجیل مستقیم و غیر مستقیم تکرار شده است. و دستورات عیسی، به خصوص توصیه «نگران فردا می باشید»، از این برداشت ریشه می گیرد که عیسی به زودی باز خواهد گشت مؤمنین به عیسی نیز چنین می اندیشیدند و حتی امروز هم مسیحیانی هستند که چنین فکر می کنند.^۲

کیفیت بازگشت مجدد مسیح به این صورت است که همه مؤمنان و غیر مؤمنان ایشان را می بینند، چون آشکار و علنی خواهد آمد و همچنین در عظمت و مجد خواهد آمد و بر خلاف آمدن اول خود که در تواضع و ضعف بود، آمدن دوم او در قوت و بزرگی خواهد بود، آمدن او ناگهانی و در وقتی است که هیچ کس انتظار آن را ندارد و هشدارهای مستقیم و خاصی قبل از آن وجود ندارد. با این وجود علائمی مشخص و به صورت کاملاً واضح اتفاق خواهد افتاد که خبر آن ها پیشاپیش به ما رسیده است که به آن اشاره خواهد شد و ماهیت ظهور او را شخصی و قابل رؤیت بیان کرده اند با این که اغلب الفاظی که برای اوصاف این ظهور به کار گرفته شده الفاظی مجازی هستند ولی واضح است که کلمه آمدن به معنای ظهور مسیح در دومین بار به صورت جسمی است.^۳

- کتاب مقدس عهد جدید، انجیل متی، (۲۴:۲۷)، ص ۵۷

- جلال الدین آشتیانی، تحقیقی در دین مسیح، (بی جا، انتشارات نشر نگارش، ۱۳۶۸)، ص ۳۱۰

- دائرة المعارف الکتابیه، مجلس التحریر، ج ۲، (القاهره، دارالثقافه، بی تا)، صص ۵۹۶ و ۵۹۸ به نقل از جیل مرقس، متی و رساله عبرانیان.

۲- روح القدس

در دین مسیح شخصی نجات دهنده به سه گونه نمودار گشته است که یکی از آن ها همان اندیشه منجی یهودیت است که در آن عیسای ناصری نقش مسیح نجات بخش را ایفا می کند و چهره دیگر، رجعت عیسی به مثابه «داور جهان» در آخرالزمان می باشد و در چهره سوم سخن از شخصی دیگری است که خود عیسی مسیح وعده آمدنش را می دهد نه شخصی که امت موسی انتظارش را می کشیدند. برخی از مسیحیان وی را همان روح القدس می دانند و بر این اساس مسیحیت در بر دارنده سه نوع اندیشه منجی باوری است که آنچه اهمیت دارد این است که به هر حال مسیحیت در انتظار منجی آخرالزمان به سر می برد.^۱

که در این زمینه به شواهدی از عهد جدید می پردازیم.

در کتاب مکاشفات یوحنا آمده است:

«(۱) و علامتی عظیم در آسمان سر زد که زنی پوشیده بود خورشید را و ماه

در زیر پایش بود و بر سرش تاجی بود از دوازده ستاره ...

(۳) و علامتی دیگر در آسمان پدید آمد که ناگاه ازدهای بزرگ آتشی که

هفت سر و ده شاخ داشت و بر سرهای او هفت افسر می

(۴) و دمش ثلث کواکب آسمان را جاروب نموده بر زمین ریخت و آن ازدها

نزد آن زن که در زادن بود ایستاده که چون زاید، بچه اش را فرو

۱- علی موحدیان عطار، گونه شناسی اندیشه موعود در ادیان مختلف، ج ۱۳، صص ۱۱۱ و ۱۱۲

(۵) و زائید بچه ذکوری را که بعصای آهنین بر همه طوائف حکم خواهد ر بوده بنزد خدا و تختش رسانیدند...»^۱

در مورد آیات فوق مفسرین انجیل گفته اند، شخص مورد بشارت در این آیات تا کنون قدم به عرصه ی وجود ننهاده و تفسیر روشن و معنی واضح آن ها نیز موکول به زمان آینده و نامعینی است. که وی ظاهر گردد و از لحاظ آنکه بشارت فوق را به هیچ وجه با حضرت مسیح (ع) منطبق ندانستند آن را موکول به آینده کرده اند.^۲

در جای دیگر حضرت عیسی (ع) از آمدن خود خبر نمی دهد بلکه از مسیح (ع) مسح شده خبر می دهد (انجیل متی ۲۴: ۲۳ تا ۴۴) که در آیات (۲۳ تا ۲۹) تأکید می کند که مبادا بشریت یگانه منجی و رهاننده خود را با مدعیان دروغ گو اشتباه کند و این مدعیان را به جای آن موعود جهانی بپذیرد و خاطر نشان ساخته است که آن بزرگ منجی بشریت همچون خورشید آسمان روشن است و قابل تردید نیست و این شخص که مسیح (ع) از آمدن آن خبر دهد و در آیه (۲۷) به نام فرزند انسان از آن یاد شده است که از دید اندیشمندان اسلامی مراد، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که بزرگ ترین نمونه و جرسومه انسانیت می باشد که تمامی امم نزدش گرد می آیند و زمام امور اجتماع را در کف کفایت خود می گیرد^۳ از جمله آیات دیگری که بشارت دهنده خود متی می باشد آیات انجیل مستی (۱: ۲۶) است

۱- کتاب مقدس عهد جدید، مکاشفات یوحنا، (۱: ۱۲-۱۷)، ص ۵۱۶

۲- محمد صادقی، بشارت عهدین، صص ۲۶۳ و ۲۶۴

۳- سید علی اکبر شفعی، بشارت صحف سماویه، ج ۴، ص ۱-۵

«(۱) چون عیسی مجموع این سخنان را بانجام رسانید پس شاگردان خویش را فرمود

(۲) آگاه اید که بعد از دو روز عید فصح است و فرزند انسان بجهه مصلوب گشتن تسلیم خواهد گشت.»^۱

که در این آیات مسیح به آمدن شخصی بشارت می دهد که در آینده ملل عالم نزد او گرد آیند بنابراین به نظر می رسد برخلاف آنچه گروهی از مفسرین انجیل پنداشته اند فرزند انسان حضرت مسیح (ع) نیست و مفسرین مسیح برای این آیات مصداقی مشخص ننموده اند.^۲

همچنین در تفسیر مکاشفات یوحنا «۱۲: ۱-۸» آمده است. که تاکنون علمای مسیحی معنای این کلمات را نیز واضح بیان نکرده اند و اندیشمندان اسلام در تفسیر این آیات گفته اند، «زنی که در آسمان ظاهر می شود» مراد حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است و مراد از آفتاب وجود مقدس نبوی پیامبر اکرم (ص) می باشد و «ماره» امیرالمؤمنین است و تاجی که بر سر دارد تاج کرامت است، و مراد از ۱۲ ستاره دوازده امام می باشند^۳ که این مطالب دال بر حقانیت مذهب اسلام از زبان انجیل می باشد.^۴

در انجیل یوحنا آمده است:

۱- کتاب مقدس عهد جدید، انجیل متی، (۱: ۲۶)، ص ۶۱

۲- محمد صادقی، بشارات عهدین، ص ۲۴۵؛ سید علی اکبر شفیعی، بشارات صحف سماویه، ج ۴، صص ۲۲ و ۲۱

۳- محمد صادق فخرالاسلام، انیس الاعلام فی نصره الاسلام، ج ۷، ص ۴۰۰

۴- محمد فقیه نیا، حضرت مهدی و بشارتهای آسمانی، ص ۱۰۴

«(۱۶) و من از پدرم خواهم خواست و او تسلی دهنده دیگر به شما خواهد داد که تا بابر با شما خواهد ماند.»^۱ و یا در باب ۱۶ آمده است.

(۷) لیکن بشما راست می گویم که شما را مفید است که من بروم که اگر من نروم آن تسلی دهنده نبرد شما نخواهد آمد اما اگر بروم او را بنزد شما خواهم فرستاد»^۲

در این آیات حضرت مسیح (ع) برای امتش تسلی دهنده ای را در خواست می کند که مصداق آن نزد مسیحیان همان روح القدس است که در فقدان مسیح خلاء او را پر می کند و مسلمانان آن را بشارت به آمدن نبی خاتم شمرده اند و بر شواهد لغت شناختی و تاریخی تکیه کرده اند و برخی دیگر آن را به مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آخرالزمان منطبق می سازند و با اندک تأملی می توان دریافت که مفهوم هر انسان و تسلی دهنده در کتاب مقدس مسیحی دو مفهوم متفاوتند که یکی بر خود مسیح و دیگری بر کسی که او بشارت به آمدنش را می دهد راهبردار است. و به این ترتیب موعود آخرالزمان مسیحی از دسته ی اندیشه های موعود صرفاً اجتماعی، و حتی موعود نجات بخش معنوی- اجتماعی، به کنار می رود و در زمره موعودهای صرفاً معنوی، جای موعود مسیحی موعودی شخصی، اما دارای «جنبه الوهی» است.^۳

۱- کتاب مقدس عهد جدید، انجیل یوحنا، (۱۴:۱۶)، ص ۲۲۶

۲- پیشین، (۱۶:۷)، ص ۲۳۰

۳- علی موحدیان عطار، گونه شناسی اندیشه موعود در ادیان مختلف، ج ۱۳، صص ۱۱۵-۱۱۳

۳- زمان ظهور

حضرت عیسی (ع) در سخنان خود در ارتباط با منجی آخرالزمان به طور مکرر بیان کرده اند که زمان ظهور مشخص نیست و هیچ کس غیر از خداوند آن را نمی داند.^۱

« و سواى پدر من و بس هیچ کس حتى ملائکه آسمان هم از آن روز و ساعت مطلع نیستند.»^۲

این آیه مشخص کرده است که روز موعود بر همه پنهان و نامعلوم است.^۳ و در ادامه حضرت عیسی (ع) تصریح می کند که هوشیار و آگاه باشید چون نمی دانید آن زمان کی می آید و آمدن آن روز مانند کسی است که به سفر رفته و خانه ی خود را به افرادی سپرده است تا هر کسی کار مشخص شده خود را انجام دهد پس باید بیدار باشید چون نمی دانید صاحب خانه کی می آید، مبادا او ناگهان بیاید و شما را در خواب ببیند.^۴

«پولس» در نامه اول خود به مسیحیان تسالونیکى آورده است، شاید برسید که مسیح در چه زمان خواهد آمد، به شما می گویم که برادران عزیز، لازم نیست در این باره چیزی بنویسم زیرا به خوبی می دانید که هیچ کس زمان بازگشت او را نمی داند، روز خداوند همچون دزد شب، بی خبر می رسد اما برادران عزیز، شما در تاریکی گناه و بی خبری نیستید که وقتی روز خداوند

۱- حسین علی سعدی، نجات شناختی تطبیقی، ص ۹۲

۲- کتاب مقدس عهد جدید، انجیل متی (۲۴:۳۶)، صص ۵۷ و ۵۸؛ انجیل مرقس، (۱۳:۳۲)، ص ۱۰۶

۳- محمد صادقی، بشارات عهدین، ص ۲۷۸

۴- کتاب مقدس عهد جدید، انجیل مرقس، (۱۳:۳۲ تا ۳۷)، ص ۱۰۶؛ مرقس، مؤده برای عصر جدید یا

انجیل عیسی مسیح، (تهران، انتشارات انجمن کتاب مقدس، ۱۹۷۲)، ص ۴۴

فرا رسد غافل گیر شوید مانند کسی که دزد به او حمله کرده باشد بنابراین آماده باشید و مانند دیگران به خواب نروید و منتظر بازگشت مسیح باشید و هوشیار بمانید.^۱

۴- امر الهی به انتظار منجی

یکی دیگر از اندیشه های نجات بخشی در دین مسیح انتظار ظهور منجی است چرا که حضرت مسیح (ع) آن ها را امر به انتظار کرده است. چنان چه در انجیل لوقا آمده است:

«پس بایست که بسته باشد کمرهای شما و افروخته باشد چراغهای شما (۳۶) و خود باشید مانند آن کسانی که انتظار می کشند آقای خود را که کی از عروسی باز آید که چون آید و در زند دفعتاً در را گشایند.»^۲

در این آیات حضرت عیسی (ع) مردم را به انتظار ظهور منجی امر کرده است^۳ و همین نشان دهنده ی این است که آمدن منجی حتمی است زیرا در غیر این صورت امر به انتظار لغو می باشد.^۴

در انجیل مرقس هم آمده است:

«(۳۳) احتیاط نمائید که با حذر باشید و دعا نمائید زیرا که از هنگام رسیدن

آن زمان مطلع نیستند

۱- ترجمه تفسیری کتاب مقدس، نامه اول پولس، ص ۱۱۶۶

۲- کتاب مقدس عهد جدید، انجیل لوقا، (۱۲: ۳۵ تا ۳۷) ص ۱۵۴

۳- سید علی اکبر شفعی، بشارات صحف سماویه، ج ۴، ص ۳۹

۴- محمد فقیه نیا، حضرت مهدی و بشارتهای آسمانی، ص ۱۳۸

(۳۴) چنان چه شخصی بسفر بعیدی رفته و خانه خود را گذاشته و ملازمان خود را قدرت داده و هر کس را شغل خاص مقرر فرموده و دربان را به بیدار بودن امر فرمود

(۳۵) پس بیدار باشید از آنجا که نمی دانید که بزرگ خانه چه وقت خواهد آمد در شام یا نصف شب یا وقت بانگ خروس یا صبح
(۳۶) مبادا که ناگاه آمده شما را در خواب یابد

(۳۷) و آنچه من به شما می گویم به همه می گویم بیدار باشید.^۱
در این آیات هم انتظار به ظهور امر شده است که این آیات مشخص می کند آمدن بزرگ خانه که تعبیر به صاحب خانه شده است قطعی و حتمی است و منتظر او باشید یعنی غفلت نکنید و در انتظار ظهور و قیام او باشید.^۲

پولس در نامه ای که به شهر مهم تجارتي تسالونیکي نوشته است، انتظار فرج را یادآور شده است و گفته است «تسالونیکي هنوز هم بندر و شهر مهم تجارتي است. نام جدید این شهر که در ناحیه مقدونیه از خاک یونان واقع است، سالونیک است. پولس در این شهر پیام آزادی بشر از گناه را بشارت داد و مردم شهر را با عیسی مسیح آشنا ساخت گرچه برخی از رهبران یهودی علیه او شوریدند و او را از شهر بیرون کردند. اما کسانی که پیام را شنیده بودند و به مسیح ایمان آوردند و با وجود مشکلات و شکنجه های طاقت فرسا ایمان خود را از دست ندادند و حالا پولس در این نامه از آن ها می خواهد زندگی

۱- کتاب مقدس عهد جدید، انجیل مرقس، (۱۳:۳۳ تا ۳۷)، ص ۱۰۶

۲- محمد فقیه نیا، حضرت مهدی و بشارتهای آسمانی، ص ۱۳۲؛ سید علی اکبر شفعی، بشارتهای صحف سماویه، ج ۴، ص ۲۹

پاک و توأم با صبر و تحمل داشته باشند و منتظر ظهور شکوهمند عیسی مسیح باشند.^۱

وی در نامه دوم خود نیز از بازگشت مسیح و انتظار او سخن گفته است.^۲

۵- رهایی از ظلم و ستم

در دین مقدس مسیحیت نیز وعده و وعیدهای فراوانی به ظهور منجی شریّت داده شده است و به مردم امید به نجات از ظلم و فساد و پیروزی حقّ ر باطل داده است که این نویدها امید به زندگی را در مردم افزون کرده است که به عنوان شاهد به مواردی در این زمینه از کتب مقدس عهد جدید می‌ردازیم.

«در نامه اول پولس به مسیحیان تسالونیک می‌بینم که گفته شده است: در حضور پدرمان خدا، اعمال پر مهر، ایمان استوار و امید راسخی را که به زگشت خداوند ما عیسی مسیح دارید، به یاد می‌آوریم.»^۳

وعده به آمدن پسر خدا در آخرالزمان در فرازهایی از عهد جدید تأکید شده است که در برخی تفاسیر به صراحت گفته شده است که همان عیسی (ع) است که دوباره باز می‌گردد تا داور جهان گردد.^۴

«(۲۲) فرمود شاگردان را که آیا می‌آید که امروز کنید که ببینید روزی از زهای فرزند انسان را و نشاید که ببینید»^۵

ترجمه تفسیری کتاب مقدس، نامه اول پولس، ص ۱۱۶۳

پیشین، ص ۱۱۶۷

پیشین، ص ۱۱۶۳

علی موحدیان عطار، گوه شناسی اندیشه موعود در ادیان مختلف، ج ۱۳، ص ۱۱۳

کتاب مقدس عهد جدید، انجیل لوقا، (۱۷:۲۲)، ص ۱۶۶؛ انجیل متی، (۲۴:۲۷)، ص ۵۷

«زیرا که چون برق که از مشرق بیرون می آید و تا مغرب ظاهر می گردد آمدن فرزند انسان نیز چنین خواهد بود.»^۱

همچنین در انجیل متی اشاره هایی به آمدن پسر انسان در مجد و عظمت و همراه با ملائکه شده است.

«(۳۱) چون فرزند انسان در جلال خود خواهد آمد با جمیع ملائکه مقدسه بر کرسی بزرگی خود قرار خواهد گرفت.»^۲

بنابراین مسیحیان بر این عقیده اند که اساس امید به پادشاهی هزار ساله مسیح بر روی زمین به شوق سرشار در قلب هر مسیحی بر می گردد به این که مجد و عظمت و محبت او بر روی زمین تحقق یابد.^۳

سیمای جهان قبل از ظهور

هر چند که در دین مسیح برای ظهور منجی روز و ساعت ظهور مشخص نشده است اما در متون مقدس از علائمی یاد شده است که در قبل از ظهور اتفاق خواهد افتاد که آن ها نشانه هایی برای نزدیک شدن ظهور می باشد که در این فصل به برخی از این علائم می پردازیم.

۱- تبلیغ انجیل در هر مکانی

یکی از علائم مشخصی که خبر آن پیشاپیش در انجیل آمده است تبلیغ انجیل در مکان های مختلف می باشد و این تبلیغ یک عمل سطحی و کاری که زیاد تر از یک اطلاع رسانی به وسیله اخبار جاری نباشد نیست بلکه منظور از

۱- گروه نویسندگان، التفسیر الحدیث الكتاب المقدس العهد الجديد انجیل متی، صص ۳۹۵ و ۳۹۴

۲- کتاب مقدس عهد جدید، انجیل متی، (۲۵:۳۱)، ص ۶۰

۳- دائرة المعارف الكتابیه، مجلس التحریر، ج ۲، ص ۵۹۷

تبلیغ کاری است شبیه به کار حواریون در رسولان که تلاش کردند برای
 میس کنیسه های مسیحی در هر شهری و منطقه ای از مناطق جهان، کنیسه
 بی که بر خود تکیه دارند و با قوت و قدرت خودشان رشد می کنند و زیاد
 شود و اعضاء این کنیسه ها نقش خود را در اجتماع و در خدمت دولت ها
 ناد می کند به واسطه بکارگیری تمام سعی و تلاششان برای پاک سازی و
 یت و برکت بخشیدن به تمام ارکان جامعه ای که در آن جامعه زندگی می
 د پس عمل این رسولان عمل بزرگ و پرکاری با روش های قوی و حساب
 ه است پس واجب است، که مسیحیان روشنایی زمین باشند.^۱

حوادث قبل از ظهور

ر دوران قبل از ظهور حوادث طبیعی مختلفی رخ خواهد داد که از جمله آن
 دث وقوع زلزله در بعضی از اماکن می باشد.^۲ انجین لوقا در زمینه این
 دث چنین گفته است:

(۲۵) و خواهد بود علامات در آفتاب و ماه ستاره ها و بر زمین گرفتاری
 ف به تحیر و صدای دریا و امواج

(۲۶) و خلق از وهم و انتظار آن قضایا که بر ربع مسکون می آید بی جان
 مند شد زیرا که خواهد شد توانائی های آسمان متزلزل

(۲۷) و آن وقت خواهند دید فرزند انسان را که برابر نشسته با قوت و جلال
 م می آید.»

نزه المعارف الکتابیه، مجلس التحریر، ج ۲، ص ۵۹۹

تاب مقدس عهد جدید، انجیل مرقس، (۱۳:۸)، ص ۱۰۴

در این قسمت اشاره کرده است به این که روزهای قبل از ظهور آفتاب تاریک می شود و ماه دیگر نمی درخشد ستاره به زمین می ریزند و نیروهای آسمان متزلزل می شود و پس از این اتفاقات ظهور منجی صورت می گیرد.^۱

۳- خیر و شر در زمان ظهور

در دوران آخرالزمان قبل از ظهور مسیح روزگاری مملو از سختی و گرفتاری خواهد آمد.^۲ در آن موقع فساد و ظلمت به سرعت زیاد خواهد شد. گناه همه جا را فرا خواهد گرفت.^۳ در آن موقع وضع مانند زمان نوح و لوط خواهد شد.^۴

عصر حاضر مخلوطی از خیر و شر است که در ایام آخر این دوران به روزگارانی تاریک و ظلمانی شناخته می شود همان طور که پولس رسول می نویسد که دوران آخرالزمان دوران دشواری خواهد بود زیرا مردم خودپسند و مال دوست می شوند آن ها مستکبرین انجیل را بزرگ می شمردند از والدینشان تبعیت نمی کنند. شکر گزار نیستند، آلوده و غیر قابل انعطاف می گردند و راضی به رضای حق نیستند تندخو و خشن هستند. افرادی خائن و گزافه گو اند، دوست دار لذت و عشق الهی نیستند، صورتی به ظاهر اصلاح دارند ولی منکر تقوا هستند.^۵

۱- مرقس، مؤده برای عصر جدید یا انجیل عیسی مسیح، ص ۴۳

۲- دائره المعارف الکتابیه، مجلس التحریر، ج ۲، ص ۵۹۷ به نقل از انجیل متی ۲۴، مرقس ۱۳، لوقا ۱۷

۳- هنری متیسن، الهیات مسیحی، ص ۳۳۹

۴- پیشین، ص ۳۵۲؛ به نقل از انجیل لوقا ۱۷

۵- دائره المعارف الکتابیه، ص ۶۰۰

در نامه ی دوم وی نیز آمده است: قبل از هر چیز باید بدانید که در آخرالزمان اشخاصی پیدا خواهند شد که ایمان شما را مسخره خواهند کرد چون آن ها تحت فرمان شهوات پلید خود زندگی می کنند، آن ها می گویند کسی که وعده آمدنش را به ما داده اند کجاست؟ کی خواهد آمد؟ از زمانی که پدران، مردند تا به امروز همه چیز همان طوری است که از زمان خلقت دنیا بوده است: اما ای عزیزان این حقیقت از شما پنهان نماند که در نظر خداوند یک روز مثل هزار سال و هزار سال مانند یک روز می باشد. خداوند در انجام آنچه وعده داده است، آن چنان که بعضی گمان می کنند تأمل نمی نماید. بلکه با صبر شما را تحمل می کند، زیرا نمی خواهد کسی نابود شود بلکه می خواهد همه از گناهانشان توبه کنند.^۱

همچنین از به هم ریختگی مبانی خانوادگی و بی شرمی مردم در آخرالزمان سخن گفته شده است از جوانانی که دیگر حرمت بزرگان را نگه نمی دارند و دخترانی که با مادر خود مخالفند. محل تحصیل فرزندان به مکان فساد تبدیل می شود.^۲

۴. ظهور پیامبران کاذب

یکی دیگر از نشانه های ظهور منجی را ظهور پیامبران کاذب قبل از ظهور منجی دانسته اند و گفته شده است که اشخاصی در آن زمان پیدا خواهند شد

۱- جلال الدین آشتیانی، تحقیقی در دین مسیح، ص ۳۰۶؛ دائره المعارف الکتابیه، ص ۶۰۰؛ هنری متین، الهیات مسیحی، ص ۳۵۲

۲- محمدتقی راشد محصل، نجات بخشی در ادیان، ص ۱۲۲

که به دروغ ادعای نبوت مسیحیت می نمایند و از خود مسایلی بروز می دهند که باعث اغواء مردم می شوند.^۱

۵. جنگ آرماگدون

وقوع جنگ ها و خشونت های قبایل مختلف در آخرالزمان یکی دیگر از علائم ظهور است که در عهد جدید به انحاء مختلف از آن ها یاد شده است و در رساله دوم پطرس حواری آمده است

« (۱۰) لیکن روز خداوند چون دزد در شب خواهد آمد و در آن وقت آسمان ها بفشافتن از جا در خواهند رفت و عناصر سوخته از هم پاشید و زمین و متحدانش سوخته خواهد گردید

(۱۱) پس چون این همه چیز ها از هم می پاشد شما را چه نوع اشخاص می باید بودن در هر رفتار نیک و عبادت

(۱۲) منتظر و خواهان رسیدن روز خدا که در آن آسمان ها افروخته گشته از هم خواهد پاشید و عناصر از حرارت گداخته خواهد شد

(۱۳) لیکن انتظار می کشیم آسمان و زمین نور ابحسب وعده آن که در آن ها راستی قرار می گیرد.»^۲

به نظر می رسد این نامه با جنگ های خانمان سوز امروزی که با سلاح های مدرن و آتش زاز بمب های اتمی تا موشک های هدایت شونده و آثار تخریبی آن ها را در زمین و زمان صورت می گیرد مطابقت دارد و در فراز آخر

۱- سید علی اکبر شفعی، بشارات صحف سماویه، ج ۴، ص ۳۷ به نقل از انجیل لوقا (۲۱:۸)؛ محمد فقیه نیا، حضرت مهدی و بشارتهای آسمانی، ص ۱۱۵ به نقل از انجیل متی (۲۴:۲۳ و ۲۴)

۲- کتاب مقدس عهد جدید انامه دوم عام پطروس حواری، (۳: ۱۰-۱۳)، ص ۴۸۷

که گفته است تغییراتی چون صدای عظیم عناصر سوخته شده و گداخته شدن از حرارت منطبق با مبادلات توپ خانه ها و مسابقه های موشک پراکنی و یودر شدن هواپیماها در فضا است. و تعبیر ذخیره شدن زمین برای آتش با انفجار چاه های نفتی منطبق می شود که هر ماده ای را مشتعل می سازد و آتش عظیم بر پا می کند.^۱

اما نبردی که با ظهور مرد خبیث صورت خواهد گرفت و یکی از بزرگ ترین آن نبردها خواهد بود نبرد آرماگدون یا حازمجدون است. در مکاشفه یوحنا آمده است:

«(۱۶) و ایشان را در محلی که عبری ارماگدون گویند جمع نمود»^۲

در این فراز یوحنا رسول محل این جنگ حساس و سر نوشت ساز را «مجدون» معرفی می کند. «مجدون» نام محلی در فلسطین اشغالی در شرق حیفاست که در دو راهی مصر و بابل قرار گرفته است.^۳

این مرد خبیث که به دجال نیز معروف است خود را مسیح معرفی می کند. پولس در نامه ی دوم خود به تسالونیکان در این زمینه می نویسد:

«(۳) بدانید که تا این دو رویداد واقع نشود، آن روز نخواهد آمد، نخست، شورشی بر ضد خدا بر پا خواهد شد دوم، آن مرد جهنمی که عامل این شورش است ظهور خواهد کرد.

(۴) و یا هر چه که مربوط به دین خداست، مخالفت خواهد نمود، حتی وارد خانه خدا هم خواهد شد و در آنجا نشسته و ادعا خواهد کرد که خداست.

۱- کامل سلیمان، روزگار رهایی، ج ۲، ص ۹۸۱

۲- کتاب مقدس عهد جدید، مکاشفه یوحنا رسول، (۱۶:۱۶)، ص ۵۲۲

۳- کامل سلیمان، روزگار رهایی، ج ۲، ص ۹۷۸

(۵) آیا به یاد ندارید که وقتی نزد شما بودم اینرا می گفتم؟ خودتان می دانید چه کسی مانع آمدن اوست، زیرا او فقط زمانی می تواند ظهور کند که وقتش رسیده است

(۷) و اما خرابکاریهایی که آن شورشگر جهنمی به هنگام ظهورش انجام خواهد داد از هم اکنون آغاز شده است ولی خود او زمانی ظاهر خواهد شد که آن کسی مانع اوست، از سر راه برود.

(۸) آن گاه آن مرد خبیث ظهور خواهد کرد، اما خداوند ما عیسی به هنگام بازگشت خود، او را با نفس دهان خویش هلاک کرده با حضور خود نابود خواهد ساخت

(۹) دین مرد خبیث به وسیله ی قدرت شیطان ظهور خواهد کرد و آلت دست او خواهد بود او با کارهای عجیب و حیرت انگیز خود همه را فریب داده معجزات بزرگ انجام خواهد داد

(۱۰) کسانی که فریب او را می خورند آنانی هستند که راه راست را رد کرده و راه جهنم را درپیش گرفته اند ایشان حقیقت را دوست ندارند و آن را نمی پذیرند تا نجات یابند...

(۱۴) به همین منظور او مژده نجات را به وسیله ما به شما رساند و از طریق ما شما را دعوت کرد تا در جلال خداوند عیسی مسیح شریک گردید.^۱

در این نامه دجال به طور کامل تری وصف شده است که قبل از روز مسیح مرد شریر ظاهر خواهد شد و در هیکل (معبد) خدا می نشیند و خود را چنان می نمایاند که گویی خداست و با قدرت شیطان و آیات عجایب دروغین عمل

می کند و آن هایی را که محبت راستین را نپذیرفتند تا نجات یابند، گمراه می کند.^۱

در توضیح این جنگ در مکاشفه یوحنا آمده است که یک ارتش ۲۰ میلیونی شرقی در طی یک سال به سمت غرب به حرکت در می آید. این ارتش در تغییر مکان خود پر جمعیت ترین ناحیه های جهان را پیش از رسیدن به رودخانه فرات ویران خواهد ساخت و رودخانه فرات خشک خواهد شد و این به پادشاهان مشرق زمین اجازه خواهند داد که سرزمین اسرائیل را در نوردند نیروهای ملتهای سرتاسرزمین در زیر فرمان دجال بر ضد مسیح و قدیسان آن میلیون ها آدم را از میان خواهد برد و دجال را به قتل خواهد رسانید.^۲ چیزی که واضح و مسلم است این است که هنگام ظهور مسیح این موجود بدکار در اوج سلطنت و حکم فرمائی خود می باشد و به نظر می رسد که این سلطان بدکار نتیجه ارتداد عظیم و انکار ایمان حقیقی است پس از قلب عالم مسیحی این شخص که بدی در او متجسم است آشکار می شود و از مردم می خواهد که او را دوست داشته باشند مانند خدا، در حالی که برای خودش پادشاهی تمام جهان را می خواهد و برای امت های الهی دردهای زیادی را موجب می شود.^۳

۱- آنتی کریست، دجال در کتاب مقدس، ترجمه اسماعیل نعمت الهی، نشریه موعود، ش ۳۱، ص ۴۴ و ۴۳

۲- آزاده امامی، صهیونیسم مسیحی و آخرالزمان، به راهنمایی علیرضا احساندوست، (پایان نامه فارغ التحصیلی مربیگری، مجمع بررسی و تحلیل سیاسی بسیج سپاه اصفهان، ۱۳۸۳)، ص ۱۱۹

۳- دائرة المعارف الکتابیه، ص ۶۰۱

در جاهای مختلف کتاب مقدس واژه ی دجال همراه با مترادف های دیگری وارد شده است که از آن جمله در رساله ی یوحنا آمده است، «شنیده اید که دجال می آید»

و برخی به «وحش» برخی دیگر به «ازدهای آتشگون» و یا به «وحشی که ده شاخ و هفت سر دارد» تعبیر کرده اند.^۱

۶- اعمال مخصوص جهت تعجیل در ظهور

در مسیحیت هم همانند دین یهود، اعمال و عباداتی جهت تسریع در ظهور مسیح انجام می شود که از جمله آن عبادات دعاهای مخصوصی به این صورت است.

«(۱۷) ای پروردگار خدایی که به عنایت خود تمام لوازم را برای قوم خودت اسرائیل تهیه می نمایی! یاد کن همه قبائل زمین را که وعده فرموده ای تا آن ها را به پیغمبر خود برکت بدهی که برای او جهان را آفریده ای .

(۱۸) رحم کن بر جهان و تعجیل کن بر فرستادن پیغمبر خود تا از دشمنت شیطان توانائیش سلب شود.»^۲

و از دعاهای دیگری که توسط مسیحیان انجام می شود این است که «ای خداوند، قدرت خود را ظاهر ساز و بیا! بیا که با حمایت تو ما نجات می یابیم و با نجات تو از خطراتی که به واسطه گناهانمان ما را تهدید می کند رهایی

۱- آنتی کریست، دجال در کتاب مقدس، ص ۴۳

۲- انجیل برنابا، ترجمه حیدرقلی سردار کابلی، چ ۲، (تهران، نشر نیایش، ۱۳۸۰)، ص ۶۸۱

می یابیم. ای خداوند، قلوب ما را برانگیز تا راه را برای تنها پسر ت مہیا سازیم
 کہ با آمدن او با ارواح پاک شایسته ی خدمت تو شویم.»^۱

همچنین در غزلی از غزل های سلیمان آمده است:

«ای محبوبه من و ای زیباترین من برخیز و بیا، زیرا اینک زمستان گذشته و
 باران تمام شده و رفته است و ... درخت انجیر میوه ی خود را می رساند و
 موها گل آورده و رایحه ی خوش می دهد.»^۲

سیمای جهان پس از ظهور منجی

۱- پایان نبرد آرماگدون

پس از جنگ و جدال بر ضد مسیح (ع)، عیسی مسیح سوار بر اسب ظهور
 خواهد نمود و شمشیر تیزی از دهانش بیرون می آید کہ همان کلام خداست و
 با یک کلمه دشمنان را نابود می سازد همان طور کہ در آیه ۱۵ انجیل یوحنا
 گفته شده است: او با عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود و او چرخشت خمر
 غضب و خشم خدای قادر و مطلق را زیر پای خود می افشرد در این موقع
 دجال گرفتار می شود و به دریاچه ی آتش انداخته خواهد شد پس از آن
 عیسی مسیح (ع) مدت ۱۰۰۰ سال پادشاهی می کند و در این مدت شیطان
 به گودال جهنم انداخته خواهد شد.^۳

۱- جورج برانتل، آیین کاتولیک، ج ۲، ص ۷۹

۲- محمد تقی راشد محصل، نجات بخشی در ادیان، ص ۱۱۲

۳- عبدالعظیم رضایی، اصل و نسب و دین های ایرانیان باستان، صص ۴۴۰ و ۴۴۱

۲- حکومت جهانی بر پایه عدالت

مسیحیان معتقدند که منجی آخرالزمان با ظهور خود و با تأیید و نصرت خاص الهی بر دشمنان غالب خواهد آمد و بر تمام ملل حکمرانی خواهد کرد.^۱ در مکاشفه یوحنا آمده است: «(۲۶) و هر کس که غالب آید و تا انجام اعمال مرا نگاه دارد وی را بر قبائل اقتدار خواهم داد (۲۷) که بر آن ها به عصای آهنی حکمرانی خواهد کرد که چون کوزه های گوزه گر خورد می شوند بنوعی که من از پدر خود یافته ام (۲۸) و من او را ستاره ی سحری خواهم داد.»^۲

در این آیات پس از این که بشارت هایی بر ظهور حضرت مسیح (ع) شده است، وی را رهبر عالم در پایان جهان معرفی نموده است و گفته است ایشان مولی و حاکم تمام امت ها می گردد و او کسی است که حکومت الهی را که مستضعفین زمین انتظار آن را می کشند پیا خواهد کرد^۳ و همه ی تبعیض ها و ظلم ها و بی عدالتی ها، تاریکی ها و یأس ها را تبدیل به عدالت، امید و مهر می کند، چنان چه در انجیل یوحنا (۴: ۴۲) آمده است که مسیح، دوباره در آخرالزمان خواهد آمد و برنامه ی نجات را کامل خواهد کرد زیرا در حقیقت شنیده ایم که او نجات دهنده ی عالم است.^۴

«(۴۳) از اینجا است که شما را می گویم که حکومت خدا از شما گرفته و بقبيله ای که ثمرش را خواهند فرستاد سپرده خواهد گشت.»^۵

۱- محمد صادقی، بشارات عهدین، ص ۲۶۰

۲- کتاب مقدس عهد جدید، مکاشفه یوحنا، (۲: ۲۶ تا ۲۸)، ص ۵۰۵

۳- دائره المعارف الکتابیه، ص ۱۰۵

۴- حسین علی سعدی، نجات شناختی تطبیقی، ج ۴، ص ۸۴

۵- کتاب مقدس عهد جدید، انجیل متی، (۲۱: ۴۳)، ص ۵۰

مراد از حکومت به ملکوت، ملک عظیم و غلبه سلطنت می باشد و ملکوت آسمانی محل پاکان در آسمان است پس سلطنت خدائی مراد سلطنتی است نسبت به تمام ممکنات که از آن تعبیر به ولایت کلبه الهیه باشد که سایر سلطنت ها زیر دست و تحت الشعاع آن باشند و این همان ملکوتی است که انبیاء در انتظار آمدن او و مبشر به آمدن آن بوده اند که البته صاحب کتاب نواب الدهور این سلطنت را به محمد و آل محمد (ص) نسبت داده است.^۱

در مورد مدت حکومت مجدد مسیح زمان های متفاوتی بر مبنای عهد جدید یا تفسیرهای آن مشخص شه است و به طور کلی از چهل سال کمتر و هفت هزار سال بیشتر نیست، برخی مدت آن را عمر سه نسل دانسته اند و بنا بر یک پندار این دوران تنها یک دوران انتقالی میان زندگی این جهانی و رستاخیز است عهد جدید این دوره را ظاهراً هزار سال می داند.^۲

۳- دادرسی و پاداش زمان ظهور

پولس در نامه دوم خود به مسیحیان می نویسد:

«(۷) بنابراین، به شما که رنج و آزار می بینید، اعلام می دارم که وقتی عیسی (ع) خداوند به ناگاه در میان شعله های آتش و با فرشتگان نیرومند خود از آسمان ظاهر شود، خدا به ما و به شما آسودگی خواهد بخشید.

(۸) اما آنانی را که از شناختن خدا و پذیرش خدا و پذیرش نقشه نجات او توسط عیسی مسیح (ع) سرباز می زنند، به کیفر خواهد رسانید.

۱- سید حسین میرجهانی طباطبائی، نواب الدهور فی علائم الظهور، ج ۴، ص ۲۰۰

۲- حسین علی سعدی، نجات شناختی تطبیقی، صص ۱۳۲ و ۱۳۳

- (۹) ایشان به مجازات جاودانی خواهند رسید، و تا ابد از حضور خداوند دور خواهند ماند و هرگز شکوه و عظمت قدرت او را نخواهند دید.
- (۱۰) این رویدادها در روز بازگشت او واقع خواهد شد، روزی که قوم او مؤمنین او، ستایش و تحسین را نثار او کنند.
- (۱۱) در آن روز شما نیز در میان ستایش کنندگان او خواهید بود زیرا به شهادتی که ما درباره او دادیم ایمان آوردید.
- (۱۲) آنکه مردم با مشاهده ی اعمال شما نام خداوند ما عیسی مسیح را ستایش و تمجید خواهند کرد، شما نیز به سبب تعلق به او، عزت و حرمت خواهید یافت لطف و فیض خدای ما و خداوند ما عیسی مسیح همه ی این امتیازات را برای شما فراهم آورده است.^۱
- دادرسی و پاداش دادن هر دو به ظهور منجی مربوط است که از جمله کارهایی که مسیح با آمدن خود انجام خواهد داد دادرسی کارهای ایمانداران و پاداش دادن به آنهاست و پولس می گوید که هر چند از طریق فیض نجات می یابیم، ولی نتیجه ی نجات ما باید اعمال نیکو باشد، وقتی مسیح بیاید کارهای ما با آتش آزموده خواهد شد و اگر از چوب یا گیاه یا کاه باشد از بین خواهد رفت ولی خودمان مانند شخصی که از میان آتش خلاص شود نجات خواهیم یافت ولی اگر کارهای ما از طلا یا نقره یا جواهر باشد پاداش دریافت خواهیم نمود. باید در مسیح بمانیم تا این که وقتی او ظاهر می شود خجل نشویم.^۲

۱- ترجمه تفسیری کتاب مقدس، نامه دوم پولس به مسیحیان، ص ۱۱۶۷

۲- هنری متیسن، الهیات مسیحی، صص ۳۳۶ و ۳۳۷

بنابراین مسیح پس از پایان دادن به جنگ آرماگدون تمام امت ها را برای داوری نزد خود جمع خواهد کرد تا اگر ممکن باشد در ملکوت هزار ساله قبول شوند.^۱

۴- سیر و حرکت منجی

«(۳۰) و در آن وقت علامت فرزند انسان بر فلک ظاهر خواهد گردید و آنگاه جمیع طوائف زمین سینه زنی خواهند نمود و خواهند دید فرزند انسان را برابر های آسمان که می آید با قدرت و جلال عظیم
(۳۱) و فرشته های خود را خواهد فرستاد با صور بلند آواز و آن ها برگزیدگانش را جمع خواهند نمود از اطراف اربعه از اقصای فلک تا بطرف دیگر»^۲

سیر و حرکت منجی آخرالزمان در این آیات خارق العاده خوانده شده است که با قدرت و جلال برابرهای آسمان سوار و آسمان پیمای وی از اجرام سماوی است، خوشبختانه پیشرفت روز افزون عقل و علم و بشر اعمالی را که در آغاز نظر مجال و ناشدنی پنداشته و بعید به نظر می رسید ممکن می دانند و درآیه (۳۱) افسران ارشد و خواص منجی بشریت را به هنگام ظهور وی در شرق و غرب عالم پراکنده اند در فاصله ای اندک مجذوب آن یگانه جاذبه الهی خوانده است که به سرعتی سریع تر از برق نور، گرد منجی آخرالزمان فراهم

۱- پیشین، ص ۲۴۳

۲- کتاب مقدس عهد جدید، انجیل یوحنا، (۲۴: ۳۱ و ۳)، ص ۵۷

آیند. برخی از دانشمندان اسلام این فرازها را به یگانه منجی بشریت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نسبت داده‌اند.^۱

۵- گشایش مشکلات مادی و معنوی مردم

از جمله اوصافی که در جهان پایانی پس از ظهور، در دولت کریمه منجی به وقوع خواهد پیوست از بین رفتن مشکلات مادی و پیشرفت معنویت در بین مردم می باشد، مردم از غم و رنج و درد و ماتم فاصله خواهند گرفت، خدای بزرگ هر که را تشنه است از آب حیات سرمدی سیراب می سازد و همه نابکاران و دروغ گویان را نابود می کند.^۲

«(۴) و محو خواهد کرد خدا هر شک را از چشمهای آن ها و دیگر نخواهد بود مرگ و نیز نامه و فریاد و درد نخواهد بود زانرو که اطوار نخست گذشت ...»

(۶) و مرا گفت که سد من هستم الفا و اومگا و ابتدا و انتها و من تشنه را مفت از چشمه ی آب حیات خواهم داد.^۳

جهان پر است از آب و میوه و آدمیان تنها خدا را می پرستند، همیشه روز است و حکومت با فرمانده ای توانایی است که فرمانروایش پر دوام است.^۴

«(۱) و نشان داد به من رود صافی از آب حیات درخشان چون بلور که جاری بود از تخت خدا و بره

۱- سید علی اکبر شفعی، بشارات صحف سماویه، ج ۴، صص ۱۴ تا ۱۶؛ محمدصادقی، بشارات عهدین، ص

۲- محمدتقی راشد محصل، نجات بخشی در ادیان، ص ۱۳۰

۳- کتاب مقدس عهد جدید، انجیل یوحنا، (۲۱: ۴ و ۷ و ۸)، ص ۵۲۹

۴- محمد تقی راشد محصل، نجات بخشی در ادیان، ص ۱۳۱

(۲) و در میان میدانش و دو طرف رودخانه درخت حیات بود که دوازده
به می کند و هرماه میوه خود را میآورد و برگهای آن درخت بجهت شفای
نل است.

(۳) و در آنجا هیچ لعنت نخواهد بود و در آن خواهد بود تخت خدا و بره و
گانش بنده گی او را خواهند نمود.

(۴) و صورتش را خواهند دید و اسمش بر جبین آن ها خواهد بود.

(۵) و شب در آنجا نخواهد بود و محتاج بچراغ و نور آفتاب نیست زیرا
اوند خدا آن ها را روشن می سازد و تا ابدالابد سلطنت خواهد نمود.^۱

ر آن هنگام محافظت از احکام الهی خواهد شد و بشریت در تحت سیطره‌ی
دولت الهی قراز خواهد گرفت و معرفت مردم به خداوند روز افزون
اهد شد.^۲

وصایای حضرت مسیح (ع) به شمعون در یکی از اناجیل است که ای
یون خدای به من فرمود: تو را وصیت کنم به سید انبیاء که بزرگ فرزندان
پیامبر امی عربی است و بیاید ساعتی که فرج قوی گردد و نبوت بسیار
و مانند سیل جهان را پر کند.

لالبی که آخر این وصیت بیان شده است ظاهراً اشاره به آخرالزمان و آمدن
و حکومت ایشان دارد. و این که فرموده است نبوت بسیار شود و مانند
جهان را پر کند مراد از نبوت، برگزیدگان می باشند که در زمان ایشان
للات مادی و معنوی مردم گشایش می یابد و از این جهت مردم کامل می

ناب مقدس انجیل یوحنا، (۲۲: ۵ تا ۵) ص ۵۳۱

ید علی اکبر شفعی، بشارات صحیف سماویه، ج ۴، ص ۴۱ و ۵، به نقل از مکاشفات یوحنا، (۲:

۲)، انجیل متی (۲۴: ۳۵)

شوند و با کمال یافتن انسان نیز از برگزیده گان و بندگان خاص او می شود. و مطالب بعدی که گفته است فرج و گشایش کامل خواهد بود مؤمنان و بندگان او زیاد می شوند حتی در زمان پیامبر (ص) هم این وعده عملی نشده است پس باید در زمان وصی او عملی شود و او همان است که تمام بشارات بر آن دلالت می نموده است.^۱

نتیجه ای که از این فصل می توان گرفت این است که مسیحیان به عنوان یکی دیگر از ادیان بزرگ الهی در انتظار آخرالزمان به سر می برند. و در کل سه نوع تفکر در این زمینه در دین مسیح وجود دارد که یک گروه حاکمیت عدل را صرفاً اخروی می دانند و گروهی هم ظهور عدل را زمینی می دانند و بر پایی حکومت جهانی را قبول ندارند و گروه سوم ظهور عدل را همراه با حکومت جهانی قبول دارند.^۲

با توجه به شواهدی که در این فصل از کتب عهد جدید آوردیم می توان دو نظریه اول را رد نمود اما گروه سوم هم خود به سه نوع اندیشه نجات بخش تسلیم می شود که یکی از آن ها همان اندیشه منجی یهودیت و گونه دیگر بازگشت مجدد مسیح است و در گونه سوم سخن از شخصی دیگر غیر از مسیح شده است که خود عیسی مسیح وعده به آمدنش داده است. و از علائم ظهور منجی در این دین پر شدن جهان از ظلم و فساد و گرفتاری در قبل از ظهور و جنگ های قبائلی و مهم تر از همه جنگ آرماگدون می باشد و همچنین سیمای جهان را پس از ظهور حکومت جهانی بر پایه ی عدالت می

۱- محمد فقیه نیا، حضرت مهدی و بشارتهای آسمانی، ص ۱۴۰

۲- ---، انتظار مسیحیت بر ظهور مهدی (عج)، نشریه حزب الله، اندیشه ۸ و ۹، ص ۱

انند و تحول علمی و گشایش یافتن مشکلات مادی و معنوی مردم از دیگر بزرگی های پس از ظهور می باشد.

دین مبین اسلام آخرین و کامل ترین دین از سوی خدای متعال می باشد که بحث تکمیلی مسأله مهدویت پرداخته است و پرسش ها و ابهامات مطرح ده پیرامون آینده ی بشر را به صراحت پاسخ گفته و بیان نموده است که دنیا بداند آینده ی بشریت روشن خواهد بود، و همه ی نگرانی ها و سختی ها راحتی و امنیت تبدیل خواهد شد و تمام مستکبران و زورگویان و مفسدان هانی، ریشه کن خواهند شد. و آیات متعددی از قرآن کریم پیرامون پیروزی بی حق بر باطل و خلافت صالحان بر زمین می باشد که در این بخش به ت گستردگی این موضوع نمی توان به همه مسایل مهدویت به طور کامل اخت، بنابراین در حد نیاز در این مجموعه اشاره ای می نمایم و علاقه ان را به منابع معرفی شده ارجاع می نمایم.



فصل چهارم:

منجی آخر الزمان در اسلام

اصالت مهدویت

۱- نگاهی جامع به امامت

یکی از اصول عقائد دین اسلام مسأله ی امامت می باشد که برای اثبات آن دلائل عقلی و نقلی فراوانی بیان کرده اند، که یکی از دلائل عقلی آن، همان دلیلی است که نیاز به پیامبر اکرم (ص) را اثبات می کند.

با توجه به این که اسلام آخرین دین از سوی خدای متعال می باشد و حضرت محمد (ص) هم آخرین پیامبر خداست. پس بنابراین اسلام باید پاسخ گوی همه ی نیازهای بشر تا قیامت باشد و از سویی دیگر قرآن کریم تنها به اصول و کلیات احکام الهی پرداخته است و توضیح و تبیین آن را به عهده پیامبر نهاده است و پیامبر هم در زمان خود مطابق با نیازها و ظرفیت جامعه ی اسلامی در زمان خود آیات را تفسیر و تبیین می نمودند. بنابراین لازم می آید که برای او جانشینانی لایق باشند تا بتوانند آنچه را پیامبر بیان فرمودند، مطابق نیازهای جامعه در هر زمان پاسخ گویند و نگهبان این سرچشمه ی زلال باشند تا از دست خوش تحریف مصون بماند. و نیز امام به عنوان انسان کامل الگویی جامعی برای بشر باشد و در پرتو راهنمایی های او بشر از انحراف ها و دام

های نفس سرکش خود محفوظ بماند و آن گونه که در خور کمال انسانی اوست تربیت گردد.^۱

یکی از مصادیق امامت، امامت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، دوازدهمین امام شیعیان می باشد که در عصر غیبت به سر می برد. اندیشه ی مهدویت در اسلام، از بدو تشکیل دین اسلام و در زمان پیامبر اکرم (ص) توسط ایشان مطرح بوده است و نیز از یازده قرن پیش تا کنون رساله هایی در موضوع مختلف مهدویت نوشته شده است و با بررسی کتب اصولی که در رشته های مختلف اسلامی تألیف شده است ابتدای این عقیده را بر مبنای صحیح و معقول اسلامی روشن می سازد، و این مبانی چنان استوار بوده است که حتی در مقام پاسخ گویی و رد دعوی کسانی که به دروغ ادعای مهدویت کردند، بر آمد و کسی نتوانست اصل عقیده ی مهدویت را رد کند و انکار اصل مهدویت را مساوی با انکار مبانی و مأخذ محکم اصول و فروع اسلامی می بیند.^۲

همچنین با بررسی کتب اختصاصی مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، به این واقعیت پی می بریم که حداقل حدود شصت نفر از صحابه پیامبر اکرم (ص) روایات مربوط به حضرت رابلا واسطه از قول آن بزرگوار نقل کرده اند. که از بین آن ها حدود ۴۰ نفر از اهل تسنن می باشد که این محکم ترین دلیل بر صحت و تواتر و قطعی الصدور بودن آن ها از ناحیه رسول خدا (ص) است. و این که مسأله مهدویت در اسلام، از عمیق ترین

۱- گروه نویسندگان، نگین آفرینش، (تهران، بنیاد فرهنگی مهدی موعود (عج)، ۱۳۸۳)، ص ۲۱

۲- لطف الله گلپایگانی، امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۱۳۷

مایه اصالت ریشه اسلامی بر خوردار بوده آن چنانکه دیگر زمینه ای برای تشکیک پیرامون اصل مهدویت و انکار مهدی منتظر، فراهم نبود و نخواهد بود.^۱

در طول تاریخ اسلام می بینیم نهضتهایی را که با متکی به اندیشه مهدویت توانستند توفیقاتی در صحنه ی سیاسی و اجتماعی پیدا کنند و با اتکاء به رسوخ و گستردگی اعتقاد به آمدن مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، به عنوان درهم کوبیده ی بساط ظالمان حاکم توده ها را همراه خود کردند که پیدایش و رشد این جریانات مثل جریانات فاطمیان، موحدون، مهدویت سودان، بابیه و بهائیت و احمدیه، صرف نظر از میزان راستی یا کثرت آن ها حکایت گر اصالت و ریشه داری اندیشه مهدویت در ذهنیت مسلمانان است.^۲

۲- اصالت از دیدگاه قرآن

در قرآن کریم آیات مختلفی از اندیشه مهدویت به چشم می خورد که برخی از آن ها به مدد روایات و تفسیرهای مبتنی بر دیدگاه های کلامی و یا مصادر حجیت مذهبی، بر آموزه ی منجی دلالت می کنند. و برخی دیگر دلالت مستقل تری بر حتمی بودن وقوع حادثه ای دارد، که به نظر می رسد می توان سر منشاء قرآنی منجی باوری مسلمانان را این سه آیه دانست.^۳

«و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عباد الصالحون»^۴

۱- فقیه ایمانی، اصالت مهدویت

۲- علی موحدیان عطار، گونه شناسی اندیشه موعود در اسلام، ج ۲۱، ص ۴۳

۳- پیشین، ج ۲۱، ص ۳۸

۴- انبیاء، آیه ۱۰۵

این آیه بشارت می دهد که شایستگان وارث و صاحب زمین خواهند شد و چون مراد از زمین، کل زمین می باشد بنابراین آیه خبر از روزگاری می دهد که زمین و اداره ی آن در همه ی قاره ها، و همه ی مناطق و معادن آن در اختیار بندگان شایسته خدا در می آید.^۱

«و نریدان نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین»^۲

و اراده ما این است که بر کسانی که در زمین مستضعف واقع شده اند منت گذاریم و ایشان را امامان و وارثان قرار دهیم و در زمین به ایشان دولت بخشیم.

«وعد الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات یتتخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امننا...»^۳

خدا به کسانی از شما که ایمان آورند و اعمال صالح انجام دهند وعده داده است که ایشان را در زمین جانشین گرداند، چنان که پیشینیان ایشان را جانشین ساخت، و دینی را که برای ایشان پسندید، پایدار سازد و ایشان را زاپس ترس شان به ایمنی برگرداند تا مرا بپرستند بی آن که چیزی را شریک من گیرند.

اگر از اختلاف نظر تفسیری این آیات چشم پوشی کنیم، قدر متیقن از این آیات، این سنت قطعی و وعده تخلف ناپذیر خداست که مؤمنان دوست کردار خویش را که بنا به شرایطی در صنعت و فتور سر کرده و صبر کرده اند، به

۱- لطف الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۱۴۵

۲- سوره قصص، آیه ۵

۳- سوره نور، آیه ۵۵

ظفر و نصر می رساند و ایمنی می بخشد و دین پسندیده اش را پایدار می سازد تا شرایط زندگی موحدانه برای آنان فراهم آید.^۱

بنابراین از این سه آیه شریفه مشخص می شود که حتی اگر ما یک حدیث هم در باب ظهور حضرت مهدی نداشتیم آیات قرآن برای اثبات مدعای ما کافی بود و هنگامیکه یک مطلب پشتوانه ای چنین مستحکم داشته باشد که اراده خدا و نوشته خدا و وعده قطعی را به دنبال داشته باشد جای هیچ گونه تردید نیست و حتماً این مطلب تحقق یافتنی است.^۲

۳- اصالت از دیدگاه روایات

برای اعتبار و اصالت مهدویت در اسلام پس از قرآن، باید به سراغ احادیث رفت بالاخص احادیث نبوی که در میان عموم مسلمین مقبولیت بیشتری دارد. اصالت مهدویت از جهت اسنادی آن بر احادیث معتبر و متواتر در نهایت وضوح می باشد و کتابهای حدیث و صحاح و جوامع سنن و اصول شیعه و اهل سنت که احادیث مربوط به این موضوع را روایت نموده اند از حد شمارش خارج است و علما و محدثین بزرگ پیرامون آن صدها کتاب نوشته اند.^۳ و همه آنها بر این نکته اتفاق دارند که تا او ظهور نکند سیر این عالم و این جامعه بشری به پایان نخواهد رسید. و اگر هم اختلافی بین فرق مختلف آنهاست بر سر جزئیات می باشد.^۴ بنابر یک بررسی انجام شده حدود ۳۳۸ حدیث از پیامبر اسلام درباره مهدی موعود در منابع نقل شده است که نشان

۱- علی موحیدیان عطار، گونه شناسی اندیشه موعود در اسلام، ج ۲، ص ۲۹

۲- علی صفائی کاشانی، اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن (بی جا، انتشارات مفید، ۱۳۷۶)، صص ۱۸ و ۱۹

۳- لطف الله الصافی الکلیپایکانی، امامت و مهدویت، ج ۲، صص ۱۶۱ و ۱۶۲

۴- لطف الله الصافی الکلیپایکانی، امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۱۶۱

دهنده اهمیت و اصالت مهدویت از زمان پیامبر اکرم (ص) باشد. بنابراین می توان اسلام را در زمره جدی ترین ادیان منجی باور قرار داد.^۱

مشهورترین حدیث بین همه فرقه های اسلام از پیامبر اکرم (ص) ل شد است روایت «تملاً الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً» می باشد که این حدیث به همراه موضوعات دیگری از مهدویت در ۱۲۳ روایت ذکر شد است. همانند سخن امام حسین (ع) فرمودند: «لو لم يبق من الدنيا الا يوم واجد لطول الله ذلك اليوم حتى يخرج رجل من ولدي يملأها عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً»^۲

اگر یک روز از دنیا باقی بماند خداوند آن قدر آن روز را طولانی می گرداند تا مردی از فرزندان امام حسین (ع) وج کند و زمین را از قسط و عدل پر کند هنگامی که از ظلم و جور پر شده است.

و نیز امام صادق (ع) در این رابطه فرموده اند: اگر در روی زمین جز د نفر کسی دیگر باقی نباشد حتماً یکی از آن دو امام است و هر که شبی را سپری کند و در آن شب امام خود را نشناسد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

۱- علی موحدیان عطار، گونه شناسی اندیشه موعود در اسلام، ج ۲، ص ۴۰

۲- لطف الله الصافی الکلیپایکانی، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، ص ۳۰۸

امام مهدی (عج) در یک نگاه

۱- تولد حضرت مهدی (عج)

بر اساس احادیث معتبری که در دست داریم، حضرت مهدی موعود (عج) در نیمه شعبان سال (۲۵۵ هـ.ق) و با اختلاف برخی احادیث (۲۵۶ هـ.ق) دیده به جهان گشودند.^۱

ولادت ایشان هم توسط افرادی که در زیر نام می بریم دیده شده است و هم بر آن اقرار و اعتراف گشته است.

(۱) توسط قابله

(۲) توسط پدرش امام حسن عسگری (ع)

که با شهادت این دو نفر ولادت هر انسانی ثابت می شود و افرادی که به آن

اعتراف نموده اند:

(۱) مورخین

(۲) علمای علم انساب که به نسب او تصریح نموده اند.

(۳) اعتراف نزدیکان به کارهایی که توسط او انجام گرفته است. مثل سفارش

ها، دستورها، اندرزها، راهنمایی ها و ...^۲

(۴) یاران ائمه و افرادی که به دیدار امام مهدی (ع) ادت داده اند.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه منصور پهلوان، ج ۲، (قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۰)، ص ۵۹۷؛ محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، چ ۴، (بی جا، انتشارات کتابچی، ۷۳)، ص ۵۲

۲- سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ترجمه محمد باقر محبوب القلوب، (جمکران، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰)، ص ۱۵۸

۵) ملاقات هر یک از نواب چهارگانه با امام که روایات پرشماری در این زمینه تأکید نموده اند که بسیاری از این ملاقات در حضور جمعی از شیعیان اتفاق افتاده است که از جمله آن افراد، ابراهیم بن ادريس ابواحمد، ابراهیم بن عبده نیشابوری، احمد بن عبدالله هاشمی.^۱

لازم به ذکر است که حدود ۱۲۸ نفر از علمای حدیثی و تاریخی اهل تسنن در منابع مربوطه اعتراف به ولادت حضرت مهدی در نیمه دوم قرن سوم هجری نموده اند و تنها گروه انگشت شماری از اهل تسنن منکر ولادت ایشان شده اند.^۲

۲- القاب و کنیه امام زمان (عج)

نام نهادن بر کسی از سوی خدای متعال و معصومین، مانند نام گذاردن متعارف خلایق نیست بلکه به این صورت می باشد که در آن رعایت و ملاحظه معنای آن اسم و وجود آن در شخص را می نمایند و تا معنای آن اسم را در آن شخص نیابند آن اسم را برای او نمی گذارند بنابراین از کثرت اسامی به مقامات آن شخص پی می بریم. و یا کثرت اسامی حضرت مهدی (عج) ظاهر می شود که درک اندکی از مقام امام زمان (ع) از قوه بشر بیرون است.^۳

صاحب کتاب نجم الثاقب، حدود ۱۸۲ اسم برای حضرت شمرده است و بیان نموده است که بیشتر این اسامی و القاب و کنیه ها از جانب مقدس حضرت باری تعالی و انبیاء و اوصیاء است.

۱- سید ثامر هاشم العمیدی، در انتظار ققنوس، ترجمه مهدی علیزاده، (قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۷۹)

۲- فقیه ایمانی، اصالت مهدویت، صص ۷۳ و ۷۹

۳- حسین طبرسی نوری، نجم الثاقب، (قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰)، ص ۱۳۲

امام حسن عسکری (ع) هنگام کشته شدن «زبیری» یکی از دشمنان خود فرمود: این است مجازات کسی که بر خدا نسبت به اولیانش دروغ بزند، او گمان کرد که مرا خواهد کشت و نسل من قطع می شود، چگونه قدرت خدا را مشاهده کرد؟ و برای من پسری متولد شد که نام او «م ح م د» است.^۱

در ذیل اشاره ای به برخی از اسامی حضرت که در قرآن و احادیث بکار رفته است می پردازیم.

بقیه الله، بئر معطله، بلد الامین، جوار الكنس، رب الارض، منحی، ماء معین، احمد، ابوالقاسم، ابو عبدالله، جعفر، ابومحمد، ابوابراهیم، ابوالحسن، ابوالصالح، احسان، باسط، بقیه الانبیاء، جمعه، حجه، حجه الله، حق، حجاب، حمد، حامد، خاتم الاوصیاء، خاتم الأئمه، خجسته، خلف صالح، خنس، دابه الارض، مساعه، صاحب، صاحب الزمان، صاحب العصر، صاحب الامر، صراط، عالم، عدل، عاقبه الدار، عین، غایب، کماشف الغطاء، قائم الزمان، منتقم، منصور، منتظر، موعود، مضطر، و اسامی دیگر.^۲

و نیز در روایت آمده است که لقب «خاتم الاوصیاء» که به معنای پایان بخش جانشینان پیامبر اکرم (ص) باشد، ابتدا بر زبان خود آن حضرت در کودکی جاری شده است.^۳

۱- ابی جعفر کلینی رازی، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، ج ۲، (بی جا، انتشارات علمیه سلامیه، بی تا)، ص ۴۴۹؛ محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۹۷

۲- حسین طبرسی نوری، نجم الثاقب، ص ۵۵ الی ۱۳۲

۳- خدا مراد سلیمیان، فرهنگ نامه مهدویت، (قم، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی، ۱۳۸۳)، ص ۱۴۷؛ به نقل از بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۹۳

۳- تجسس درباره ی نسب حضرت مهدی (عج)

روایات فراوانی نسب حضرت مهدی موعود (عج) را به پیامبر اکرم (ص) دانند که ایشان فرزند امام حسن عسکری (ع) حسینی می باشد. که برای اثبات این مدعا به برخی از احادیث اشاره ای می نمائیم.

در منابع اهل تسنن و تشیع از پیامبر اکرم (ص) نقل است که مهدی (ع) از من است، مهدی (ع) از فرزندان من است^۱ و ما فرزندان عبدالمطلب، سروران اهل بهشتیم، من و حمزه و علی و جعفر و حسن و حسین و مهدی^۲ (ع) و هم چنین مهدی (ع) از فرزندان ابی طالب و از فرزندان علی (ع) است^۳ امام صادق (ع) در این زمینه بیان نموده اند که مهدی (ع) از بنی هاشم از بلند مقام ترین طوایف عرب است.^۴

و نیز امام سجاد (ع) تأویل آیه «قال انی جاعلک للناس اماما قال و من ذریتی، قال لا ینال عهدی الظالمین» فرموده اند که این آیه درباره ما نازل شده است و امامت در بازماندگان حسین بن علی است تا روز قیامت.^۵

۱- محمد باقر مجلسی، مهدی موعود، ترجمه حسن بن محمد ولی ارومیه ای، ج ۱، چ ۳، (جمکران، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰)، ص ۶۰؛ سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، صص ۸۷ و ۸۸ به نقل از سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷ و کمال الدین و تمام النعمه ج ۱، ص ۲۸۷

۲- سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ص ۷۴، به نقل از سنن ابی ماجه، ج ۲، و الفیبه شیخ طوسی، ص ۱۱۳

۳- پیشین، ص ۷۵

۴- محمد ابراهیم النعمانی، غیبت نعمانی، ص ۳۱۱

۵- محمد جواد مولوی نیا، سیمای مهدویت در قرآن، (قم، انتشارات امام عصر، ۱۳۸۱)، ص ۱۰۰

در سنن ابی ماجه و بحارالانوار روایت شده است که ایشان مردی است از فرزندان فاطمه و جانشین صالحی برای امام حسن عسکری (ع) ت.^۱ اکثریت علمای اهل سنن سلسله نسب پدری آن بزرگوار را از امام حسن عسکری (ع) امام حسین (ع) تهی می نمایند و بنابراین دیگر جای هیچ شکی نیست که حضرت مهدی (ع) حسینی است.

۴- وصف زیبایی امام زمان (عج)

جوانی است خوش سیما، با اندامی متوسط و قوی،^۲ موهایی سیاه و بلند و فرق باز کرده که بر روی شانه هایش ریخته است.^۳ گونه هایش کم گوشت و لطیف^۴ که یک خال سیاه بر گونه راست او مانند دانه مشکی روی سفیدی نقره می باشد.^۵

پیشانی بلند و براق و بینی باریک^۶ و ابروهایی کمانی و نزدیک به هم دارد، چشمانش سیاه و درشت و فرورفته است.^۷ دندانهایش ثنایای او درخشانده و با فاصله می باشد.

۱- محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۴۳

۲- محمد بن ابراهیم النعمانی، غیبت نعمانی، ص ۳۱۴؛ جواد جعفری، جمال یار، فصلنامه انتظار، ش ۵، ج ۲، ص ۱۶۵

۳- محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۲، چ ۵، (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰)، ص ۵۲۲؛ جواد جعفری، جمال یار، ص ۱۷۱

۴- پیشین، ص ۱۷۲

۵- پیشین، ص ۱۷۳؛ محمد ابراهیم النعمانی، غیبت نعمانی، ص ۳۱۵

۶- پیشین، ص ۳۱۳؛ جواد جعفری، جمال یار، ص ۱۷۴

۷- پیشین، ص ۱۷۶

استخوان شانه های او بزرگ و سینه ای فراخ و پهن^۱ دارد، ریش پرپشت و کوتاهی دارد که نور رویش سیاهی موی ریش و سرش را فرا گرفته است.^۲ کف دست و پایش درشت که بر دست راستش نیز یک خال نمایان می باشد. همیشه خوش بو و با هیبت است و دارای چهره ای درخشان تر از ماه و کمی گندم گون است.^۳ رانهای او درشت و پهن و شکم او کمی برآمده و سرش گرد می باشد.^۴ در صورت و میان دو چشمانش اثر سجده نمایان است.

وقاری دارد که موزون تر از آن را چشم ها ندیده است و زیباتر و دل آرام تر و باحیاطتر از ایشان نمی شناسند. پاک جامه، مانند بزرگان اهل احسان و سخاوت و تقوا و پاکیزگی و شبیه ترین مردم به رسول خدا در سیرت و صورت و زیبایی و جمال و گفتار و رفتار،^۵ و بالاخره طاووس اهل بهشت است.^۶

۱- محمد ابراهیم النعمانی، غیبت نعمانی، ص ۳۱۳؛ جواد جعفری، جمال یار، ص ۱۸۳

۲- شیخ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۵۲۲؛ جواد جعفری، جمال یار، ص

۱۸۲

۳- پیشین، صص ۱۸۶ و ۱۶۷

۴- محمد ابراهیم النعمانی، غیبت نعمانی، ص ۳۱۳؛ جواد جعفری، جمال یار، صص ۱۸۸ و ۱۷۰

۵- جواد جعفری، جمال یار، صص ۱۵۴ الی ۱۵۹

۶- محمد باقر مجلسی، مهدی موعود، ص ۷۲

۵- زمان غیبت امام

از رسول اکرم (ص) نقل شده است برای قائم غیبتی است که در آن زمان مؤمنین آزمایش شوند و کافران نابود گردند.^۱

پس از رحلت پیامبر اکرم ص دشمنان اسلام و مسلمین فریب شیطان را خورده و برای رسیدن به جاه و مقام نقشه های شوم خود را پیاده کردند و زمام سور مسلمانان را به دست گرفتند و هر چه زمانه به جلو می رفت و به امامت امام دوازدهم نزدیک می شد میزان ظلم و ستم آن ها نسبت به امامان بیشتر می شد تا آنجایی که در صدد قتل آن ها بر می آمدند بنابراین مشیت الهی بر آن شد که آخرین امام از دیده ها پنهان شود و در غیبت به انجام رسالت خویش پردازد.

ام هانی گوید: امام باقر را ملاقات کردم و از او در مورد این آیه شریفه سوال کردم: «فلا اقسَمُ بالخنس الجوار الكنس» ایشان فرمودند: منظور از «خنس» امی است که خویشان را در زمان خود به هنگام قطع شدن آگاهی مردم نسبت به او از دیده ها غائب می سازد و سپس مانند ستاره ای درخشان در تاریکی شب آشکار می شود.^۲

الم (۱) ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين (۲) الذين يؤمنون بالغيب و بمون الصلاة و ممارزقناهم ينفقون (۳)

شريف، ۳۱۳ نشانه از يار غريب (قم، انتشارات دارالهدى، ۱۳۸۱)، حديث ۶۲ به نقل از كمال الدين مام النعمه، ج ۱، ص ۴۵

محمدبن النعماني، غيبت نعماني، ص ۲۱۵

امام صادق (ع) در تأویل آیات ۱ تا ۳ سوره بقره فرموده اند مقصود از متقین شیعیان علی است و مقصود از ایمان به غیبت ایمان به حضرت بقیه الله است که غائب خواهد بود.^۱

سیمای جهان قبل از ظهور در روایات

۱- فراگیر شدن ظلم و فساد و تبعیض

نخستین نشانه ای که با مشاهده ی آن می توان نزدیک شدن هر انقلابی را پیش بینی کرد گسترش ظلم و جور و فساد و تجاوز به حقوق دیگران است همان طور که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: *یملأ الارض قسطاً و عدلاً كما طئت ظلماً و جوراً*^۲

امام صادق در روایتی اشاره به ده ها نوع از فساد قبل از ظهور نموده است که به قسمتی از این روایت که خطاب به یکی از یاران خود می باشد اشاره می نمایم:

هنگامی که ببینی ظلم و ستم همه جا را فراگرفته است و قرآن فرسوده و بدعت ها از روی هوا و هوس در مفاهیم آن آمده، اهل باطل بر اهل حق پیشی گرفته اند، مردان به مردان و زنان به زنان قناعت کنند، کوچک ترها احترام بزرگ ترها را رعایت نکنند، پیوند خویشاوندی بریده شده، مداحی و چاپلوسی فراوان شده آشکارا شراب نوشیده شود. حلال تحریم شود و حرام مجاز شمرده شود، رشوه خواری در میان کارکنان دولت رایج گردد، مردان از خود

۱- سید جواد رضوی، سیمای حضرت مهدی در قرآن در پرتو روایات، (قم، انتشارات موعود اسلام،

۱۳۸۲)، ص ۲۱

۲- سوره بقره، آیات ۱ تا ۳

فروشی زنان خود ارتزاق کنند، قمار آشکار گردد. آلات لهو و لعب در مکه و مدینه آشکار گردد، مساجد را به زیورها بیارایند، مردم سنگدل شوند، تمام همت مردم شکم و فرجشان باشد، زنان خود را در اختیار افراد بی ایمان گذارند، حکومت به دست زنان افتد، مردم نسبت به وقت نماز بی اعتنا شوند و ... در چنین زمانی مراقب خویش باش و از خدا تقاضای نجات و رهایی از این وضع ناهنجار کن که فرج نزدیک است.^۱

در احادیث دیگری وارد شده است که، آن امری که انتظارش را می کشید واقع نمی شود تا این که عده ای از شما از دیگران بیزار است و بعضی از شما در روی دیگران آب دهان می اندازد و پاره ای از شما بر کفر دیگری شهادت می دهد و عده ای عده دیگر را نفرین می کند.^۲

در آن زمان زنان شما صنایع و فاسد می شوند و به معروف امر نمی کنند و منکر نهی نمی نمایند.^۳

دوران غیبت کبری دوران سخت و طولانی است زمان قساوت قلب ها و شته شدن زمین از ظلم و ستم است.^۴ حاکمان فاجر و ظالمان بر اریکه ی زت تکیه خواهند زد.^۵

لطف الله الصافی الكلپایکانی، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، ص ۳۰۸
ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی، ج ۲، ج ۱۱، (قم، انتشارات نسل جوان، ۱۳۸۰)، ص ۱
به نقل از بحار الانوار، ج ۵۲

محمدبن ابراهیم النعمانی، غیبت نعمانی، ص ۲۹۹

محمدباقر مجلسی، مهدی موعود، ج ۲، ص ۷

شریف، ۳۱۳ نشانه از یار غریب، حدیث ۲۵، به نقل از کمال الدین، ج ۲، ص ۱۹۳

امیر المؤمنین در این رابطه می فرماید: پس از ۱۵۰ سال شما را فرمانروایانی کافر امینانی که خیانت پیشه اند و بازرسانی که خود فاسق اند خواهد بود در نتیجه بازرگانان بسیار و سودها اندک می شود، ربا رواج می یابد و زنازادگان فراوان می گردند و زناکاری زیاد می شود و معارف دین ناشناخته می ماند و زنان به زنان بسنده می کنند و مردان به مردان.^۱

۲- قیام های زمان ظهور حضرت مهدی (عج)

- خروج سفیانی

«و کذا الک انزلناه قرء انا عربياً و صرفنا فيه من الوعيد لعلهم يتقون او يحدث لهم ذکرا»^۲

علی بن ابراهیم در تفسیر این آیه که منسوب به امام صادق (ع) است در مورد «او يحدث لهم ذکرا» آورده است: یعنی آنچه که از امر و ماجرای حضرت قائم (ع) و سفیانی پدیدار می شود.^۳

در احادیث فراوانی رسیده است که: پیش از قیام قائم (ع) پنج نشانه به ظهور آید، یمانی، سفیانی، منادی، آسمانی، فرورفتن زمین در بیداء و کشتن نفس زکیه.^۴

۱- مهدی علیزاده، نشانه های یار و چکافه انتظار، ج ۲، (قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۸۲)، ص ۳۲

۲- محمدبن ابراهیم النعمانی، غیبت نعمانی، ص ۳۵۹

۳- سوره طه، آیه ۱۱۳

۴- سید هاشم حسینی بحرانی، سیمای حضرت مهدی در قرآن، ترجمه مهدی حائری قزوینی، ج ۲، (تهران، نشر آفاق، ۱۳۷۶)، ص ۴۴۹

خروج سفیانی یکی از علائم حتمی می باشد که در ماه رجب اتفاق می افتد و از آغاز خروج تا پایان آن جمعاً پانزده ماه می شود که در شش ماه آن جنگ و پیکار می کند و نه ماه آن را فرمانروایی می کند. ایشان که رهبری جبهه ی باطل و نیروهای مهدی ستیز را بر عهده دارد عثمان بن عنبه بن ابی سفیان است که از نسل ابوسفیان مشرک معروف صدر اسلام است و ی لشکری را تجهیز نموده و برای مقابله با امام به سوی مکه روانه می شود و بر نواحی پنج گانه دمشق، حمص، اردن، حلب و قرین حکومت می کند و خون های زیادی را خواهد ریخت تا این که سرانجام در منطقه فلسطین شرقی به دست سپاهیان صاحب الزمان اسیر می شود و در کنار دریاچه طبریه چونان گوسفندی سراز بدنش جدا می گردد.^۲

امام باقر(ع) در مورد سفیانی فرموده است که ایشان سرخ روئی سفید پوست، و دارای چشمانی زاغ است که هرگز خدا را پرستش ننموده و هرگز مکه و مدینه را ندیده است.^۳

وی خبیث ترین مردم است و از جمله خبائثش این است که کنیزی را که از او صاحب فرزند است زنده در گور می کند.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۵۳؛ محمدبن ابراهیم النعمانی، غیبت نعمانی، ج ۲، ص ۵۵۷

۲- مهدی علیزاده، نشانه های یار و چکامه انتظار، ص ۳۴

۳- محمدبن ابراهیم النعمانی، غیبت نعمانی، ص ۴۳۵

- خروج یمانی

یکی دیگر از افرادی که در آخرالزمان خروج خواهد کرد، یمانی است وی فردی است که از یمن قیام می کند و از نسل زیدبن علی بن الحسین می باشد. او و سفیانی و خراسانی هر سه در یک روز حرکت خود را آغاز می کنند و پرچم های خود را بر می افرازند.^۱

از امام باقر(ع) نقل شده است که:

«خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یکسال و یک ماه و یک روز واقع خواهد شد با نظام و ترتیبی همچون نظام یک رشته که بند کشیده شده هر یک از پی دیگری و جنگ قدرت و هیبت از هر سوی فراگیر شود، وای بر کسی که با آنان دشمنی و ستیز کند، در میان پرچم ها راهنماتر از پرچم یمانی نباشد که آن پرچم هدایت است زیرا دعوت به صاحب شما می کند، و هنگامی که یمانی خروج کند خرید و فروش سلاح برای مردم و هر مسلمانی ممنوع است و چون یمانی خروج کرد به سوی او بشتاب که همانا پرچم او پرچم هدایت است هیچ مسلمانی را روانباشد که با آن پرچم مقابله نماید، پس هر کس چنین کند او از اهل آتش است، زیرا او را به سوی حق و راه مستقیم فرا می خوانند.»^۲

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۵۷

۲- مهدی علیزاده، نشانه های یار و چکامه انتظار، ص ۴۸

- خروج خراسانی

خراسانی که برخی وی را مردی از بنی تمیم دانسته اند همراه یمانی و سفیانی در همان سال خروج خواهد کرد.^۱

امام باقر(ع) در مورد خروج خراسانی می فرماید: «بنی عباس باید سلطنت بکنند وقتی که به سلطنت رسیدند و با یکدیگر مخالفت کردند و کارهایشان متفرق و پراکنده گردید آن وقت خراسانی برایشان خروج می کند خراسانی از مشرق و سفیانی از مغرب، هر یکی از ایشان می خواهد که پیشتر از دیگری به کوفه داخل شود. مانند دو اسب گرو بندی که یکی از این جا و دیگری از آن جامی آید حتی هلاکت بنی عباس در دست ایشان می باشد. آگاه شوید که آن دو نفر احدی را از ایشان باقی نمی گذارند.»

- دجال

دجال هم ستمکاری است که مردم را گمراه خواهد کرد که در هر سه دین، یهودیت و مسیحیت و اسلام مطرح شده است. دجال به معنای آب طلا و طلا اندود کردن است به همین علت افراد بسیار دروغ گویی که باطل را حق جلوه می دهند دجال نامیده می شوند.^۲

- نفس زکیه

یکی دیگر از قیام کنندگان پیش از ظهور نفس زکیه است رسول اکرم (ص) فرموده است که مهدی خروج نمی کند مگر پس از آنکه نفس زکیه کشته شود

۱- خدامراد سلیمان، فرهنگ نامه مهدویت، ص ۱۴۸

۲- محمدبن ابراهیم النعمانی، غیبت نعمانی، ص ۳۶۹

و چون او به شهادت رسید اهل آسمان و زمین بر قاتلان او خشمگین می شوند.^۱ وی در مکه میان رکن و مقام ابراهیم در ۲۵ ذی الحجه به قتل می رسد. افزون بر نفس زکیه در روایات اشاره به دو تن دیگر به نام سید حسنی و فردی هاشمی شده است.^۲

– دابه الارض

دابه الارض از علائم ظهور منجی آخرالزمان است که در روایات فراوانی از آن نام برده شده است که از جمله در خطبه امیرالمؤمنین آمده است که: «دابه از زمین نزدیک سرزمین صفا خارج می شود در حالی که انگشتی سلیمان بن داود و عصای موسی را با خود دارد، انگشتی را بر صورت هر مؤمنی نهد، بر روی آن این جمله نقش می بندد، به درستی که این مرد مؤمن است. بر صورت هر کافری نهد بر آن چنین ظاهر می شود به راستی که این فرد کافر است. آن گاه دابه سر خود را بلند می کند و با مشیت الهی تمامی اهل جهان وی را مشاهده می کنند و در اغلب کتب دابه الارض بر خود وجود شریف امام زمان تطبیق شده است.^۳

۱- علی کورانی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، ج ۲، (تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۷۸)، ص ۳۱۳

۲- مهدی علیزاده، نشانه های یار و چکامه انتظار، ص ۴۵ الی ۴۷، به نقل از بحارالانوار، ج ۵۲، الغیبه شیخ طوسی، ص ۴۶۴

۳- مهدی علیزاده، نشانه های یار و چکامه انتظار، ص ۵۲ و ۵۳ به نقل از کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۷

۳- حوادث ناگوار پیش از ظهور

«ولنبلوکم بشیءٍ من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرين»^۱

یکی دیگر از علائم ظهور این است که قبل از ظهور حوادث و سختی هایی بر مردم وارد می شود که امام صادق (ع) در تأویل این آیه شریفه فرموده است: پیش از ظهور قائم نشانه هایی از جانب خداوند برای مؤمنان خواهد بود که از آن جمله قول خدای متعال است که پیش از خروج قائم مؤمنان را به واسطه ی خوف از پادشاهان بنی فلان در آخر سلطنت آن ها و گرسنگی و گرانی قیمت ها و کاستی در اعمال امتحان می کنیم و صابران را در آن هنگام مژده به تعجیل خروج قائم بده و تأویل این آیه را جز خداوند و راسخان در علم نمی دانند.^۲

امام پس از تلاوت این آیه فرمودند ناگزیر باید پیش از آمدن قائم سالی با شد که مردم در آن سال گرسنه بمانند و آنان را ترسی سخت از کشتار و کاهش در مال ها و کم شدن عمرها و محصولات فراگیرد که این در کتاب خداوند بسیار آشکار است.^۳

کسوف خورشید در نیمه ماه رمضان و خسوف ماه در آخر آن از حوادث دیگر نزدیک ظهور می باشد.^۴

۱- سوره بقره، آیه ۱۵۵

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۵۵

۳- محمد ابراهیم نعمانی، غیبت نعمانی، ص ۳۶۲

۴- شیخ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۵۵؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۶۳

وقوع زلزله ها و گرفتاری و بلائی که مردم را فرا می گیرد و فراگیر شدن بیماری طاعون و دگرگونی در وضع مردم^۱ و توقف سیر خورشید در آسمان از هنگام ظهر تا نیمه های عصر خراب شدن دیوار مسجد کوفه، پیدایش سرخی در آسمان که در اطراف پراکنده شود و آتش که در طول مشرق آشکار شود و سه روز یا هفت روز در آسمان باقی بماند. خرابی شام، طغیان رود فرات به طوری که آب در کوچه های کوفه جاری می شود. آمدن باد سیاهی در بغداد و ترسی که همه اهل عراق را فرا گیرد.^۱

از امام صادق (ع) روایت شده است که: «مردم را مرگ و میر و کشتاری فرا گیرد تا آنجا که مردم در آن حال به حرم پناه جویند پس ندا کنند ای صادق، از شدت کشتار آواز دهد، کشت و کشتاری برای چیست؟ صاحب شما فلانی است.»^۲

همچنین در جای دیگری فرموده اند که قبل از قیام قائم دو مرگ شیوع می باید، که معروف به مرگ سرخ و مرگ سفید است به طوری که از ۷ نفر ۵ نفر با این مرگ از دنیا می روند. مرگ سرخ با شمشیر و مرگ سفید با طاعون است.^۳

۱- شیخ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۵۰۶

۲- محمد بن ابراهیم النعمانی، غیبت نعمانی، ص ۳۸۴

۳- محمد بن ابراهیم النعمانی، غیبت نعمانی، ص ۴۸۴؛ شیخ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۵۰۹

۴- ندای آسمانی

یکی از علائم حتمی پیش از ظهور ندای آسمانی می باشد.^۱ چنان چه زراره از امام صادق (ع) روایت کرده است که فرمود: «ندا کننده ای قائم را به نام می خواند گفتم: ندای خاص است یا ندای عام، گفت: هر ملتی به زبان خود آن را می شنود، گفتم: پس چه کسی با او مخالفت می کند در حالی که او را به نام می خوانند؟ فرمود: ابلیس آنان را رها نمی کند و در آخر شب ندا می کند و مردم را به شک و اطمینان می داد.»^۲

امام باقر (ع) هم در رابطه با ندای آسمانی فرموده اند: اول روز آوازی از آسمان بلند می شود که آگاه باشید، آگاه باشید حق با علی و شیعیان اوست، و در آخر روز هم شیطان از روی زمین فریاد می کند، آگاه باشید که حق با عثمان و شیعیان است و آن گاه اهل باطل به شک می افتند،^۳ و روایت شده است آن ندا در شب جمعه بیست و سوم ماه رمضان می باشد.^۴

۵- اصحاب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

حضرت برای ظهور و تشکیل حکومت و از بین بردن فساد نیاز به اصحاب خاص و تربیت شده دارد که در مورد این یاران و ویژگی های آن ها در روایات ائمه به آن پرداخته شده است

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۵۶

۲- شیخ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۵۰۹

۳- محمدبن ابراهیم النعمانی، غیبت نعمانی، ص ۳۶۶

۴- شیخ مفید الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۵۰۹؛ محمدبن ابراهیم النعمانی، غیبت

نعمانی، ص ۳۶۵

«وَلئن أَخْرنا عَنْهم العذاب الی أمه معدوده...»^۱

حضرت علی (ع) در تأویل این آیه بیان کرده است که «امه معدوده»

اصحاب مهدی (ع) می باشند که آن ها سیصد و ده و چند نفر هستند.^۲

در روایات دیگر هم آمده است که به همراه قائم سیصد و سیزده تن که به

شمار اصحاب جنگ بدر می باشند خروج می کنند که این اصحاب هم یاران

نیرومند دیگری دارند که تعداد آن ها در روایات به ۱۰ هزار تن می رسد.^۳

در روایات پیشوایان دینی از صفات و ویژگی های اصحاب مهدی (ع) هم

سخن به میان آمده است که به برخی از آن ها اشاره می نمایم.

- معرفت و اطاعت

حضرت علی (ع) درباره آن ها می فرماید: مردانی که خدا را چنان که

شایسته است شناخته اند.

- عبادت و پارسایی

امام صادق (ع) می فرمایند: شب ها را با عبادت به صبح می رسانند و

روزها را با روزه به پایان می برند.

- شجاعت و دلیری

امام علی (ع) در وصف آن ها فرموده است: همه آن ها شیرانی هستند که

بیشه ها بیرون شده اند و اگر اراده کنند کوه ها را از جا می کنند.^۱

۱- سوره هود، آیه ۸

۲- سید هاشم حسینی بحرانی، سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۱۷۹

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۶۰

- جوان

امیرمؤمنان (ع) می فرماید: یاران مهدی (ع) همه جوانند و پیر و کهن سال در میان آنان وجود ندارد جز تعداد اندکی که مانند سرمه برای چشم و نمک برای غذا لازم هستند.

- محبوب

امام باقر (ع): آنان به قدری محبوبیت دارند که جایی از زمین بر جای دیگر فخر و مباهات می کند و می گوید: امروز یکی از یاران مهدی (ع) بر من گام نهاد و از این جا گذشت.

- عاشق شهادت

امام صادق (ع): آنان از ترس خدا بیمناک هستند و آرزوی شهادت دارند.^۲

- صبر و بردباری

امام علی (ع): آن ها گروهی هستند که به خاطر صبر و بردباری در راه خدا، بر خداوند منت نمی گذارند.

- اتحاد و همدلی

امام علی (ع): ایشان یک دل و هماهنگ هستند.

2- گروه نویسندگان، نگین آفرینش، ص ۱۴۷ الی ۱۴۹

1- نجم الدین طیبی، چشم اندازی به سوی حکومت مهدی، صص ۱۱۴ و ۱۱۶

– زهد و پارسایی

امام علی (ع) او از یارانش بیعت می گیرد که طلا و نقره ای نیندوزند و گندم و جوی ذخیره نکنند.^۱

۶- زمان ظهور

امام صادق (ع) :

«ما زمانی را برای ظهور این امر معین نمی کنیم و کسانی که وقت تعیین می کنند دروغ می گویند.»^۲

هم چنین از امام باقر (ع) نقل شده است که، همانا خدای تبارک و تعالی این امر را در هفتاد وقت گذاشت، چون امام حسین کشته شد، خشم خدای تعالی بر اهل زمین سخت شد، و آن را تا صد و چهل به تأخیر انداخت سپس که مابه شما خبر دادیم، آن خبر را فاش ساختید و از روی پوشیده پرده برداشتید، بعد از آن خدا برای آن وقتی نزد ما قرار نداد، خدا هر چه را بخواهد محو می کند و ثابت می گذارد و اصل کتاب نزد اوست.^۳

بر اساس روایاتی که دلالت دارد بر این که امام به همه ی حقایق عالم و آنچه بوده و هست و خواهد بود آگاه است، امام زمان وقت ظهور را می داند.^۴

۱- گروه نویسندگان، نگین آفرینش، ص ۱۴۹ و ۱۵۰

۲- محمدبن ابراهیم النعمانی، غیبت نعمانی، ص ۴۱۵

۳- ابی جعفر کلینی رازی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۰

۴- علی سعادت پرور، ظهور نور، ترجمه سید محمدجواد وزیری فرد، ج ۲، (تهران، شرکت انتشارات احیاء کتاب، ۱۳۸۰)، ص ۱۴۶

در مورد نشانه های روز ظهور آمده است که مهدی در مکه در کنار بین الله الحرام، پشت به کعبه داده و به مردم می گوید: بقیه الله خیر لکم ان کتم مؤمنین و سپس می فرماید انا بقیه الله فی ارضه.^۱

و در آن هنگام ملکی بر فراز وجود شریف حضرت ندا می دهد این است مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) او را تبعیت کنید.^۲

دستاوردهای حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

۱- تشکیل حکومت جهانی

مدینه ی فاضله، جهانی شدن، دهکده جهانی و هر نام دیگری که برای تشکیل حکومت جهانی نهاده باشند، محقق نخواهد شد، جز با ظهور مهدی آل محمد (ص) و یاران خاص او که برای منفعت مردم، دین و اسلام تلاش خواهند کرد تا در پرتو حکومت جهانی عدالت جهانی برقرار نمایند و ظلم و فساد را از بین ببرند و با غلبه بر ادیان دیگر با دین واحد جامعه ی بشری را به کمال مطلوب برسانند و مردم دنیا را از چنگال ستمگران مفسدان و جباران نجات دهند.

در نگاه اول به نظر می رسد که پاک ساختن زمین از ظلم و ستم و برچیدن بساط طاغوت ها ممکن نباشد ولی خداوند حکیم چنین مصلحت دانسته است که زندگی انسان بر اساس قانون نزاع حق و باطل و خیر و شر برقرار باشد و

۱- شریف، ۳۱۳ نشانه از یار غریب، حدیث ۱۰۰

۲- مهدی علیزاده، نشانه های یار و چکامه انتظار، ص ۲۹

برای هر چیز حد و مرزی و برای ظلم و بیداد هم سرانجامی تعیین نموده است.^۱

اسلام پایان تاریخ بشر را حاکمیت صالحان می‌داند و این وعده‌ی حتمی خداوند به انسان‌ها به خصوص مستضعفان و ستم‌دیده‌گان است.^۲

«و اورثنا القوم الدین کانوا یتضعفون مشارق الارض و مغاربها الی بار کنافیها»^۳ که سوره‌های «انبیاء / ۱۰۵» و «قصص / ۵» از جمله آیات در مورد وعده حاکمیت مستضعفین و صالحان می‌باشد.

امام باقر (ع) منظور از صالحان در آیه شریفه را اصحاب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آخر الزمان خوانده‌اند و امام علی نیز صالحان را گروه آل محمد نام نهاده‌اند و فرموده‌اند خداوند مهدی آن‌ها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می‌شود بر می‌انگیزد به آن‌ها عزت می‌دهد و دشمنانشان را خوار و ذلیل می‌کند.^۴

انسان‌ها همواره در جهت رشد و تعالی خویش تلاش می‌کنند اما کمال و رشد واقعی تحقق نخواهد یافت جز با تشکیل یک حکومت آسمانی و ظهور انسان کامل و هادی بشر که بتواند به حرکت و تلاش انسان‌ها جهت دهد این مبنا می‌تواند یکی از پایه‌های اساسی تشکیل حکومت جهانی مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تلقی گردد.^۵

۱- علی کورانی، عصر ظهور، ص ۳۵۱

۲- رحیم کارگر، جهانی شدن و حکومت جهانی، فصلنامه انتظار، چ ۲، ش ۶، ص ۱۷۳

۳- سوره اعراف، آیه ۱۳۷

۴- محمد جواد مولوی نیا، سیمای مهدویت در قرآن، صص ۱۱ و ۸

۵- رحیم کارگر، جهانی شدن و حکومت جهانی، ص ۱۷۴

علی بن عقبه از پدرش روایت می کند که فرمود: همانا دولت ما پایان دولت ها است و هیچ خاندانی که بخواهند به دولت و سلطنت رسند به جای نمانند جز این که پیش از ما به سلطنت رسند، تا این که چون راه و روش ما را ببینند نگویند چون ما به سلطنت رسیم مانند اینان رفتار کنیم و همین است معنای گفتار خدای متعال که پایان کارها از آن پرهیزکاران است.^۱

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان آورده است که مراد از وراثت زمین (۱۰۵/ انبیاء) این است که سلطنت بر منافع، از دیگران به صالحان منتقل می شود و خلاصه مفاد آیه این می شود که به زودی زمین از شرک و گناه پاک گشته و مردم صالح که خداوند را بندگی می کنند و به وی شرک نمی نورزند بر روی زمین زندگی خواهند کرد.^۲

رسول اکرم (ص) می فرمایند:

خداوند زمین را برای من فشرده و درهم پیچانده و من شرق و غرب آن را دیدم و به زودی حاکمیت امت من به سراسر جهان خواهد رسید.^۳

۲- عدالت فراگیر

در افکار عموم مردم به خصوص دانشمندان، سیاستمداران و متفکران، عدالت دارای جایگاه مهم و اساسی است و آنان همواره در صدد یافتن راه کارهایی برای دست یافتن به این نیاز آدمی بوده اند، اما تا کنون این امر به وقوع نپیوسته است؛^۴

۱- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۵۲۶

۲- ترجمه المیزان، ج ۱۴، ص ۴۶۵ و ۴۶۶

۳- شریف، ۳۱۳ نشانه از یار غریب، حدیث ۱۲۳، به نقل از صحیح مسلم

۴- رحیم کارگر، جهانی شدن و حکومت جهانی، ص ۱۷۵

عدالت، اساسی ترین و بنیادی ترین عنوان در مبانی سیاسی امام مهدی است و آیات فراوانی از قرآن به عدالت خواهی، عدالت ورزی و عدالت جویی تأکید کرده است خدای متعال در سوره حدید می فرماید:

«ولقدر ارسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط...»^۱

در بیان اهداف ارسال پیامبران، قیام به قسط و گسترش عدالت در میان مردم را هدف اصلی آنان بیان کرده است. که امام مهدی تحقق بخش مقصود رسالت و اهداف پیامبران است و در دوران حکومت اوست که جامعه ی آرمانی پیامبران پا به عرصه ی وجود می گذارد و هدف از خلقت محقق می شود.^۲

امام باقر (ع) در تأویل آیه «اعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها» «حدید/۱۷» فرموده است منظور آیه این است که خداوند زمین را به وسیله حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زنده می کند بعد از آنکه مرده باشد یعنی در زمین عدالت برقرار می سازد.^۳

از جمله نکاتی که از روایت مشهور «یملا الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلماً و جوراً» استفاده می شود نوید به جهانی سرشار از موهبت عدالت است که تنها عدالت اقتصادی یا اجتماعی مورد نظر نیست بلکه عدالت اداری و قضایی و فرهنگی نیز جزئی از آن است و مقصود از پر کردن عدالت در جامعه آن است که عدالت در تمامی اجزاء و لایه های جامعه ریشه دوانده است^۴

۱- سوره حدید، آیه ۲۵

۲- سید محمد کاظم طباطبائی، عدالت جهانی، نماد سیاست مهدوی، فصلنامه انتظار، ش ۱۳، ص ۲۶۵

۳- لطف الله الصافی کلپایکانی، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، ص ۵۹۸

۴- سید محمد کاظم طباطبائی، عدالت جهانی، نماد سیاست مهدوی، ص ۲۶۹

با توجه به روایات موجود مشخص می شود که این عدالت نه تنها شامل همه ی انسان ها می شود بلکه بهائیم را هم در بر می گیرد همان طور که امام حسن مجتبی فرمودند «تصطلح فی ملکه السباع» که در دوران و سلطنت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) درندگان بایکدیگر صلح خواهند کرد^۱

در زمینه ی گستره ی عدالت، امام باقر می فرماید: «اذقام قائمنا فانه تقسیم السویه و يعدل فی خلق الرحمان البر منهم و الفاجر»

در این حدیث اشاره به گستره ی عدالت مهدوی شده است و عدالت را به نوان یک حقّ عام شامل همه ی افراد انسانی می داند و فقیر و غنی، کوچک بزرگ، زن و مرد... نمی شناسد و مقصود از مساوات این است که بیت المال حقّ عمومی همه مسلمانان است باید به شکل مساوی در میان آنان تقسیم شود و ویژگی های شخصی و اجتماعی و حتی سابقه ی مبارزاتی و مدیریتی عث نخواهد شد که سهم بیشتری از بیت المال نصیب کسی شود.^۲

- امنیت

نیت عمومی

یکی از بنیادی ترین کارهای حضرت باز گرداندن امنیت به جامعه جهانی است و مردم در محیطی پر از امنیت که در هیچ روزگاری مانند آن را ندیده است به زندگی خود ادامه می دهند و این امنیت به حدی است که گرگ و سفند در کنار هم زندگی می کنند و هیچ آسیبی به هم نمی رسانند.

علی اکبر مهدی پور، عدالت آفتاب عالمتاب، فصلنامه انتظار، ش ۴، ص ۱۰۱
سید محمد کاظم طباطبائی، عدالت جهانی، نماد سیاست مهدوی، صص ۲۷۳ و ۲۷۴

رسول خدا (ص) می فرماید: در آن هنگام چوپان به گوسفندان خود می گوید، برای چرا به فلان مکان بروید و در این ساعت باز گردید! گله گوسفند میان دو کشتزار می روند ولی هرگز به خوشه ای از آن تعدی نمی کنند و شاخه ای از آن را با پای خود نمی شکنند.^۱

«وعد الله الذین امنوا منکم ... و لیبدلنهم من بعد خوفهم امنا...»^۲

خدای متعال در این آیه از قرآن کریم امنیت پس از ظهور را وعده داده است.

امنیت راه ها

روایات بسیاری در مورد امنیت راه ها در حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وارد شده است، از جمله در حدیثی امام باقر (ع) امنیت را به حدی دانسته اند که در آن زمان هنگامی که پیر زن ضعیفی از مشرق به مغرب جهان مسافرت کند هیچ گونه آزار و اذیتی نبیند.^۳

امنیت قضایی

پس از ظهور حضرت، تعقیب، دستگیری و محاکمه ی آن هایی که جهان را سراسر نا امن کرده و میلیون ها کشته و معلول بر جای گذاشته اند امری حتمی است. امام صادق (ع) می فرماید: «آن گاه که حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند برای هر مرز و بومی از زمین، فرمانروایی تعیین می کند و به او می فرماید، برنامه کارتو در دست تو است و چنان چه در هنگام

۱- نجم الدین طوسی، چشم اندازی به حکومت مهدی (عج)، ج ۴، (قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی،

۱۳۸۲)، ص ۱۸۷

۲- سوره نور، آیه ۵۵

۳- لطف الله الصافی الکلیپایکائی، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، ص ۳۷۹

انجام وظیفه مشکلی پیش آمد که حکم آن را ندانستی به کف دست نگاه کن و بر طبق آن چه در آن می یابی رفتار نما.^۱

۴- رشد اقتصادی

در جهان پس از ظهور اقتصاد، رشد و توسعه فراوانی خواهد یافت و آنچه که انسان ها از ابتدای تاریخ تا کنون بر سر آن اختلاف داشتند و به خاطر آن خون یکدیگر را هم بر زمین می ریختند در آن زمان به دست خواهد آمد و آن قدر از لحاظ اقتصادی پیشرفت می شود که انسان نمی داند با آن همه ثروت چه کند و آن را در چه راهی مصرف کند. از امام باقر (ع) نقل شده است که در آن زمان اموال و ثروت دنیا از درون و برون زمین نزد وی جمع آوری می شود و به مردم می گوید، بیاید چیزی را که به خاطر آن قطع رحم و خویشاوندی نمودید و برای آن خون ها ریختید بردارید، و به هر کس به اندازه ای می دهد که قبل از او هیچ کس نداده است.^۲

در حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به دلیل این که مردم به اطاعت خداوند روی آورده اند دیگر زمین و آسمان از برکاتش بر بندگان خدا مضایقه نمی کنند.

«و لو ان اهل القرى امنوا و اتقوا افتحنا عليهم برکات من السماء و الارض»^۳
از جمله برنامه های اقتصادی در آن زمان اخذ مالیات و توزیع عادلانه است^۴
که نقش مؤثری در ایجاد رفاه اقتصادی و خشکاندن ریشه های فقر و

۱- نجم الدین طیبی، چشم اندازی به حکومت مهدی (عج)، ص ۱۹۴

۲- محمدرضا باقرزاده، از سازمان ملل تا حکومت مهدی، نشریه کیهان، مورخ ۸۲/۷/۶، ص ۲

۳- سوره اعراف، آیه ۹۵

۴- محمد آصف عطایی، رفاه و آسایش در عصر ظهور، نشریه قدس، مورخ ۸۲/۷/۱۹، ص ۲

محرومیت دارد و توجه حضرت به محرومان و بینوایان به حدی است که امیر المؤمنین فرموده است: آن گاه که امام زمان ظهور کند هیچ برده ی مسلمانی باقی نمی ماند مگر آن که حضرت او را خریده و در راه خدا آزاد می کند و هیچ بدهکاری نمی ماند مگر آن که حضرت بدهی او را می پردازد.^۱

پیامبر اکرم (ص) در این ارتباط فرموده اند: ... امت من در زمان او (ظهور) به طوری متنعمی شوند که مثل او دیده نشده است آن گاه زمین مأكولات خود را می دهد و چیزی نگه نمی دارد و اموال در این وقت مانند دانه هایی است که به زیر پا افتاده و هر مردی که بر می خیزد می گوید: یا مهدی! عطا کن به من آن حضرت می فرماید بگیر.^۲

کشاورزی هم در آن زمان رونق فراوانی خواهد گرفت امام صادق (ع) در تأویل آیه «مدهامتان» می فرمایند: یتصل ما بین المکه و المدینه نخلا^۳ یعنی بین مکه و مدینه را درخت های خرما به هم متصل می کند.

در روایات از باریدن ۲۴ باران در آن زمان خبر می دهد که در پی آن برکات زیادی شامل حال مردم می شود و سبزی و خرمی و کوه و دشت و صحرا را فرا می گیرد و بیابان های بایر اثری از خشکی نخواهند داشت که رسول اکرم می فرمایند: «زمین همانند نقره ای که پس از جوشش آرام می گیرد آماده

۱- نجم الدین طبسی، چشم اندازی به حکومت مهدی (عج)، ص ۲۰۰

۲- محمدباقر مجلسی، مهدی موعود، ج ۱، ص ۱۴۶

۳- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۹

کشت می شود و گیاهانش را می رویاند هم چنان که در زمان حضرت آدم بود»^۱

استخراج منابع فراوان یکی دیگر از دلایل توسعه اقتصادی در عصر ظهور می باشد چنان چه رسول الله فرموده اند: «... و یخرج به الارض افلا ذکبدها و یحثوالمال حثوا و لایعده عدأ و ذلک حتی یضرب الاسلام بحرانه»^۲

زمین گنجینه هایش را خارج می سازد و وی مال و سرمایه ی بی شمار بین مردم پخش می کند.

توسعه دام پروری هم از دیگر برنامه های اقتصادی حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد به طوری که پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: در روزگار پایانی زندگانی امت من دام و گوسفند فراوان می گردد و نکته ای که در این سخن گهربار پیامبر وجود دارد این است که گویا پیش از آن عصر، در اثر کمبود آب و علوفه و گسترش بیماری ها، دام ها نمی توانستند به زندگی ادامه دهند.^۳

۱- نجم الدین طبسی، چشم اندازی به حکومت مهدی (عج)، صص ۲۰۴ و ۲۰۵ به نقل از سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۵

۲- محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۶۸

۳- نجم الدین طبسی، چشم اندازی به حکومت مهدی (عج)، ص ۲۰۷

۵- عدالت در قضاوت

قضاوت و داوری حضرت مهدی (ع) به قضاوت حضرت داوود (ع) و حضرت محمد (ص) تشبیه شده است و وی در زمان حکومت خود هر حقی را به اهلش می‌رساند و به عدالت بین مردم حکم می‌کند.^۱

این عدالت به حدی است که امام صادق (ع) فرموده اند: «... بدانید به خدا سوگند که موج دادگستری او، بدانگونه که گرما و سرما نفوذ می‌کند، تا درون خانه های آنان راه خواهد یافت.»^۲

با توجه به این روایات به نظر می‌رسد که حضرت، هم از موازین ظاهری دادرسی اسلامی استفاده می‌کند و هم از طریق علمی و روانی به کشف مجرمان اصلی می‌پردازد.^۳

۶- دین واحد

در دوران ظهور و حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آئین واحدی در جهان حاکم می‌گردد و راه و روش نیز یکی می‌شود و مردم همه یک دل و یک زبان به سوی سعادت حرکت می‌کنند و وحدتی واقعی بر اساس اصول توحید و ایدئولوژی اسلامی پی می‌ریزند.

۱- شیخ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۵۲۶؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۹۰

۲- محمدبن ابراهیم النعمانی، غیبت نعمانی، ص ۴۲۳

۳- ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی، ص ۲۷۹

از امام صادق (ع) نقل شده است که فرموده است: سوگند به خدا قائم از میان ملت‌ها و آیین‌ها اختلاف را بر می‌دارد و یک دین بر همه حاکم می‌گردد.^۱

در قرآن کریم آمده است:

«هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله، و لو کره المشرکون»^۲

خدا آن کسی است که رسول خود محمد را با هدایت و یا با آیات و معجزات و بادینی فرستاد که با فطرت و حقیقت آفرینش منطبق است، فرستاد تا آن را بر سایر ادیان غلبه دهد. هر چند مشرکان نخواهند و ناراحت شوند و در تأویل این آیه شریفه آمده است که امام صادق فرمودند به خدا سوگند تأویل این آیه نازل نخواهد شد تا این که قائم (ع) خروج کند و در آن هنگام اگر کافر یا مشرکی در دل صخره ای باشد آن صخره می‌گوید: ای مؤمن! در دل من کافری است آن را بشکن و او را بکش.^۳

علامه طباطبایی ذیل این آیه شریفه فرموده اند: از آنجایی که خدای تعالی خواسته است دین اسلام بر سایر ادیان غالب آید مسلمانان باید بدانند که هر فتنه ای به پا شود به مشیت خدا به نفع آن‌ها و به ضرر دشمنان اسلام تمام خواهد شد و با این حال دیگر سزاوار نیست که سستی و نگرانی به خود راه

۱- مهدی حکیمی، امام مهدی و آینده زندگی، ج ۴، (تهران، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۷۹)، ص ۳۸-۳۶

۲- سوره توبه، آیه ۳۳

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۸۸

داده و در امر قتال کوتاه بیاند زیرا باید بدانند که اگر ایمان داشته باشند خدا خواسته است بالا قرار گیرند.^۱

در تأویل این آیه امیر المؤمنین (ع) فرموده اند مصداق این آیه هم اکنون آشکار نشده است و سوگند به کسی که جانم به دست اوست هیچ آبادی نمی ماند مگر این که هر صبح و شام در آن شهادت به وحدانیت خدا و رسالت محمدی (ص) بدهند.^۲

آری در آن زمان اختلاف از میان ادیان بر داشته می شود و همه به صورت یک آئین در می آیند و در جهان جز فرمانروایی اسلام وجود نخواهد داشت و هیچ معبودی جز خداوند متعال از بت و غیر آن باقی نمی ماند و به این ترتیب آئین توحید و اسلام در همه ی خانه ها و در درون زندگی همه ی انسان ها وارد می شود.^۳

۷- پیشرفت عظیم علمی

یکی از هدف های اصلی انبیاء دعوت مردم به فراگیری علم در تمام زمینه ها است که در سایه این دستورات، انسان به تفکر و تعقل پرداخته و در هر رشته از علوم به مسائل جدیدی رسیده و علوم را گسترش داده است اما متخصصان به معلومات اندک خود در برابر مجهولات اعتراف دارند لیکن چون هدف از خلقت انسان رشد، و کامل شدن شناخت و دانش است باید روزی این هدف

۱- سید حسین طباطبائی، المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۹، (قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا)، ص ۳۲۹

۲- سید جواد رضوی، سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۵۷؛ علی کورانی، عصر ظهور، ص ۳۵۵
 ۳- ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی، صص ۲۸۸ و ۲۸۹؛ علی کورانی، عصر ظهور، ص ۳۵۹ و ۳۶۱ و ۳۶۲

به واقعیت برسد که تحقق این هدف جز در زمان ظهور منجی آخرالزمان اتفاق نخواهد افتاد و اوست که از تمام حقایق مادی و معنوی پرده بر می دارد و خدا شناسی را نیز به تکامل می رساند.

امام باقر (ع) می فرماید: در زمان حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همه ی مردم، حکمت و علم بیاموزند تا آنجا که زنان در خانه ها با کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) قضاوت می کنند.^۱

و نیز امام صادق (ع) در روایت مشهور خود فرموده اند که علم ۲۷ حرف است انبیاء تا کنون دو حرف آن را آورده اند و مردم تا آن روز بیش از آن دو حرف نمی دانند و چون قائم قیام کند ۲۵ حرف بقیه را آورده و در میان مردم منتشر می سازد و مجموع ۲۷ حرف دانش را نشر می دهد^۲ که این حدیث روش جهش فوق العاده علمی عصر انقلاب مهدی را مشخص می سازد که تحولی عظیم به میزان بیش از ۱۲ برابر نسبت به تمام علوم در عصر حاضر را به پیش می آورد.^۳

در زمینه رشد و تکامل عقل و خرد انسان ها در آن زمان از امام باقر (ع) نقل شده است که چون قائم قیام کند دستش را بر سر بندگان نهد و از برکت آن دست عقل و خرد آن ها کمال یابد.^۴

گسترش اسلام و رسیدن انسان ها به یک آرامش روحی را می توان از دلایل این رشد علمی دانست.

۱- مهدی حکیمی، امام مهدی و آینده زندگی، ص ۴۸ تا ۵۰

۲- علی کورانی، عصر ظهور، ص ۳۶۶

۳- ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی، ص ۲۶۱

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۹۷

امام سجاد (ع) فرمودند: همگام با حکومت قائم هر گونه بیماری از جامعه مسلمانان رخت بر می بندد و مردم در آن دوران هر کدام نیرویی فوق العاده خواهند یافت که منظور از برطرف شدن بیماری ها پیشرفت علم پزشکی می باشد که به واسطه آن امراض درمان می شود.^۱

در مجموع روایات، جهان را در روزگار امام عصر، جهانی متمدن در اوج قدرت علمی معرفی می کنند و در آن زمان بشر در عین این که به بالاترین رشد علمی و صنعتی می رسد به همان اندازه به تعالی اخلاق و کمال انسانی نزدیک می گردد.^۲

۸ - انتظار ظهور حضرت عیسی (ع)

همان طور که در فصل گذشته گفته شد مسیحیان در انتظار ظهور مجدد حضرت عیسی (ع) می باشند که این عقیده از مهم ترین مسائل مشترک بین اسلام و مسیحیت می باشد با این تفاوت که آن ها مسیح را به عنوان تنها منجی آخرالزمان می دانند و اسلام مهدی موعود (ع) را منجی آخرالزمان می داند و مسیح را یکی از همراهان خاص وی می داند که همراه او به نجات مردم می پردازند. و در روایات متعددی آمده است که حضرت عیسی (ع) در آن روز به وقت نماز به امامت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نماز می گزارد.^۳

۱- محمدرضا باقرزاده، از سازمان ملل تا حکومت مهدی، ص ۲

۲- نجم الدین طیبی، چشم اندازی به حکومت مهدی، ص ۱۷۷

۳- لطف الله الصافی الکلبایکانی، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، ص ۶۰۰

۹- رجعت

مسلمانان به رجعت پس از ظهور اعتقاد داشته و این عقیده به این معناست که پیش از قیامت و در زمان ظهور جمعی از نیکو کاران بسیار نیک و بدکاران بسیار بد به دنیا بر می گردند. از امام باقر (ع) نقل شده است که اولین کسی که در رجعت بر خواهد گشت حضرت امام حسین (ع) خواهد بود و آن مقدار پادشاهی خواهد کرد که از پیری موهای ابروهای او بر روی دیده اش آویخته می شود

و امام صادق (ع) در تأویل آیه: «یوم نبعث من کل امه فوجاً ممن یکذب با یاتنا» فرموده اند این آیه رجعت را بیان می کند که حق تعالی از هر امتی فوجی را زنده می کند.^۱

«ثم بعثنکم من بعد مونکم لعلکم تشکرون»^۲

از این آیه و هم چنین آیاتی دیگر در قرآن کریم از قبیل آیات ۲۴۳ و ۲۵۹ بقره نیز استفاده می شود که رجعت امری است ممکن زیرا در امتهای گذشته بارها به نحو مقطعی اتفاق افتاده است، و چگونه ممکن است کسی قرآن را به عنوان یک کتاب آسمانی بپذیرد و با این همه آیات روشن باز امکان رجعت را انکار کند. اساساً مگر رجعت چیزی جز بازگشت به حیات پس از مرگ است، مگر رجعت نمونه کوچکی از رستاخیز در این جهان کوچک محسوب نمی شود. کسی که رستاخیز را در آن مقیاس وسیعش می پذیرد، چگونه می تواند خط سرخ بر مسأله رجعت بکشد و یا آن را به باد مسخره گیرد.^۳

۱- محمد باقر مجلسی، حق الیقین، ج ۲، (تهران، موسسه انتشارات قائم، بی تا)، صص ۳۲۶ و ۳۲۵

۲- سوره بقره، آیه ۵۶

۳- غلامرضا مغیثی، رجعت از نگاه عقل و دین، (قم، انتشارات قلم، ۱۳۸۰)، ص ۳۰



فصل پنجم:

راہکار ہا و پیشہ دانی جہت

وحدت میں ادیان

وظایف افراد حقیقی

۱- رهبران ادیان و اندیشمندان

- منجی محور بنیادین گفت و گوی ادیان

یکی از وظایف مهمی که افراد حقیقی جامعه می توانند انجام دهند این است که محور بنیادین گفت و گوی ادیان را «منجی» قرار دهند. بر پایی عدالت، ایجاد امنیت اهتمام در عمران و آبادی زمین، وحدت کلمه، صلح، دوستی و ارتباط منطقی گسترش علم بر چیده شدن شرک از تمام نقاط زمین، همگی از جمله موضوعات مورد علاقه و توجه ادیان مختلف است که به عنوان ویژگی های جامعه ی پس از ظهور معرفی شده است و می توانند زمینه های مناسبی برای گفت و گو باشند و بیانگر این واقعیت باشد که همه راه ها به یک حقیقت ختم می شود. همان حقیقتی که بشر در جستجوی آن است.

- وحدت امت اسلامی

یکی از ملازمات این گفت و گو وحدت امت اسلامی است و این پیام را برای همه ی ادیان دارد که باید با امت و تمدن اسلامی به عنوان یک موجودیت قدرتمند بنگرند و با آن وارد گفت و گو شوند. این قدرت نمایشی

از توانایی معنوی و فرهنگی خواهد بود که در این صورت جهان تشنه معنویات، امروز با میل و رغبت بیشتر به این گفت و گو خواهد اندیشید و گفت و گو از دایره نخبگان و سران، خارج شده و به میان ملت‌ها کشیده می‌شود.

مروری اجمالی بر دیدگاه‌های مختلف نشان می‌دهد در نگرش به مهدویت و منجی بین گروه‌های اسلامی زمینه‌های مناسبی برای وحدت نظر وجود دارد که می‌توان آنرا زمینه ساز از بین بردن سایر تفاوت‌ها و اختلاف‌ها و تبدیل آن‌ها به وحدت قرار داد.^۱

- گفت و گوی امت اسلامی با سایر ادیان

پس از ایجاد وحدت امت اسلامی و به دست آوردن قدرت کافی با سایر ادیان به گفت و گو پرداخته که موضوع مورد علاقه و مشترک بین ادیان که منجی باوری از آن جمله می‌باشد از موارد مهم این گفت و گو است و از جمله زیر موضوعات پیشنهادی در این گفت و گوها، موضوعات ذیل می‌باشد؛

- پایان تاریخ بشر در ادیان

- جهانی شدن

- انتظار

- پاسخ‌گویی به شبهات

- پرداختن به مشترکات و متفرقات منجی در ادیان.

- برپایی کنگره‌های جهانی

۱- محمد تقی زاده، منجی محور بنیادین گفتگوی تمدن‌ها، مقاله]

یکی دیگر از پیشنهادات جهت تبیین این موضوع توسط رهبران و اندیشمندان ادیان بر پای کنگره های جهانی با موضوع منجی در ادیان می باشد.

۲- نویسندگان

پیشنهادی که به قشر نویسندگان داخلی و خارجی ادیان مختلف داده می شود این است که در صدد تدوین کتب و مقاله هایی با موضوع هایی مختلف منجی باوری، در ادیان الهی بر آیند و هر دینی به طور کامل و با استفاده از کتاب های آسمانی و مقدس مورد قبول و بدون تعصب درون دینی به موعود آخرالزمان پردازد، و این آثار به زبان های مختلف ترجمه شود، و مسائل مشترک و اختلاف هایی که در هر کدام هست مشخص و بررسی شود، و همچنین کتاب های معتبر در دین های یهود و مسیح از جمله تلمود به زبان فارسی ترجمه شود تا بهتر بتوان از آن ها استفاده نمود.

و هر کدام از نهادهای حقوقی کشور می توانند به اندازه ی توان و محدوده ی کاری خود در این زمینه نقش آفرین باشند، که در این نوشتار به برخی از این نهادهای حقوقی پیشنهاداتی جهت تبیین این موضوع و گسترش فرهنگ مهدویت داده می شود.

۱- حوزه و دفتر تبلیغات اسلامی

حوزه نهادی ریشه دار و اصیل است که در تمامی قرون و اعصار، پاسدار اسلام از دستبردها و حوادث بوده است، کوتاهی حوزه و حوزویان در امر منجی باوری ادیان الهی، زمینه ساز بروز خرافات و سطحی نگری شدن آن می شود.

- بنابراین جا دارد، حوزه به عنوان متولی این امر، قدم های جدی تری بردارد و به موارد ذیل پردازد
- در آموزش های حوزوی درس هایی مانند مبانی اعتقادی منجی در اسلام و سایر ادیان، شناخت فرقه ها و گروه های انحرافی باشد.^۱
 - برای دانشجویان و طلاب دوره های تخصصی مهدویت گذاشته شود.
 - تغذیه صدا و سیما به عهده ی حوزه می باشد.^۲
 - اعزام طلاب به نقاط مختلف کشور جهت سخنرانی با موضوع منجی در ادیان.
 - شناسایی محققان توسط سازمان تبلیغات اسلامی و استفاده از کتب آن ها در این زمینه.
 - برگزاری جشنواره بهترین آثار طلاب و فضلا با موضوعات منجی در ادیان.
 - گفتمان های بین المللی منجی در ادیان توسط حوزویان.
 - افزایش سطح علمی هیئت ها، انجمن ها، مداحان و واعظان از راه تشکیل جلسات بحث و گفت و گو با جزوه ها و کتاب های مناسب در زمینه منجی در ادیان.
 - تهیه آیات و روایات و اشعار از دین های مختلف در زمینه منجی و نجات بخش مردم و ارائه آن به شکل های مردمی و سازمان ها و اداره ها.
 - مشارکت طلاب و در همایش های داخلی و بین المللی با موضوعات منجی در ادیان.

۱- مسعود پورسیدآقایی، بازکاوی حقوق امام مهدی (عج)، فصلنامه انتظار، ش ۵، صص ۱۰ و ۹

۲- محسن قرائتی، وظایف سازمان ها و نهادها در ترویج فرهنگ مهدویت، فصلنامه انتظار، ش ۵، صص ۶۶ و ۶۷

- اختصاص بخشی از سایتهای مهدویت به موضوع منجی در ادیان.

۲- صدا و سیما

صدا و سیما به خاطر گستردگی و نفوذی که دارد می تواند بیش ترین نقش را در تبیین و ترویج اعتقاد صحیح به منجی بشریت داشته باشد.

این رسانه اخیراً با برگزاری برنامه هایی ویژه ی مهدویت از جمله دعا و سخنرانی و سرود در این زمینه فعالیت می نماید که نسبت به گذشته خوب است و جای تشکر دارد اما نسبت به آن هایی که در راه انکار مهدویت فعالیت می نمایند بسیار ناچیز است، در غرب حدود ده ها فیلم در رابطه با قیام موعود آخرالزمان ساخته شده است که از مجموعه پیشگویی های «نوستراداموس» حدود پانصد اثر اعم از فیلم، نمایش نامه، آهنگ و داستان ارائه شده است.

بنابراین پیشنهاد می شود با تشکیل ستاد دائمی و فعال به برنامه های ذیل پردازند.

- ساخت سرود، تواشیح، آواز با موضوع های نجات، انتظار، امید، عدالت، فریادرس و... با زبان های مختلف و پخش آن از شبکه های درون مرزی و برون مرزی.

- تشکیل میزگرد ویژه ی منجی در ادیان با استفاده از کارشناسان داخلی و خارجی با ریز موضوعات آینده ی جهان از منظر ادیان، جهانی سازی و...

- پخش برنامه های برون مرزی با در موضوع های مصلح جهانی و ارتباط با صاحب نظران در خارج از کشور.

- پشتیبانی از فیلم هایی که در داخل و یا خارج از کشور در این موضوع ساخته می شود.

- پاسخ به شبهات و پرسش های منجی در ادیان.
- تهیه ی فیلم های گزارشی در این رابطه.
- تهیه ی فیلم های کوتاه داستانی و قطعه های نمایشی از ادیان مختلف با موضوع منجی باوری.
- گفت و گو با سران ادیان دیگر در موضوع های منجی باوری و پایان تاریخ بشر از دیدگاه ادیان.
- نقد فعالیت ها و فیلم های غرب علیه منجی باوری و آینده جهان.
- اختصاص یافتن یک شبکه در سیما به منجی آخرالزمان.
- بستر سازی برای برخی کارهای اساسی و کلان در موضوع منجی و آخرالزمان در ادیان مثل همایش های بین المللی مصلح جهانی.
- معرفی پژوهش گران نویسندگان، شاعران، قصه نویسان، طراحان، نقاشان، خطاطان، کتاب ها، سایت های اینترنتی و ناشران منجی در ادیان.
- از جمله ریز موضوعات پیشنهادی برای طرح در برنامه های مختلف ارائه شده موضوعات زیر می باشد.
- اهمیت پرداختن به منجی بشریت ،
- سیمای حکومت جهانی در ادیان ،
- غرب و منجی باوری ،
- مشترکات مفرقات منجی در ادیان
- پایان تاریخ بشر در ادیان
- پاسخ گویی به شبهات
- جهانی شدن و جهانی سازی ،

- شرایط و علائم ظهور منجی در ادیان

- انتظار

- منجی در روایات اهل سنت و تشیع و ...

۳- آموزش و پرورش و دانشگاه ها

خانه دوم همه ی فرزندان و جوانان ما آموزش و پرورش و دانشگاه ها می باشد. مکانی که همه ی اقشار جامعه با آن در ارتباط می باشند، بنابراین پیشنهاد می شود که در کنار دروس تخصصی آن ها جهت آشنایی بیشتر این قشر با مسائل منجی باوری و آینده جهان به این موضوع به صورت های زیر بپردازند.

- اختصاص یافتن این موضوع در درس های عمومی دانشگاه ها

- برگزاری جلسات پرسش و پاسخ همراه با سخنرانی توسط اساتید مجرب

در دانشگاه ها و مدارس

- تقدیر از معلمان و دانشجویانی که در این رابطه آثاری از قبیل شعر،

داستان، مقاله طرح و ... دارند

- دادن موضوعات منجی آخرالزمان برای نوشتن انشاء به دانش آموزان

- برگزاری مسابقات مقاله نویسی و هنری در سطح مدارس و دانشگاه ها با

موضوع های منجی در ادیان .

- برگزاری همایش و جشنواره های بهترین آثار در دانشگاه ها.

۴- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

از جمله فعالیت هایی که در این رابطه به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

پیشنهاد می شود.

در آخرالزمان می باشد که همه در انتظار ظهور او به سر می برند و آنها در مصداق و یا اسامی آن منجی اختلاف دارند.

در دین یهود از روزهای آغازین وحی سخن از نجات بشر و ظهور منجی آخرالزمان شده است که معمولاً با این نوید امید به زندگی و نشاط را در مردم زنده می کردند و بیان نموده اند که آن منجی هنوز ظهور نکرده است و اما مسیحیان منتظر بازگشت مجدد مسیح هستند و عده ای از آنها هم منتظر شخص دیگری غیر از مسیح هستند که خود مسیح وعده به آمدنش را داده است و مسلمانان هم در انتظار مهدی موعود (عجل) که پیامبر (ص) از روزهای آغاز تشکیل اسلام وعده به ظهور ایشان و تشکیل مدینه فاضله توسط او را داده است به سر می برند او که دوازدهمین امام شیعیان و فرزند رسول الله (ص) می باشد.

از نکته های قابل تأمل در دو دین یهود و مسیح این است که غیر از بشارتهای فراوان به منجی، همانند دین اسلام به ویژگی های مختلف این ظهور در قبل و پس از آن پرداخته اند که از علائم آن ظلم و فساد و تنگی و عسرت و وقوع جنگ ها می باشد و تشکیل حکومت جهانی و پرچیده شدن ظلم و برپایی عدالت و امنیت جهانی و صلح و تحول علمی سیمای جهان پس از ظهور می باشد که در مواردی یهودیان این پیروزی بزرگ را از آن خود می دانند که با بررسی این موضوع در هر سه دین متوجه شدیم که سیمای منجی آخرالزمان در دین اسلام کامل تر و دقیق تر بیان شده است و به دستاوردهای حکومت امام مهدی پس از ظهور به طور دقیق پرداخته و هیچ شک و شبهه ای را بر جای نگذاشته است و مهدویت یکی از اصول و مبانی مهم این دین به

شمار می رود. بنابراین با توجه به وجوه مشترکی که بین این سه دین بزرگ می باشد می توان با پرداختن به این مسأله یأس و سردرگمی را در بین جوامع بشری کاهش داد و با محور قرار دادن منجی در گفتگوی ادیان در بین آنها یک نوع وحدت و همگرایی ایجاد نمود و برای بهتر تبیین نمودن این موضوع به راه کارهایی که پیشنهاد شده است پرداخت تا موجبات رستگاری و امید انسان ها را فراهم شود بنابراین با این وجود و با ظهور آن یگانه منجی بشریت، نه تنها تاریخ پایان نمی یابد بلکه آغاز تاریخ است. ان شاء الله.

فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، چ ۳، (قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸)
- کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید)، ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرکن، (تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۹)
- تهلیم (مزامیر حضرت داوود)، (تهران، انتشارات کلیمیان تهران، ۱۳۷۹)
- انجیل برنابا، ترجمه حیدرقلی سردار کابلی، چ ۲، (تهران، نشر نیایش، ۱۳۸۰)
- ترجمه تفسیری کتاب مقدس، انجم بین المللی کتاب مقدس، ۱۹۹۵
- دائرة المعارف کتاب مقدس، ترجمه بهرام محمدیان، (تهران، انتشارات سرخدار، ۱۳۸۱)
- مرجع مهدویت، (انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۸۲)
- ابراهیم علیرضا، مهدویت در اسلام و دین زرتشت، (تهران، انتشارات باز، ۱۳۸۱)
- آشتیانی جلال الدین، تحقیقی در دین مسیح، (بی جا، انتشارات نشر نگارش، ۱۳۶۸)
- آصف عطایی محمد، امنیت جهانی در عصر ظهور، نشریه کیهان، (۱۳۸۲/۷/۱۷)
- آصف عطایی محمد، عدالت اجتماعی در عصر ظهور، نشریه جمهوری اسلامی
- آصف عطایی محمد، رفاه و آسایش در عصر ظهور، نشریه قدس (۱۳۸۲/۷/۱۹)

امامی آزاده، صهیونیسم مسیحی و آخرالزمان، به راهنمایی علیرضا احساندوست، پایان نامه مجمع معاونت سیاسی، بسیج مقاومت در سپاه اصفهان، ۱۳۸۳

امامی مجید، پایان تاریخ جنگ تمدن ها، نشریه رسالت، (۱۳۸۲/۸/۶)
الیاده میرچاد، مهدویت از دیدگاه دین پژوهان و اسلام شناسان غربی، ترجمه بهروز جندقی، فصلنامه انتظار، ش ۶

بارکلی ویلیام، تفسیر العهد الجديد، انجیل لوقا، مجلس التحریر، چ ۲، (قاهره، صدر عن دار النقاہ المسیحیہ، ۱۳۰۴)

باقرزاده محمد رضا، از سازمان ملل تا حکومت مهدی، نشریه کیهان، (۸۲/۷/۶)

بحرانی سید هاشم حسینی، سیمای حضرت مهدی در قرآن، ترجمه سید مهدی قزوینی، چ ۲، (تهران، نشر آفاق، ۱۳۷۶)

بدری سامی، مهدی منتظر (عج) و سیر تاریخی و نشانه های ظهور، ترجمه عبدالله امینی، فصلنامه انتظار، چ ۳، ش اول

بهشتی محمد، ادیان و مهدویت، چ ۷، (بی جا، چاپخانه بهمن، ۱۳۶۱)
برانتل جورج، آیین کاتولیک، ترجمه حسن قنبری، (قم، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱)

برنجیان جلال، آینده جهان، چ ۲، (تهران، مؤسسه تحقیقات و انتشارات طور، ۱۳۸۰)

بیابانورد علیرضا، درآمدی بر اندیشه های کارل مارکس، نشریه صدای عدالت، (۸۱/۸/۵)

پارسا - خ، ژرف اندیش ترین انسان هزاره دوم، کارل مارکس - یا سوم، نشریه لوح، ش ۷

تقی زاده محمد، منجی محور بنیادین گفتگوی تمدن ها [مقاله]

توفیقی حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، (تهران، مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۹)
تیسن هنری، الهیات مسیحی، ترجمه ط. میکائیان، (بی جا، انتشارات حیات
ابدی، بی تا)

جوادی آملی عبدالله، دین شناسی، (بی جا، مرکز نشر اسراء، بی تا)
جوکوبس لویس، دانش نامه دین (ماشیح)، ترجمه محمدرضا فرزین، نشریه
هفت آسمان، ش ۹ و ۱۰

حکیمی محمدرضا، خورشید مغرب، چ ۲۲، (قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،
۱۳۸۰)

حکیمی مهدی، امام مهدی و آینده زندگی، چ ۴، (تهران، انتشارات بنیاد
فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۷۹)

حصاری علی اکبر، به سوی حکومت جهانی امام مهدی، (قم، مؤسسه
فرهنگی انتظار نور، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲)

خسروشاهی سیدهادی، مصلح جهانی، چ ۲، (تهران، انتشارات اطلاعات،
۱۳۷۴)

خسروشاهی سیدهادی، مصلح موعود و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت،
(تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳)

دوانی علی، موعودی که جهان در انتظار اوست، چ ۲، (قم، انتشارات مؤسسه
مطبوعات دارالعلم، ۱۳۴۹)

راشد محصل محمد تقی، نجات بخشی در ادیان، (بی جا، انتشارات مؤسسه
مطالعات و تحقیقات وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۹)

رحیم پور ازغدی حسن، مهدی ده انقلاب در یک انقلاب، چ ۳، (بی جا،
انتشارات سروش، ۱۳۸۱)

رضایی عبدالعظیم، اصل و نسب و دین های ایرانیان باستان، چ ۳، (بی جا،
انتشارات نویسنده، بی تا)

رضوی سید جواد، سیمای حضرت مهدی در قرآن در پرتو روایات، (قم، انتشارات موعود اسلام، ۱۳۸۲)

الساده مجتبی، تا فخر مقدس، ترجمه محمود مطهری نیا، نشریه موعود، ش ۳۱

سعادت پرور علی، ظهور نور، ترجمه سید محمد جواد وزیری فرد، چ ۲، (تهران، شرکت انتشارات احیاء کتاب، ۱۳۸۰)

سعدی حسین علی، نجات شناختی تطبیقی، فصلنامه انتظار، ش ۴

سلیمان کامل، روزگار رهایی، ترجمه علی اکبر مهدی پور، ج ۲، چ ۱۴، (تهران، مرکز پخش دفتر نشر آفاق، ۱۳۸۱)

سلیمانی عبدالرحیم، قرآن کریم و بشارتهای پیامبران، فصلنامه هفت آسمان، ش ۱۶

سلیمیان خدامراد، فرهنگ نامه مهدویت، (تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۸۳)

-----، سه قلوهای نظریه پرداز، هفته نامه صبح صادق، ۸۳/۳/۲۴

شریف، ۳۱۳ نشانه از یار غریب، (قم، انتشارات دارالهدی، ۱۳۸۱)

شفعی سید علی اکبر، بشارات صحف سماویه، ج ۳ و ۴، چ ۲، (اصفهان، کتابفروشی دین و دانش، بی تا)

صادقی محمد، بشارات عهدین، چ ۴، (تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲)

صافی گلپایگانی لطف الله، امامت و مهدویت، ج ۱ و ۲، (قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا)

الصافی الکلبایگانی لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر (ع)، (قم، مؤسسه السیده المعصومه (سلام الله علیها)، ۱۴۱۹)

صدر سیدرضا، تفسیر سوره حجرات، به اهتمام سید باقر خسروشاهی، چ ۲، (قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹)

ابن بابویه قمی محمدبن علی (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه منصور پهلوان، ج ۲، (قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۰)

صفائی کاشانی علی، اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن، (بی جا، انتشارات مفید، ۱۳۷۶)

طاهری حبیب الله، جهانی شدن و مقایسه آن با حکومت واحد جهانی حضرت مهدی، فصلنامه انتظار، ش ۷

طباطبائی محمد حسین، بررسی های اسلامی، به کوشش سید هادی خسروشاهی، (بی جا، مرکز انتشارات دارالتبلیغ، ۱۳۹۶)

طباطبائی محمد حسین، المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، (قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا)

طباطبائی سید محمد کاظم، عدالت جهانی، نماد سیاست مهدوی، فصلنامه انتظار، ش ۱۳

طبرسی نوری حسین، نجم الثاقب، (قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰)

طبسی نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی

---، عقیده به ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اقوام و ادیان، [مقاله]

علیزاده مهدی، نشانه های یار و چکامه انتظار، چ ۲، (قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۲)

عمر یوسف محمد، المسيح الموعود و المهدي المنتظر، (بیروت)

العمیدی سید ثامر هاشم، در انتظار ققنوس، ترجمه مهدی علیزاده، (قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹)

العمیدی سید ثامر هاشم، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ترجمه محمدباقر محبوب القلوب، (قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰)

فخرالاسلام محمد صادق، انیس الاعلام فی نصره الاسلام، با تنظیم سید عبدالرحیم خلخالی، ج ۷، (تهران، کتابفروشی مرتضوی)

فقیه ایمانی، اصالت مهدویت، از دیدگاه اهل سنت، (تهران، ۱۳۵۸)

فقیه نیا محمد، حضرت مهدی و بشارتهای آسمانی، (قم، بنیاد فرهنگی پژوهشهای نورالاصفیاء، ۱۳۷۹)

فلسفیان سید مجید، علی و پایان تاریخ، (انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۸)

فولادوند عزت الله، پایان تاریخ فوکویاما، نشریه همبستگی، (۸۰/۹/۱۸)

فیلسون فلوید، کلید عهد جدید، ترجمه مسعود رجب نیا، (تهران، انتشارات نور جهان، ۱۳۳۳)

قزوینی سید محمد کاظم، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ترجمه علی کرمی و سید محمد حسینی، ج ۳، (قم، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۸)

کارگر رحیم، جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)، فصلنامه انتظار، ش ۶، ج ۲

کریست آنتی، دجال در کتاب مقدس، ترجمه اسماعیل نعمت الهی، نشریه موعود، ش ۳۱

کرینستون جولیوس، انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه حسین توفیقی، (قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷)

کلینی رازی ابی جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، ج ۲، (بی جا، انتشارات علمیه اسلامی، بی تا)

کورانی علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، ج ۲، (بی جا، انتشارات بین المللی سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸)

کهن ابراهام، گنجینه ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، (تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲)

- گروه نویسندگان، پیشگوئیها و آخرالزمان، (تهران، انتشارات موعود عصر (عج)، ۱۳۸۲)
- گروه نویسندگان، التفسیر الحدیث الكتاب المقدس العهد الجديد انجیل متی، (قاهره، صدر عن دارالثقافه، ۱۲۹۸)
- گروه نویسندگان، نگین آفرینش، (قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۸۳)
- گروه نویسندگان زیر نظر ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۲، چ ۴، (تهران، بی نا، ۱۳۶۳)
- گروه نویسندگان، دائره المعارف الکتابیه، ج ۲، (قاهره، صدر الثقافه، بی تا)
- مجلسی محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۱ و ۵۲، چ ۴، (بی جا، انتشارات کتابچی، بی تا)
- مجلسی محمدباقر، حق الیقین، ج ۲، (تهران، مؤسسه انتشارات قائم، بی تا)
- مجلسی محمدباقر، مهدی موعود، ترجمه حسن بن محمد ولی ارومیه ای، چ ۳، (قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰)
- مرقس، مژده برای عصر جدید یا انجیل عیسی مسیح، (تهران، انتشارات انجمن کتاب مقدس، ۱۹۷۲)
- المسیری عبدالوهاب، موسوعه اليهود و الیهودیه و الصهیونیه، ج ۵، (قاهره، دارالشروق، ۱۹۹۹)
- مصباح یزدی محمدتقی، آموزش عقاید، چ ۱۷، (بی جا، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷)
- مطهری مرتضی، فلسفه تاریخ، ج ۲، چ ۲، (تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۸)
- نعمان محمد بن محمدبن، (شیخ مفید)، الارشاد فی معرفه حج الله علی العباد، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، ج ۲، چ ۵، (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰)

مطهری مرتضی، قیام و انقلاب مهدی، (قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه،
(۱۳۶۱)

مکارم شیرازی ناصر، حکومت جهانی مهدی، ج ۱۱، (قم، انتشارات نسل
جوان، ۱۳۸۰)

موحدیان عطار علی، گونه شناسی اندیشه موعود در اسلام، نشریه هفت
آسمان، ش ۲۱

موحدیان عطار علی، گونه شناسی اندیشه موعود در ادیان مختلف، نشریه
هفت آسمان، ش ۱۲ و ۱۳

مولوی نیا محمد جواد، سیمای مهدویت در قرآن، (قم، انتشارات امام عصر،
(۱۳۸۱)

مهدی پور علی اکبر، او خواهد آمد، (بی جا، مؤسسه انتشارات رسالت، بی
تا)

مهدی پور علی اکبر، عدالت آفتاب عالمتاب، فصلنامه انتظار، ش ۴
مهدی پور علی اکبر، کتابنامه حضرت مهدی (ع)، ج ۱ و ۲، (بی جا، مؤسسه
چاپ الهادی، ۱۳۷۵)

میرجهانی طباطبائی سید حسن، نوائب الدهور فی علائم الظهور، ج ۴، (تهران،
انتشارات کتابخانه صدر، بی تا)

---، نظام جهانی و پایان تاریخ، نشریه سیاست روز، (۸۰/۷/۱۹)
نعمانی محمدبن ابراهیم، غیبت نعمانی، ترجمه محمد جواد غفاری، (بی جا،
کتابخانه صدوق، ۱۳۶۳)

واعظی احمد، اسلام و لیبرالیسم، نشریه بازتاب اندیشه، ش ۴۶
---، ویژگی های دولت کریمه حضرت مهدی (عج)، نشریه کیهان،
(۷۷/۹/۱۰)

- ویور مری جو، درآمدی به مسیحیت، ترجمه حسن قنبری، (قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱)
- هادوی مقدم حمید، آخرالزمان از دیدگاه یهودیت، به راهنمایی حسین توفیقی، پایان نامه مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم، (۱۳۸۰)
- هادیان شیرازی عبدالرسول، پیروزی نهایی حق بر باطل، [مقاله]
- هلی هنری، راهنمای کتاب مقدس، گروه مترجمان، زیر نظر کشیش ساردخاچیکی، (بی جا، انتشارات پوب لیشر، ۲۰۰۰)
- هانتینگون و منتقدانش، نظریه برخورد تمدن ها، ترجمه مجتبی امیری، (تهران، مؤسسه انتشارات وزارت امور خارجه ۱۳۷۴)
- هانتینگون ساموئل، موج سوم دموکراسی، ترجمه احمد شهسا، (بی جا، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳)